

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

رشد آموزش علوم اجتماعی

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
• دوره‌ی بازندهم • بهار ۱۳۹۳
• شماره‌ی بی‌دری ۵۸

- مدیرمسئول: محمد ناصری
- سردبیر: دکتر مسعود فرحانیان مقدم
- مدیر داخلی: دکتر احمد کلاه مال همدانی
- هیئت تحریریه: دکتر فضیله خانی، دکتر حبیب‌الله فصیحی، دکتر ناهید فلاحیان، فریبرز بیات، ابوالفضل نفق، ویراستار: بهروز راستانی
- طراح گرافیک و طرح جلد: پریسا سندنسی
- نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
- صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹
- تلفن: ۸۸۳۴۴۷۵۷
- نمابر: ۸۸۳۰ ۱۴۸۷
- وبگاه: www.roshdmag.ir
- پیام نگار: ejtemaie@roshdmag.ir
- تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰ ۱۴۸۲
- کد مدیرمسئول: تهران، صندوق پستی: ۱۱۴
- کد مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵
- شماره گان: ۷۵۰۰ نسخه
- چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- ۲
- ۴
- ۸
- ۱۶
- ۲۲
- ۳۲
- ۳۶
- ۴۲
- ۴۸

- قابل توجه
همکاران محترم:
۱. سعی شود مطالب ارسالی پیش‌تر جنبه‌ی کاربردی داشته باشد و از پرداختن طولانی به مبانی نظری و تئوری پرهیز شود.
 ۲. مطالبی را که برای درج در مجله می‌فرستید، با آموزش علوم اجتماعی مرتبط باشد و در جای دیگری هم چاپ نشده باشد.
 ۳. مطالب ترجمه شده با متن اصلی ارسال شود.
 ۴. بهتر است متن را از طریق پیام نگار (E-mail) برای ما بفرستید.
 ۵. نثر مطالب روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
 ۶. مجله در رد، قبول، اصلاح و تلخیص مطالب رسیده مجاز است.
 ۷. در ابتدای مطالب ارسالی، واژه‌های کلیدی نوشته شود.
 ۸. شماره تلفن تماس و نشانی دقیق پستی حتماً نوشته شود.

جهان دیگری بسازیم
اقتصاد بدون نفت و انتخاب راهبردها / زهرا آقایی
بیداری اسلامی در جزیره خونین خلیج فارس / فاطمه سلیمی
عید نوروز، عامل هم‌گرایی در روابط کشورها / عبدالحمید قلی‌زاده
باید این بنا را از نو بسازیم / محمد دشتی
اورامان و پیرشالیار / دکتر حبیب‌الله فصیحی
تشنه مشاوره‌ای کارا / فاطمه خرقانیان
آشنایی با روزهای ملی / زهرا صادقی
سنگفرش هر خیابان از طلاست

سر مقاله

جهان دیگری بسازیم

سال گذشته، سالی پر برکت برای ایران اسلامی و جهان بود. در ایران شگفتی‌های علمی بسیاری به‌ویژه در زمینه نانو فناوری، رادیو داروها، علوم فضایی و ماهواره‌ای، انرژی هسته‌ای و... آفریده شد. در زمینه امور سیاسی، جریان‌های معاند و خود فروخته رسوا شدند و سربازان گمنام امام زمان(ع)، با دقت تمام شبکه‌های مخوف مجازی و اجتماعی وابسته به این جریان‌ها را شناسایی و سردمداران آنان را به جامعه معرفی کردند.

در این منطقه و در جهان، تنش‌های اقتصادی و سیاسی فراوانی دیده شد. در قاره‌های آمریکا و اروپا جریان‌های «وال استریت» و «۹۹درصدی‌ها» و ورشکستگی بسیاری از بانک‌ها و مراکز اقتصادی این دو قاره خودنمایی کرد و مردم خسته از اندیشه‌های مادی و ناکارآمد سرمایه‌داری مقاومت‌های بسیاری کردند. آمریکای لاتین به استقلال خود و تجدید حیات بومی و فرهنگی‌اش پرداخت و دیگر بستری برای توطئه‌های رنگارنگ وابستگان به انقلاب‌های رنگی نبود. و در مقابل آن‌ها ایستاد. آفریقا باز هم سر به شورش گذاشت و در مقابل حاکمان دیکتاتوری چون بن‌علی و حسنی مبارک قد علم کرد و آنان را سرنگون ساخت. رژیم اشغالگر قدس با چالش‌های متعددی روبه‌رو شد و دیگر آن رژیم مخوف، پشتیبان و حامی آمریکای جهان‌خوار محسوب نمی‌شد.

همه این‌ها در سایه این امر اتفاق افتاد که مردم جهان هوشیار شده و به فطرت پاک الهی‌شان بازگشت کرده‌اند. در ایران همچنین موفقیت‌های بزرگی همچون برگزاری «کنفرانس سران جنبش غیرمتمهدها» نصیب ما شد که با سخنرانی بسیار مهم مقام معظم رهبری، فصلی نو را در مدیریت جهان گشود. به لحاظ فرهنگی نیز موفقیت‌های بسیاری به‌دست آمد که از آن جمله می‌توان اجرای «طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش» را نام برد. اما سؤال این است که سهم ما و آموزش و پرورش در این میان چیست؟

برای پاسخ به این سؤال مهم بهترین گزینه، پیام‌ها و سخنان مقام معظم رهبری است که هر از چند گاهی ارائه می‌شود. تدبیر اجرایی و تحقق فرمان‌ها، خواست‌ها و مطالبات ایشان که همانا مطالبات الهی است، مهم‌ترین وظیفه و سهم ما در این پیشرفت‌های اساسی است. نظام آموزش و پرورش براساس اندیشه‌های اسلامی در حال شکل‌گیری است متفکران بسیاری بدان پرداخته‌اند، «طرح ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش» که تصویب و به اجرا گذاشته شده است بر بنیاد فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران یعنی همان فلسفه الهی، فلسفه خودی تولید شده است. از این رو انتظار این است که این اسناد به درستی به اجرا درآید. اگر این امر متحقق شود یقیناً تحول بزرگی به‌وجود می‌آید.

نکنه دیگر، ظرفیت‌های بزرگی است که در جهان امروز در امر آموزش و پرورش وجود دارد و ما از آن غافلیم. تعاریفی که از آموزش و پرورش ارائه شده‌اند، همه بر بنیان‌های مادی هستند. اما ما مدعی هستیم که آموزش و پرورش مبتنی بر اندیشه و فلسفه اسلامی را شکل داده‌ایم. اگر چنین است، اسلام به ایران محدود نیست و همه جهان نیازمند این اندیشه‌اند. به‌ویژه قاره مسلمان آفریقا به این اندیشه بیش از موارد دیگر نیازمند است. سرمایه‌گذاری در کشورهای مسلمان آفریقایی و انتقال فرهنگ اسلامی بدان، اولویتی است که امروز ایران انقلابی بدان نیازمند است، نیازی که تنها با مشارکت جهانی قابل تحقق است.

وظیفه مهم دیگر ما، پیوستن به اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی اسلامی است. لازمه این پیوستگی برخوردار بودن از جامعه‌پذیری خاصی است که اسلام آن‌ها را مطرح می‌کند. اجتماعی شدن از منظر ما به معنای پذیرش اصول ثابت و پایدار اجتماعی اسلام و پذیرش تغییرات به مقتضای آن و شرایط زمان است. شاید مهم‌ترین تغییری که لازم است در سطح جهان اتفاق بیفتد، شکل‌گیری «جهانی بدون صهیونیسم» است تا بشر بتواند با نگاه و رویکردی غیرمادی و رها از منفعت‌طلبی‌های مستکبران از خدا بی‌خبر به هستی بنگرد و ساز و کارهایی ایجاد کند که رفاه مادی و معنوی همه انسان‌ها فراهم آید. لازمه تحقق این امر محو اسرائیل غاصب و اندیشه‌های صهیونیستی است که بر سراسر گیتی متأسفانه حاکمیتی ظالمانه یافته است. با اندیشه‌های سرمایه‌داری که برخاسته از افکار بیمار صهیونیستی است، نمی‌توان آینده روشنی برای دهکده جهانی ترسیم کرد و جهان همچنان به کژراهه خواهد رفت. از این روی اجتماعی شدن بر مبنای اندیشه‌های الهی ضرورتی است که جهان امروز ما بدان به شدت نیاز دارد. به گمان ما تنها راه رسیدن به این مطلب انتخاب راه و روش تربیت دینی بر مبنای آموزه‌های فطری و الهی است. راهی که سرانجام آن دست یافتن به مدینه فاضله‌ای است که قرن‌ها مسلمانان و همه آزاداندیشان آرزوی آن را داشته‌اند. این امر جز با تحول در بنیان‌های اجتماعی کنونی در جهت آموزه‌های اسلامی ممکن نیست، امروز عده‌ای اندیشمند غربی با برنامه‌ریزی‌های خود، دنیا را به سمتی برده‌اند که همه گمان کنند، همه چیز نسبی است و هر تغییری مجاز است. باید تجربه کرد اگر نتیجه مثبت بود که فی‌المراد و اگر نتیجه منفی بود، که «اصلاح» خواهد شد. معنای این مفهوم سردرگمی همه انسان‌ها و افتادن در دام «پوچ‌گرایی» و نسبییت اجتماعی است.

اما اسلام انسانی را می‌خواهد که هویت محکم، پایدار و پویا داشته باشد، ریشه داشته باشد هویت، تکیه‌گاه ارزشی انسان است و او باید با اطمینان بدانند راه به کدام سو دارد و در مسیر همان مطلوب فطری خود گام بردارد. **سرمدبیر**

اقتصاد تک محصولی

«نسبت تمرکز صادرات»، وابستگی کشورها را به صادرات تعداد اندکی محصول نشان می‌دهد. از این نسبت، ارزش صادرات مهم‌ترین کالا و یا چند کالای مهم به کل صادرات مشخص می‌شود. نسبت مزبور برای اقتصادهای با تنوع بسیار زیاد، کوچک است و برای اقتصادهای آسیب‌پذیر، بالاست. جدول ۱ نسبت‌های تمرکز صادرات را برای اقتصادهای ثروتمند چند کشور نفت‌خیز، کشورهای با درآمد پایین که صادرکننده برخی مواد کشاورزی و غذایی هستند، و کشورهای تازه‌صنعتی شده تا سال ۱۹۹۸ برای سه کالا با بیشترین صادرات نشان می‌دهد.

کشورهایی مانند کره جنوبی و سنگاپور با تنوع تولید کالاهای کارخانه‌ای به مرحله تولید برای صادرات قدم گذاشته‌اند. جدول ۲ سهم صادرات و روند آن را در جهان براساس نوع کالا نشان می‌دهد.

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، روندی نزولی در صادرات مواد خام و کشاورزی دیده می‌شود، اما مصنوعات کارخانه‌ای به شدت افزایش یافته‌اند. دلیل این امر را در قسمت بعد دنبال می‌کنیم.

آیا تجارت می‌تواند عامل یا مانع توسعه اقتصادی باشد؟

فعالیت‌های تجاری کشورهای توسعه‌نیافته و مستعمره غالباً برای رفع نیازهای کشورهای متروپل (سلطه‌گر) بود و از طرف کشورهای سلطه‌گر، محصولات صنعتی به کشورهای عرضه‌کننده مواد خام صادر می‌شد. در دوران اوج استعمار در قرون ۱۸ و ۱۹، شرکت‌های اروپایی استخراج معادن و کشت در زمین‌های بزرگ را برعهده داشتند و کار اصلی آن‌ها تأمین منابع و مواد ارزان‌قیمت برای صنایع کشورهای در حال رشد (نظیر منسوجات، تولید لاستیک، استخراج مس و تصفیه شکر) کشورهای متروپل بود. این وضعیت برای کشورهای سلطه‌گر مزیت رقابتی بسیار قوی ایجاد کرد. در نتیجه امروزه برای کشورهای توسعه‌نیافته و فقیر که بازارهای داخلی ضعیفی دارند، تأسیس صنایع رقابتی مشکل‌تر از گذشته شده است. زیرا بسیاری از صنایع در کشورهای فقیر از ویژگی «صرفه‌جویی در مقیاس»، در مقایسه با آن کشورها برخوردار نمی‌شوند و به این ترتیب در بازار رقابتی که قیمت پایین‌تر یک مزیت است، فرصت‌ها را دست می‌دهند.

رشد صنایع نساجی در آسیا، ملی کردن ذخایر نفتی در خاورمیانه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، و بازپس‌گیری مزارع از مالکان انگلیسی، همگی بیانگر آن هستند که مالکیت خارجی بر تولید کالاهای اولیه کاهش یافته است. جدول ۲ نشان می‌دهد سهم مواد غذایی، مواد کشاورزی، سوخت و

مقدمه

در کشور ما از نفت به عنوان درآمد ملی نه ثروت ملی استفاده می‌شود. نفت می‌تواند سوخت و یا ماده اولیه کارخانه‌ها در تولید هزاران نوع کالا باشد. با صادرات نفت خام فقط یک بار درآمد ایجاد می‌شود، ولی با تولید کالاها و مصنوعات گوناگون، هزاران بار درآمد خواهیم داشت. به منظور جای‌گزینی صادرات غیرنفتی به جای صادرات نفت خام، ابتدا لازم است تصمیم‌سازان کلان کشور از بین الگوهای تجارت و رویکردهای گذشته و موجود، با توجه به مزیت‌ها و قابلیت‌های کشور و با اتخاذ راهبرد مزیت رقابتی، برنامه‌ای مدون و متقن طرح‌ریزی کنند و برای بلندمدت، نقشه راه را با جزئیات مشخص سازند.

در این مقاله سعی شده است تاریخچه‌ای از الگوهای تجارت و تأثیر آن بر توسعه به‌طور خلاصه ارائه شود. ابتدا لازم است مروری کوتاه بر روند اقتصاد تک‌محصولی داشته باشیم.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، نفت، اقتصاد بدون نفت

اقتصاد بدون نفت و انتخاب راهبردها

زهرا آقایی

متروپل
(سلطه‌گر)

محصولات صنعتی
مواد خام، مواد معدنی، غذا و محصولات کشاورزی

مستعمره و
توسعه‌نیافته

جدول ۱. متوسط نسبت‌های تمرکز صادرات کالا در کشورهای منتخب (درصد)

کشورها	سال		نسبت‌های سه کالای پیشرو ^۱		نسبت‌های سه کالای پیشروی غیرنفتی ^۲	
	۱۹۷۵-۱۹۷۷	۱۹۸۶-۱۹۸۸	۱۹۷۵-۱۹۷۷	۱۹۸۶-۱۹۸۸	۱۹۷۵-۱۹۷۷	۱۹۸۶-۱۹۸۸
عراق	۹۸/۷	۹۹	۰/۶	۱/۴		
عربستان	۹۹/۶	۹۳/۱	۰/۰	۱/۱		
ونزوئلا	۹۶/۵	۸۹/۴	۲/۹	۸/۲		
درآمد پایین: نیجریه	۹۴/۷	۹۹/۰	۹۴/۷	۹۹		
زامبیا	۹۳/۲	۹۹/۰	۹۳/۲	۹۹/۰		
موزامبیک	۴۶/۰	۹۷/۴	۴۶/۳	۹۷/۴		
بنگلادش	۷۶/۲	۴۱/۱	۷۶/۲	۴۱/۱		
چلماییکا	۶۹/۸	۶۰/۰	۶۹/۸	۶۰/۰		
کامبوج	۴۵/۳	۸۵/۶	۴۵/۳	۸۵/۶		
تازه صنعتی شده: کره جنوبی	۱۲/۲	۴/۹	۱۱/۷	۳/۷		
هنگ‌کنگ	۲/۱	۲/۳	۲/۱	۲/۳		
سنگاپور	۳۵/۲	۱۸/۲	۵/۲	۳/۲		

مأخذ: UNCTAD, 1990

امروزه برای کشورهای توسعه‌نیافته و فقیر که بازارهای داخلی ضعیفی دارند، تأسیس صنایع رقابتی مشکل‌تر از گذشته شده است. زیرا بسیاری از صنایع در کشورهای فقیر از ویژگی «صرفه‌جویی در مقیاس» در مقایسه با آن کشورها برخوردار نمی‌شوند و به این ترتیب در بازار رقابتی که قیمت پایین‌تر یک مزیت است، فرصت‌ها را دست می‌دهند



سنگ معدن کاهش یافته، اما کالاهای کارخانه‌ای از کل ارزش صادرات کشورهای کمتر توسعه‌یافته تا سال ۱۹۸۹ افزایش داشته است. علت این امر را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. پیروزی نهضت‌های آزادی‌بخش و قطع رابطه سلطه و جلوگیری از خروج مواد معدنی؛
۲. پیروی از سیاست تولید مواد غذایی بیشتر برای حفظ استقلال و گسترش جنبش‌های افزایش تولید مواد غذایی برای بازارهای داخلی؛
۳. افزایش انتقال کارخانه‌های دست دوم به دلیل اینکه آلاینده‌های بالایی داشتند (مانند پتروشیمی) و کاربر بودن کارخانه‌های اولیه که برای کشورهای صنعتی دیگر کاربردی نداشت.

۴. برقراری روابط سیاسی بین کشورهای غیرمتعهد و مستقل و ایجاد بازارهای منطقه‌ای برای مقابله با محدودیت روابط تجاری سلطه‌جویانه در نظام سیاسی آن دوره [کالمن و نیکسون، ۱۳۷۸]. نکته قابل ذکر این است که نباید تجارت را به عنوان عامل، بلکه باید به عنوان نتیجه توسعه در نظر گرفت. کشورهای کمتر توسعه‌یافته باید ابتدا راهبردی برای مقابله با مسائل بیکاری و فقر گسترده‌شان در نظر بگیرند و سپس برای دستیابی به اهداف تعیین شده سیاست‌های تجاری خود را اتخاذ کنند. بنابراین، اتخاذ راهبرد تجاری بخشی از فرایند برنامه‌ریزی توسعه است که باید به‌طور هم‌زمان با سیاست‌های توسعه بخش کشاورزی، صنعت، گردشگری، حمل‌ونقل و ترانزیت بین‌المللی، و... و متناسب با آن‌ها انجام شود.

راهبردهای تولیدی و تجاری

۱ راهبرد تولید برای بازارهای داخلی

این راهبرد را کشورهای هندو چین تا قبل از دهه ۱۹۸۰ اتخاذ کردند که اصطلاحاً به آن «سیاست جانشینی واردات» نیز گفته می‌شود. کشورهای مذکور چون با نیروی کار فراوان مواجه بودند و با واردات فناوری از خارج جمعیت انبوهی بی‌کار می‌شدند، از این راهبرد استفاده کردند. ناگفته نماند که هند تمام فناوری را به صورت ابتدایی در داخل تولید می‌کرد، به‌طوری که هیچ ماشین‌آلات غیربومی در آن کشور در آن مقطع زمانی دیده نمی‌شد. پس از این راهبرد، کشور هند به دلیل فاصله زیادی که با صنعت و فناوری کشورهای جهان پیدا کرد [یاهامی، ۱۳۸۰]، برخلاف کشور ما، برای صنعتی شدن دست به مونتاژ گسترده هرگونه محصولات کارخانه‌ای نزد، بلکه به تولید محصولات نرم‌افزاری روی آورد. امروزه یکی از مهم‌ترین صادرات هند تولید و فروش انواع برنامه‌ها و بازی‌های رایانه‌ای و تولید سخت‌افزارهای IT و ICT برای بانک‌ها و سایر مؤسسات است [گریفین، ۱۳۷۵].

جدول ۲. ساختار سهم صادرات کشورهای کمتر توسعه یافته در سال های منتخب

گروه کالاها	۱۹۵۵	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۷۸	۱۹۸۰	۱۹۸۶	۱۹۸۹
صادرات غذا	۳۶/۵	۳۳/۶	۲۶/۵	۱۶/۴	۱۰/۶	۱۵	۱۱/۱
مواد کشاورزی	۲۰/۵	۱۸/۳	۱۰	۴/۸	۷/۳	۷/۳	۷/۶
سوخت ها، سنگ معدن و مواد معدنی	۳۵/۱	۳۸/۵	۴۵/۲	۵۷/۴	۵۰/۷	۲۹/۷	۲۳/۲
کالاهای کارخانه‌ای	۷/۷	۹/۲	۱۷/۷	۲۰/۹	۲۱/۵	۴۵/۶	۵۶/۹
مواد غذایی	۵۶/۴	۵۵	۴۸/۹	۳۹	۲۶/۹	۲۲/۱	۱۴/۷
مواد خام کشاورزی	۳۱/۷	۳۰	۱۸/۵	۱۱/۴	۱۸/۵	۱۰/۸	۱۰
مصنوعات کارخانه‌ای	۱۱/۹	۱۵	۳۲/۶	۴۹/۶	۵۴/۶	۶۷/۱	۷۵/۳

منبع: UN Trade Statistics yearbook special Table D, Riedal, 1999, p. 60

۴ راهبرد رشد مبتنی بر صادرات (الگوی تجارت برون‌گرا)

این راهبرد پس از ارتقای کشورهای «آ سه آن» به سطح درآمدهای بالاتر، چنان تأثیری روی سیاست‌گذاری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گذاشت که پرداخت وام و دیگر کمک‌های صندوق به درخواست‌کنندگان، به تغییر در سیاست اقتصادی مشروط می‌شد. در کشورهای توسعه‌یافته، این الزامها به صورت کاهش مخارج عمومی (کاهش یارانه‌های پرداختی به صنایع) است، در حالی که در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، این شرط مستلزم کاهش مخارج دولت، برداشتن محدودیت‌های وارداتی و کاهش ارزش پول ملی است. نسخه معمول صندوق بین‌المللی پول، گسترش نقش بنگاه‌های خصوصی در تولید و تجارت و واگذاری مسئولیت قیمت‌گذاری کالاها و ارز به بازار است. پس از شکست این توصیه‌ها در برخی کشورهای آمریکای لاتین مانند برزیل که همراه با رشد اقتصادی، بدهی‌های خارجی و فقر گسترده بود، نظریه‌پردازان اقتصاد توسعه به بررسی بازار

۲ راهبرد تولید ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های تولید به همراه حداکثر کیفیت

کشور آلمان در سال‌های پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم این راهبرد را اتخاذ کرد. در زمان رضاشاه، ایران تمام کارخانه‌های خود را از آلمان خریداری کرد و همین امر باعث شد که اکنون این کشور مهم‌ترین کشور اروپایی در روابط تجاری ما باشد.

۳ راهبرد تولید ماشین‌آلات سنگین کارخانه‌ای و کامیون‌ها و جرثقیل

کشورهای سوئیس، آلمان و سوئد از این راهبرد بهره گرفته‌اند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه از نظر فناوری قادر به تولید این‌گونه ماشین‌آلات نیستند. ایران برای تجهیزات کارخانه‌های پتروشیمی و نفت و مانند این‌ها در پارس جنوبی به این ماشین‌آلات نیاز دارد که در حال حاضر آن‌ها را از چین می‌خرد؛ البته با کیفیت پایین‌تر.

جدول ۳. مبادلات خارجی براساس گروه کالاها طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵

کشاورزی	معادن		محصولات کارخانه‌ای					درصد تغییر سالانه ارزش صادرات		
	کل	سوخت	کل	آهن و نقره	شیمیایی	تجهیزات اداری و مخابراتی	تولید ماشین‌آلات	نرم‌افزاری	لباس	
۱۱۲۸	۲۶۵۶	۲۰۳۸	۹۵۰۰	۴۷۴	۱۴۸۳	۱۵۱۴	۱۱۸۳	۲۳۸	۳۴۵	ارزش صادرات
-۲	-۵	-۵	۲	-۲	۱	۹	۵	-۱	۴	۱۹۸۰-۱۹۸۵
۹	۳	۰	۱۵	۹	۱۴	۱۸	۱۴	۱۵	۱۸	۱۹۸۵-۹۰
۷	۲	۱	۹	۸	۱۰	۱۵	۸	۸	۸	۱۹۹۰-۹۵
-۱	۱۰	۱۲	۵	-۲	۴	۱۰	۵	۰	۵	۱۹۹۰-۰۰
۱۳	۲۱	۲۰	۱۲	۲۲	۱۷	۸	۱۳	۷	۱۰	۲۰۰۰-۰۷
۸	۳۸	۴۳	۱۰	۱۷	۱۲	۱۱	۷	۴	۶	۲۰۰۵

منبع: <http://www.wto.org/index.htm>

شناخت توانمندی‌ها و تبدیل آن‌ها به مزیت رقابتی در روش‌های تولیدی، امروزه از اساسی‌ترین قدم‌های رهایی از اقتصاد وابسته و تک‌محصولی است

کار گذشته تعهد داده باشد و وارد تولید و صادرات کالاهای کشورهای دیگر نشود. شناخت توانمندی‌ها و تبدیل آن‌ها به مزیت رقابتی در روش‌های تولیدی، امروزه از اساسی‌ترین قدم‌های رهایی از اقتصاد وابسته و تک‌محصولی است. برای مثال، کشور ترکیه با درک موقعیت جغرافیایی و آب و هوای مدیترانه‌ای کشورش، با علم به اینکه با فعال شدن صنعت گردشگری زنجیره‌ای از خدمات و صنایع فعال می‌شوند، به سرمایه‌گذاری در این زمینه دست زد. یا کشور مالزی ابتدا ظرفیت‌سازی‌های لازم برای صنعت گردشگری را انجام داد تا بتواند دومین کشور جهان در جلب جهانگردان شود. در این مقاله کوتاه قصد آن را نداریم که به جایگاه صنعت گردشگری و موقعیت ایران از نظر تنوع آب و هوا، فرهنگ‌ها، تنوع محیط‌زیست و آثار باستانی و هم‌گرایی فرهنگی بین ملل و تمدن‌های دیگر بپردازیم، اما باید بدانیم کشورمان در چه زمینه‌هایی توانایی ایجاد مزیت رقابتی را دارد. باید موانع و مشکلات را به‌خوبی بشناسیم و در رفع آن‌ها بکوشیم. مطالعه تجربه کشورهای تازه صنعتی شده و یا در حال توسعه که به کمک روش‌های غیرصنعتی از اقتصاد تک‌محصولی رهایی یافتند، می‌تواند برای ما بسیار مفید باشد. هرچه فاصله ما از کشورهای نه تنها توسعه‌یافته صنعتی، بلکه کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی شده بیشتر شود، رقابت با آن‌ها برای ما مشکل‌تر می‌شود. همان‌طور که در ابتدای مقاله اشاره شد، ما به یک نقشه راهنما با تمام جزئیات نیاز داریم؛ نقشه‌ای که بتواند کشورمان را با تمامی امکانات منحصر به فرد و بالقوه‌ای که خداوند در اختیارمان قرار داده است، تجسم بخشد. در این صورت می‌توانیم به درستی از امکاناتمان استفاده کنیم و به جایگاهی که سزاوار هستیم برسیم و از اقتصاد تک‌محصولی نجات یابیم؛ ان شاء الله.

پی‌نوشت

۱. کالاهای پیشرو کالاهایی هستند که به لحاظ راهبردی و سیاست‌های کلان اقتصادی در توسعه اقتصادی نقش اساسی دارند.
۲. کالاهای پیشروی نفتی ویژگی کالاهای پیشرو را دارا بوده و به کالاهایی که جزو طبقه‌بندی نفت و فرآورده‌های نفتی قرار می‌گیرند، گفته می‌شود.

منابع

۱. کالمن، دیوید و نیکسون، فورد. اقتصادشناسی توسعه‌نیافتگی. ترجمه دکتر غلامرضا آزاد. انتشارات وثقی. ۱۳۷۸.
۲. گریفین، کیت. راهبردهای توسعه اقتصادی. ترجمه حسین راغفر. نشر نی. ۱۳۷۵.
۳. باهامی، یوحیدو، اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل. ترجمه غلامرضا آزاد. نشر نی. ۱۳۸۰.
۴. صمدی، سیدهادی. چگونگی بازسازی اقتصاد آلمان پس از جنگ جهانی دوم. معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی دانشگاه تهران. ۱۳۶۸.

و دلایل شکست آن پرداختند. این بررسی‌ها نشان می‌دهند که کشورهای مانند کره جنوبی و مالزی، ابتدا با ایجاد و گسترش صنایع کوچک تحت حمایت صنایع بزرگ و دولت، وضعیت توزیع درآمد را بهبود بخشیدند و توانستند مشکل فقر را از سر راه توسعه بردارند [کالمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۳۶۲-۳۵۱].

راهبرد تولید برای داخل به نام خودکفایی

اتحاد راهبرد جاننشینی واردات منبعث از «ایده تجارت به مثابه مبادله نابرابر»، یعنی ماهیت استثماری تجارت است. به دنبال این راهبرد تجاری مشخص می‌شود که چه صنایعی ابتدا باید برای بازارهای داخلی و سپس بین‌المللی (و یا هم‌زمان) جهت‌دهی شوند. در نتیجه برای این راهبرد باید صنایع به‌صورت متوالی و جای‌گزین واردات، راه‌اندازی شوند. در این حالت و در بسیاری از موارد، این راهبرد مستلزم حمایت‌های افراطی (از طریق تعرفه‌های سنگین برای کالاها و سهمیه‌های وارداتی) است. زیرا به همان دلیل که در ابتدای مقاله به روابط نابرابر تجاری اشاره شد، غلبه بر محدودیت‌های ذاتی تولید و بازارهای کوچک داخلی، این حمایت‌های افراطی را می‌طلبید. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ راهبرد (تجارت درون‌گرا) جایگاه مهمی در کشورهای در حال توسعه داشت. **هاک** در سال ۱۹۷۳ اظهار داشت: «راهبرد جاننشینی واردات برای سیاست‌گذاران ضعیف، خطرهای کمتری دارد. زیرا کالاهای تولید شده با هزینه بالا، در پس دیوارهای حمایتی که مانع از ورود کالاهای مشابه خارجی می‌شود، آن‌ها را در بازارهای داخلی قابل فروش می‌کند. اما این راهبرد در بلندمدت با شکست روبرو خواهد شد. این راهبرد جاننشینی واردات با راهبرد صنعتی شدن منافات دارد و وضعیت تراز پرداخت‌ها را بدتر می‌کند» [همان، ص ۱۸۸].

مزیت نسبی یا مزیت رقابتی؟

در گذشته صادرات هر کشور متکی به مزیت نسبی آن کشور بود. یعنی هر کشور متناسب با فزونی و برتری در نهاده‌هایی که در اختیار داشت و یا دارا بودن شرایط تولید بهتر، دست به آن تولید می‌زد. مثلاً اگر کشوری در تولید اتومبیل یا دارو توانایی نداشت، وارد این رشته‌های تولیدی نمی‌شد. از گذشته دور ایران در تولید فرش، پسته و خاویار برتری نسبی داشت که کمتر کشوری از این توانایی برخوردار بود. اما با ورود صنعت فرش‌های ماشینی، کشورهایی مانند پاکستان، هند و چین، تولید و صادرات فرش را به‌دست گرفتند. همان‌طور که می‌بینید، ایران از مزیت نسبی خود به تنهایی نمی‌تواند بهره‌جوید. امروزه مزیت نسبی به تنهایی کافی نیست و در نظام اقتصاد بین‌الملل این‌طور نیست که هر کشور به تقسیم

د

مقاله

فاطمه سلیمی
کارشناس مطالعات اجتماعی و دبیر شهر تهران

چکیده

بحرین که در گذشته‌های نه‌چندان دور، جزئی از خاک ایران زمین بوده است. با توطئه استعمار پیر انگلیس و مساعدت وهابیون و مماشات رژیم وابسته پهلوی دوم به پایگاهی علیه منافع ملت ایران تبدیل شد. خاک بحرین اکنون پایگاه نیروی دریایی آمریکایی نفت‌خوار است که به تعبیر امام خمینی (قدس سره) خون مسلمانان را در شیشه کرده است. اندکی پس از انقلاب اسلامی تحت تأثیر جریانات انقلابی در منطقه به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران، مردم شیعه بحرین دریافتند که استقلال و آزادی آن‌ها و استقرار حاکمیت اسلامی با وجود نظام حاکم کنونی غیرممکن است. بنابراین مردم ابتدا خواستار اصلاحات و تغییراتی در قانون اساسی شدند، اما آل خلیفه به شدت با این پدیده که نتیجه بیداری اسلامی بود مقابله کرد و با فراخواندن نیروهای وهابی وابسته عربستانی به سرکوب شدید مردم پرداخت. این مقاله در پی آن است که با روش اسنادی به تحلیل این وقایع بپردازد و تأثیرات انقلاب اسلامی را در این خطه مورد مطالعه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: نظام سلطنتی، انگلستان، انقلاب اسلامی، بحرین، آل خلیفه، وهابی‌ها، بیداری اسلامی

بحرین

بیداری اسلامی در جزیره خونین خلیج فارس

تاریخچه

بیشتر جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند و این در حالی است که اقلیت ناچیز بر آن حاکم‌اند. پیش از هخامنشیان اقوام کلدانی و فنیقی بر بحرین حاکمیت داشتند. از زمان هخامنشیان و هم‌زمان با ایجاد کانال سوئز، بحرین یکی از استان‌های ایران محسوب می‌شد. این ناحیه در زمان اشکانیان و ساسانیان جزو خاک ایران بود. تا زمان قاجار نیز بحرین جزئی از ایران محسوب می‌شد. اما از یک طرف، بی‌کفایتی شاهان قاجار و از طرف دیگر، دخالت‌های انگلیس و انعقاد قراردادهای تحمیلی سبب شد حکومت دست‌نشانده آل خلیفه با نفوذ عمیق انگلیسی‌ها در بحرین مستقر شود. در حقیقت جدایی‌خواهی در بحرین زمانی پدیدار شد که این منطقه از سال ۱۸۹۲ تحت سلطه کامل بریتانیا درآمد.

بحرین منطقه استراتژیکی بود که بریتانیا از طریق آن می‌توانست به تسلط کامل بر آب‌های خلیج فارس برسد. انگلیسی‌ها برای حفظ موقعیت خود، بین شیعه و سنی تفرقه ایجاد کردند و زمینه‌های برخورد این دو را فراهم آوردند. چنانچه در دهه ۱۹۵۰ بحرین چندبار در آستانه جنگ‌های خونین داخلی قرار گرفت.

در دوران رضاشاه، ایران همچنان مدعی حاکمیت بحرین بود. در زمان پهلوی دوم دولت ایران در ازای بازپس‌گیری جزایر راهبردی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، داوری میان اختلافات ایران و انگلستان بر سر بحرین را به سازمان ملل متحد واگذاشت و از ادعای خود بر بحرین صرف‌نظر کرد. نظرخواهی از روز ۱۰ فروردین ۱۳۴۹ آغاز شد و مدیر دفتر سازمان ملل در ژنو از سوی او تان-دبیرکل وقت سازمان ملل- مأمور انجام این کار شد. وی پس از پایان مأموریت دوهفته‌ای خود در بحرین گزارش برداشت‌های خود را از صحبت با مردم و گروه‌های بحرینی که به ادعای وی از علاقه آنان به استقلال حکایت می‌کرد، تسلیم دبیرکل کرد.

با این گزارش، «شورای امنیت» سازمان ملل قطع‌نامه ۲۷۸-۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۹ را این خواسته را مورد تأیید قرار می‌داد، صادر کرد. این قطع‌نامه به دولت‌های ایران و انگلستان ابلاغ شد و به این ترتیب تهران و منامه در سال ۱۳۵۰ ش مرزهای دریایی میان خود را تعیین و تصویب و روابط دوجانبه را در همه زمینه‌ها آغاز کردند. بحرین روز ۲۲ مرداد ۱۳۵۰ رسماً استقلال خود را در برابر انگلیس اعلام کرد و در ۲۵ آذر ۱۳۵۰ رسماً به‌عنوان یکصد و بیست و نهمین عضو سازمان ملل متحد پذیرفته شد. از آن پس تاریخ ۱۶ دسامبر- ۲۵ آذر- به‌عنوان روز ملی بحرین شناخته می‌شود.

شیعیان بحرینی و گروه‌های مخالف دولت در بحرین همواره از نظرگاه مذهبی از انقلاب ایران اظهار رضایت کرده‌اند. آن‌ها حتی پیش از پیروزی انقلاب، با راهبران آن ملاقات‌هایی داشتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان بحرین راهپیمایی‌هایی در حمایت از انقلاب اسلامی تدارک دیدند. طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دولت ایران هیچ‌گاه رسماً حاکمیت بحرین را زیر سؤال نبرد.

انگیزه‌ها و اهداف جنبش اسلامی بحرین

مهم‌ترین انگیزه‌ها و هدف‌های نهضت اسلامی در بحرین را می‌توان به حاکمیت خاندان «آل خلیفه» ارجاع داد. مردم بحرین هیچ‌گاه موافق حاکمیت خاندان آل خلیفه نبوده‌اند. دلایل این نارضایتی عبارت‌اند از:

۱. خاندان آل خلیفه بحرینی نیستند، بلکه از اقلیت سنی مذهب مهاجری هستند که در پی اختلافات مذهبی با قبیله «بنی کعب» در زمان ریاست **شیخ نصرالله خان**، والی منصوب **کریم خان زند** بر بحرین، از کویت وارد بحرین شدند.

۲. به قدرت رسیدن خاندان آل خلیفه براساس خواست و رضایت مردم صورت نگرفته، بلکه آل خلیفه قدرت را در بحرین در دست گرفته و با پذیرفتن تحت‌الحمایگی انگلیس در سال ۱۸۲۰، قدرت را حفظ کرده است.



وابستگی رژیم بحرین به غرب

آل خلیفه در سال ۱۸۲۰ با انعقاد پیمان با انگلیس، اداره گمرکات، تجارت و امنیت داخلی و خارجی خود را به مأموران این کشور سپرد. تحت‌الحمایگی بحرین در سال ۱۸۸۰ با امضای این پیمان مورد تأیید مجدد قرار گرفت: «من عیسی بن آل خلیفه، شیخ بحرین، بدین وسیله خودم و جانشینانم را در برابر دولت انگلیس متعهد می‌سازم که از مذاکره یا انعقاد هر نوع پیمان با هر کشور یا دولتی غیر از بریتانیا و بدون موافقت دولت نامبرده خودداری کنم و به هیچ دولتی جز بریتانیا اجازه تأسیس نمایندگی سیاسی یا کنسولی را ندهم.»

به این ترتیب انگلیس در سال ۱۹۱۹ تحت‌الحمایه بودن بحرین را به صورت رسمی اعلام کرد و از آن پس بحرین تحت سرپرستی یک مستشار انگلیسی اداره می‌شد. این موضوع به

قیام ناکام مردم بحرین در سال ۱۹۵۱ منجر شد که طی آن مردم خواهان اخراج **بل گراو**، حاکم انگلیسی بحرین شدند. پس از استقلال بحرین نیز وابستگی رژیم آل خلیفه به استعمارگر جدید یعنی آمریکا ادامه یافت و این وابستگی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس شدیدتر شد. اعتراف سخنگوی کاخ سفید مبنی بر این‌که: «اگر کمک‌های دولت بحرین نبود، به هیچ وجه قادر به مقاومت و ماندن در خلیج فارس نبودیم»، مؤید این وابستگی است.

نبود آزادی‌های سیاسی

بازگشت تبعیدیان، آزادی زندانیان سیاسی، لغو ممنوعیت تشکیل احزاب و فعالیت‌های سیاسی-مذهبی، آزادی بیان و مطبوعات، توقف دستگیری آزادی‌خواهان و لغو سانسور، مهم‌ترین خواسته‌های سیاسی مردم بحرین را تشکیل می‌دهند و برای تحقق این خواسته بارها دست به قیام زده‌اند. برای مثال، در سال ۱۹۳۸ کارگران بحرین خواهان تشکیل مجلس و اتحادیه‌های کارگری شدند. در تظاهرات مشابهی در سال ۱۹۶۵ نیز حق برگزاری گردهمایی سیاسی و آزادی زندانیان سیاسی به خواسته‌های قبلی اضافه شد. حتی در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ مردم بحرین با برپایی تظاهرات و راه‌پیمایی، خواستار تشکیل مجدد مجلس شدند که در سال ۱۹۹۲ منحل شده بود.

اشاعه فرهنگ غرب

خاندان حاکم بر بحرین برای تضمین تداوم حاکمیت خود به کمک غربی‌ها به تغییر ارزش‌های اسلامی بحرین مبادرت کرد. ساخت «پل وفهد» یعنی تنها پل ارتباطی دریایی بحرین و عربستان، به گسترش فساد در بحرین افزود. زیرا حدود هشت‌هزار تن از کارکنان خارجی مؤسسات عربستان که امکان فساد برایشان در آن کشور میسر نیست، در ایام تعطیل برای خوش‌گذرانی به بحرین سرازیر می‌شوند که همین موضوع بر میزان نارضایتی‌ها در این کشور افزوده است.

ویژگی‌های جنبش‌های سیاسی واجتماعی بحرین

در مورد گروه‌های اجتماعی و رهبران سیاسی که هدایت جنبش بحرین را برعهده داشته‌اند و یا به‌نحوی در تداوم مبارزه سیاسی بحرین نقش آفرین بوده‌اند، نکات زیر شایان توجه‌اند:

۱. تجار مروارید با تشکیل و هدایت قیام‌های ضدانگلیسی در سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۵۴ از مؤثرترین اقبشار اجتماعی در مبارزات اسلامی بحرین به‌شمار می‌رفتند. اما پس از جنگ جهانی دوم، با رواج مرواریدهای بدلی ژاپنی در بازار جهانی، از نفوذ تجار مروارید در صحنه‌های داخلی و خارجی بحرین کاسته شد. البته با کشف نفت قشر جدیدی از کارگران پدید آمدند که

باتوجه به اهمیت جهانی نفت در صحنه داخلی بحرین نقش اجتماعی-سیاسی مؤثری دارند. بر این اساس، نقش برجسته در قیام‌های ضد دولتی ۱۹۵۶، ۱۹۷۰، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ با کارگرانی بود که اکثریت آنان شیعه بودند.

۲. گروه‌های سیاسی ملی‌گرا و چپ‌گرا هرگز قادر به ایفای نقش برجسته در رهبری قیام مردم بحرین نشده‌اند. این امر به مسلمان بودن اکثریت قریب به اتفاق مردم بحرین و نیز سازشکاری گروه‌های مذکور برمی‌گردد. برای مثال، اگرچه «کمیته اتحاد ملی» با گرایش ناسیونالیستی در تظاهرات ضدانگلیسی ۱۹۵۶ نقش ویژه داشت، ولی پس از آن با سازش برخی از رهبران با رژیم، کارایی سیاسی خود را از دست داد. حضور کم‌رنگ گروه‌های ملی و کمونیستی در جنبش مردم بحرین نشان از آن دارد که جنبش آن سرزمین ناشی از نابسامانی‌های داخلی و نه متأثر از دخالت کشورهای اسلامی دیگر است.

۳. در پی ناکامی گروه‌های ملی و چپ در رهبری مستمر قیام مردم بحرین، گروه‌های اسلامی واجد نقش برتر شده‌اند. در این راستا می‌توان به «جنبش اسلامی آزادی‌بخش بحرین» (احرار) اشاره کرد.

پیامدهای مبارزه اسلامی مردم بحرین

اگرچه جنبش اسلامی بحرین به هدف سرنگونی رژیم آل خلیفه دست نیافته، اما این جنبش پیامدهای زیر را به همراه داشته است:

الف) بی‌شک مبارزات ضد انگلیسی بحرین که دو نمونه بارز آن در سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۵۴ به وقوع پیوست، در کنار سایر قیام‌های ضدانگلیسی در خاورمیانه در تسریع تصمیم به خارج کردن نیروهای انگلیسی در سال ۱۹۷۱ از شرق کانال سوئز مؤثر بود. همچنین، این مبارزات در کاهش نفوذ انگلیس در ساختار سیاسی و اداری بحرین تأثیر داشت.

ب) مهم‌ترین پیامد مبارزات اسلامی مردم بحرین که بلافاصله پس از خروج انگلیس از بحرین به ثمر نشست، برگزاری انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۷۲ و پس از آن تشکیل مجلس و تدوین و تصویب قانون اساسی بود. اما امیر بحرین در پی مخالفت مجلس با تصویب لایحه امنیت وزارت کشور بحرین که براساس آن، وزیر کشور می‌توانست دستور دستگیری هر مظنونی را به بهانه دست داشتن در اقدام علیه امنیت کشور صادر کند، مجلس را منحل کرد و اجرای قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد.

ج) در پی ادامه اعتراضات مردم، رژیم بحرین در سال ۱۹۷۲ مجلسی مشورتی-انتصابی متشکل از ۳۰ نفر را به‌جای مجلس منحل شده تشکیل داد. این شورا که زیر نظر امیر و دولت بحرین فعالیت می‌کند، صرفاً جنبه مشورتی و نه قانون‌گذاری دارد.

اما اعتراضات بعدی مردم نشان داد که این اصلاحات هدایت شده دولتی در تأمین خواسته‌های عمیق آنان ناکافی است. واکنش امیر بحرین در قبال دور جدیدی از اعتراض‌های مردمی که از سال ۱۹۹۵ در بحرین آغاز شد، توسل به زور و افزودن ۱۰ نفر دیگر به اعضای مجلس مشورتی بود. این دو موضوع به تشدید مخالفت‌های مردمی انجامید. به‌ویژه اینکه افزایش اعضای مجلس مشورتی برخلاف قانون اساسی ارزیابی شده است.

مهم‌ترین جریان‌ها و احزاب معارض بحرین

۱ جنبش احرار

این جنبش در سال ۱۹۵۶ شکل گرفت و در دهه ۱۹۶۰ قیام کارگری علیه رژیم بحرین و «جنبش معروف» را پدید



آورد و از سال ۱۹۸۱ به اقدامات نظامی ضد دولتی متوسل شد. اعضای این جنبش را مسلمانان شیعه و سنی تشکیل می‌دهند. آن‌ها براساس ایدئولوژی اسلامی و شعار «نه غربی نه شرقی» و با تکیه بر راهبرد بسیج افکار عمومی و پرهیز از هرگونه سازش، خواهان برقراری حکومت اسلامی در بحرین هستند. **حسین الشهابی** در حال حاضر یکی از رهبران برجسته این جنبش به‌شمار می‌آید. جنبش احرار در اعتراضات اخیر بحرین حضور فعالی داشت و در کنار جریان‌های معارض دیگری چون «الوفاق» و «حق»، خواستار انحلال دولت و پارلمان و سرنگونی رژیم آل خلیفه است.

۲ جمعیت وفاق اسلامی

جمعیت وفاق اسلامی بحرین جمعیتی سیاسی، اسلامی، شیعی و بحرینی است که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد و از

بازداشت شده بود. وی را باید از جمله شخصیت‌های منطقه‌ای حامی جمهوری اسلامی ایران دانست.

۴ جمعیت الوعد (العمل الوطني و الديمقراطي)

اولین جمعیت سیاسی بحرین که در سال ۲۰۰۱ اعلام موجودیت کرد و ادامه تاریخی جبهه مردمی بحرین (چپ‌گرایان) به‌شمار می‌آید. همچنان نیز ائتلافی از چپ‌گرایان، ملی‌گرایان و نیروهای مستقل بحرینی تلقی می‌شود. این جمعیت انتخابات سال ۲۰۰۲ را تحریم کرد، اما در انتخابات سال ۲۰۰۶ شرکت کرد و در انتخابات اخیر بحرین یعنی سال ۲۰۱۰ با سه نامزد مشارکت داشت.

۵ جمعیت عمل اسلامی (جمعية العمل الإسلامي)

این جریان در اواخر دهه ۱۹۷۰ تأسیس شد. در آن زمان به جریان «شیرازی‌ها» معروف شد که به آیت‌الله محمد شیرازی، مرجع تشیع منتسب بود. جمعیت عمل اسلامی ادامه جبهه اسلامی آزادی بحرین به‌شمار می‌آید که در سال ۱۹۸۱ به تلاش برای انقلاب علیه دولت وقت بحرین متهم شد.

این جریان انتخابات سال ۲۰۰۲ را تحریم کرد. اما در انتخابات سال ۲۰۰۶ شرکت کرد. اما بار دیگر انتخابات سال ۲۰۱۰ را تحریم کرد.

۶ جمعیت تریبون ملی اسلامی (جمعية المنبر الوطني الإسلامي)

نماینده و بازوی سیاسی «جمعیت الإصلاح» است که در دهه ۱۹۴۰ در بحرین تشکیل شد. در انتخابات سال ۲۰۰۲ شرکت کرد و موفق شد هشت کرسی پارلمان را به‌دست آورد. در انتخابات سال ۲۰۰۶ با جمعیت الاصله (جریان سلفی‌ها) ائتلاف کرد و هفت کرسی به‌دست آورد. در انتخابات سال ۲۰۱۰ نیز با هشت نامزد شرکت کرد.

ایران و بحران بحرین

مردم مسلمان بحرین در حالی با چراغ سبز کشورهای غربی به‌دست آل خلیفه سرکوب و شهید می‌شوند که مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر، همچنان نسبت به این فجایع سکوت کرده‌اند. پس از بروز انقلاب در تونس که موجب فرار زین‌العابدین بن علی و همچنین انقلاب مردم مصر و سقوط حسنی مبارک شد، بحرینی‌ها نیز به خیابان‌ها آمدند و به عملکرد پادشاه این کشور اعتراض کردند. بحرین دارای حکومت پادشاهی مشروطه است. پادشاه به‌طور موروثی از خاندان آل خلیفه انتخاب می‌شود که از

جمله بزرگ‌ترین گروه‌های معارض بحرینی به‌شمار می‌رود. از بعد تاریخی باید آن را میراث جنبش احرار بحرین دانست که محرک اصلی اعتراضات سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ بود.

ریاست جمعیت را هم‌اکنون شیخ علی سلمان برعهده دارد. هدف این جمعیت ساخت کشوری پیشرفته به حاکمیت مردم است. از این حیث شعار «آزادی، عدالت و برابری براساس اصول و مبادی اسلامی» را سر می‌دهد. همان‌گونه که گفته شد، این جمعیت بزرگ‌ترین جریان معارض بحرین به‌شمار می‌آید و در پارلمان این کشور ۱۸ نماینده داشت که در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه رژیم حاکم علیه معترضین بحرینی، رسماً از پارلمان استعفا کردند.

۳ جنبش حق

آن‌گونه که خود را معرفی می‌کند، «جنبش آزادی‌ها و دموکراسی بحرینی با گرایش‌های اصلاح‌طلبانه» است و در کنار الوفاق اسلامی یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جنبش‌های معارض بحرینی را تشکیل می‌دهد. در ابتدا حسن المشیمع، از رهبران برجسته معارض بحرینی، دبیرکل جنبش و عیسی الجودر معاون وی بود که بعدها مشیمع به رهبری جنبش برگزیده شد. جنبش حق در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۵ تأسیس شد و باید آن را انشقاق حاصل از جمعیت الوفاق اسلامی برشمرد. درباره حسن مشیمع، رهبر جنبش حق باید گفت که هم‌زمان با اعتراضات اخیر مردم بحرین علیه رژیم آل خلیفه، وی و جنبشش نیز پیوستن خود به اعتراضات مردمی و قیام علیه رژیم بحرین را اعلام کردند و بسان جمعیت الوفاق اسلامی خواسته‌هایشان در انحلال دولت و پارلمان و رژیم آل خلیفه نمود پیدا می‌کند. مشیمع ۶۳ ساله در سال ۲۰۱۰ به اتفاق ۲۵ شخصیت دیگر معارض بحرینی به اقدام و تلاش برای براندازی رژیم حاکم متهم شد. مشیمع تا پیش از آن چهار بار

تظاهرات مردمی در بحرین





سال ۱۸۲۰ میلادی قدرت را در این جزیره به دست دارند. حاکمان بحرین همواره اتحاد خود را با انگلیس اعلام کرده‌اند. اعتراض بحرینی‌ها ابتدا در راستای ایجاد اصلاحاتی در قانون اساسی این کشور بود که در سال ۲۰۰۲ تصویب شد. اما این اعتراض‌های مسالمت‌آمیز با بازداشت و سرکوب شدید مردم توسط نیروهای آل خلیفه و آل سعود همراه شد.

رهبر معظم انقلاب در بخشی از بیانات خودشان در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۱۳۹۰ در مورد بحرین فرمودند: «مسئله بحرین از لحاظ ماهیت، درست مثل مسائل دیگر کشورهای منطقه است. یعنی مسئله بحرین با مسئله مصر، مسئله تونس و مسئله لیبی هیچ فرقی ندارد. ملتی هستند و حکومتی بر سر آن‌هاست که حقوق آن‌ها را نادیده می‌گیرد. ملت بحرین با این قیامشان چه می‌خواستند؟ خواسته اساسی آن‌ها این است که انتخابات انجام بگیرد. هر یک نفر آدم یک رأی داشته باشد. این چیز زیادی است؟ این توقع زیادی است؟ در شکل کار در بحرین، یک صورت انتخاباتی وجود دارد، لیکن مطلقاً مردم آنجا از حق رأی دادن، به این معنا که هر یک نفر یک رأی داشته باشد، برخوردار نیستند. دارد به آن‌ها ظلم می‌شود. خب اینجا غربی‌ها فرصت را مغتنم شمردند، برای اینکه در قضایای منطقه دخالت کنند. با طرح یک مسئله جدید، مسئله شیعه و سنی، چون مردم بحرین، بیچاره‌ها شیعه‌اند.

بهانه در بسیاری از امور کشورهای دیگر دخالت می‌کنند، مردم مظلوم بحرین با سرکوب شدید و وحشتناک نیروهای امنیتی مواجه هستند. متأسفانه کسانی که طی دهه‌های گذشته مدعی دفاع از حقوق بشر بودند، از این رژیم مستبد، دیکتاتور و جنایتکار در بحرین با تمامی توانشان حمایت کردند و یک سند جنایت و وحشتناک و ماندگار در تاریخ بشریت را رقم زده و می‌زنند.

بنابراین هیچ‌کس در دنیا نباید از آن‌ها حمایت کند. تلویزیون‌هایی که جزئیات قضایای منطقه را پخش می‌کردند، نسبت به قضایای بحرین سکوت کنند، کشتار مردم بحرین را منعکس نکنند. یک عده‌ای هم در بیابند در کشورهای حاشیه خلیج فارس، چه سیاست‌مدار، چه روزنامه‌نگار، گزافه‌گویی کنند و بگویند مسئله بحرین، جنگ بین شیعه و سنی است.

کسانی که هم‌اکنون از آل خلیفه دفاع و پشتیبانی و آن را تجهیز می‌کنند (وهابی‌های سعودی)، به‌طور یقین در این جنایت و سرکوب سهیم هستند و تاریخ آنان را فراموش نخواهد کرد. مبارزاتی که در داخل خاک بحرین بر ضد آل خلیفه صورت می‌گیرد، به گروهی خاص و اندک محدود نیست و اکثر مردم و گروه‌های سیاسی این کشور را شامل می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت ما شاهد یک انقلاب در این کشور هستیم.

چه جنگی بین شیعه و سنی؟ اوج وقاحت آمریکایی‌ها آنجایی است که دخالت تانک‌های دولت سعودی را که آمدند توی خیابان‌های منامه بحرین، دخالت نمی‌دانند، اما وقتی مراجع تقلید ما، علمای ما، خیرخواهان ما می‌گویند مردم را نکشید، می‌گویند شما دخالت کردید. این دخالت است؟ اینکه ما به یک دولتی، یک رژیم ظالمی، خطاب کنیم و بگوییم مردم خودتان را نکشید، این دخالت است، اما آمدن تانک‌های بیگانه توی خیابان‌های بحرین دخالت نیست. این اوج وقاحت آمریکایی‌ها و اذنازشان در منطقه است که این جور حرکت می‌کنند، این جور حرف می‌زنند و این جور تبلیغات می‌کنند.»

انقلاب فراگیر و عمومی بحرین، آحاد مردم را در برمی‌گیرد و متشکل از نخبگان، افراد عادی، تشکل‌ها و مجموعه‌های سیاسی و توده‌های مختلف مردم است. جنایاتی که در بحرین صورت می‌پذیرد، برای آزادی‌خواهان نگران‌کننده است، چراکه آنان چیزی جز آزادی، حقوق شهروندی و مطالبات انسانی نمی‌خواهند. اما پاسخ درخواست آنان، شکنجه، سرکوب و در نهایت شهادت است. مظلومیت مردم بحرین در نهایت به آزادی آنان منجر خواهد شد، زیرا این سرکوب‌ها و برخوردهای خشن و وحشتناک تا به امروز نتیجه‌ای جز تقویت عزم و اراده مردم نداشته‌اند.

وقتی ملتی در مقابل سرکوب‌ها و ارباب‌ها مقاومت می‌کند، یقیناً پیروز خواهد شد؛ چراکه این وعده الهی است که از مظلومان حمایت و آنان را یاری خواهد کرد.

حمایت غرب از آل خلیفه

وقایع دلخراش بحرین بسیار نگران‌کننده است. زمانی که قدرت‌های غربی در دنیا بحث حقوق بشر را مطرح و با این

عربستان سعودی

نظام حکومتی

قبیله‌ای دارد.

ایده اتحاد میان

کشورهای شورای

همکاری خلیج

فارس از نظر

عربستان، جبهه

ضد انقلابیون و

سنت‌گرایان را در

مقابل تغییر طلبان

و اسلام‌گرایان

مستحکم‌تر می‌کند.

عربستان که خود

با قیام مردم

استان «الشرقیه»

روبه‌روست، از هیچ

اقدامی برای کمک

به سرکوب انقلاب

مردم بحرین دریغ

نکرده است

انقلاب بحرین و پیچ تاریخی آن

حرکت مردمی بحرین در اوج مظلومیت به راه خویش

ادامه می‌دهد و این وضعیت و نتایج آن، سوالاتی را به

ذهن متبادر می‌کند. مهم‌ترین سؤال این است که: «چرا

با وجود روحیه انقلابی، رشادت‌ها و ایستادگی‌های مردم،

حکومت آل خلیفه در این کشور همچنان بر سر قدرت است

و هرروزه شاهد خبرهایی از به شهادت رسیدن و مجروح

شدن تعدادی از مردم این کشور و سرکوب ازسوی نیروهای

هستیم که عمدتاً ملیت بحرینی ندارند؟» در مصر انقلاب

پیروز شد و محمد مرسی با انتخابات از رقیب پیش افتاد

و به ریاست‌جمهوری رسید. در لیبی و تونس نیز دیکتاتور

در یکی به هلاکت رسیده و در دیگری متواری شده است

و دولت‌های انتقالی شکل گرفته‌اند و گرچه هنوز انقلاب

مردمی در این کشورها به نتایج نهایی و تغییرات کلی که

مردم خواستار آن بودند، نایل نیامده است، اما روندی رو به

رشد و محسوس را در این کشورها شاهد بوده‌ایم. باید گفت

چند مؤلفه باعث شده‌اند انقلاب ملت بحرین که بیش از یک

سال از آغاز آن می‌گذرد، تا بدین حد طولانی شود.

ناوگان‌های نظامی

از سال ۱۹۹۳ فرماندهی منطقه‌ای نیروی دریایی

آمریکا در بحرین مستقر شد و در ژوئیه ۱۹۹۵ هم این کشور

میزبان ناوگان پنجم دریایی آمریکا شد. واشنگتن براساس

توافق‌نامه همکاری دفاعی که با بحرین به امضا رسانده بود،

از امکانات و تسهیلات بسیاری در فرودگاه‌ها و بنادر بحرین

برخوردار شد. این ناوگان وظیفه حفظ و حراست از منافع

آمریکا را در خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ، خلیج

عدن و بخشی از دریای سرخ بر عهده دارد. عبور ۲۰ درصد

نفت جهان از تنگه هرمز، حساسیت ویژه‌ای در این منطقه

ایجاد کرده است. آمریکایی‌ها به هیچ عنوان نمی‌خواهند

حضور نظامی‌شان در منطقه با سقوط حکومت بحرین به

صورت ناگهانی کمرنگ شود. چهارهزار و ۲۰۰ نفر کارکنان

نیروی دریایی آمریکا به‌صورت دوره‌ای در پایگاه این کشور

در بحرین اقامت دارند؛ پایگاهی که با بیش از ۲۴ هکتار

مساحت در مرکز منامه، پایتخت این کشور قرار گرفته است.

به همین خاطر بحرین را یکی از متحدان اصلی آمریکا خارج

از پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌دانند.

این نزدیکی دو طرف باعث شده است که مقام‌های

آمریکایی به سادگی در طول سال‌های گذشته چشم خود

را روی نقض حقوق شیعیان در بحرین ببندند. شیعیان

بحرین با وجود اینکه بیش از ۷۰ درصد جمعیت این کشور

را تشکیل می‌دهند، مدت‌هاست که با برخورد تبعیض‌آمیز

خاندان سنی مذهب آل خلیفه مواجه بوده‌اند. مردمی که

اکثریت جمعیت این کشور را در اختیار دارند، می‌گویند:

سال‌هاست که با آن‌ها مانند «شهروند درجه دو» برخورد

می‌شود. بدون شک مقام‌های آمریکایی از مدت‌ها پیش از

مشکلات اساسی حکومت بحرین مطلع بوده‌اند، اما به خاطر

منافع راهبردی خود در منطقه حاضر شده‌اند که از این

موضوع چشم‌پوشی کنند.

همسایگان وابسته بحرین

بحرین تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که خیزشی

عظیم را شاهد بوده و طبیعی است که رژیم آل سعود و

همسایه‌های دیکتاتور دیگرش از رسوخ این انقلاب به کشورشان

هراسناک باشند. دیگر اینکه سعیت و قساوتی که آل خلیفه

و سعودی‌ها در این کشور برای سرکوب مردم به آن متوسل

شده‌اند، در هیچ کدام از کشورهای خروشان انقلابی را در

آن‌ها شاهد بوده‌ایم، مشاهده نشده است. حضور یک نیروی

خارجی و به نوعی اشغال یک کشور در حال انقلاب توسط

کشوری ثالث که مردم خواهان آزادی‌های سیاسی و دموکراسی

در آن هستند، خود‌گویای این موضوع است که انقلاب مردمی

بحرین نه تنها نادیده گرفته می‌شود، بلکه اجماعی نانوشته و پلید

برای کمک به سرپا ماندن حکومت آل خلیفه از طریق سرکوب

قیام مردمی در آن صورت گرفته است.

در این زمینه سؤال اساسی این است که: چرا

عربستان بحرین را اشغال کرده است و مردم مسلمان آن

را به شدت سرکوب می‌کند. حکام عربستان دست‌نشاندهگان

آل سعودی‌اند که سرزمین حجاز را با عنوان عربستان

سعودی اشغال کرده‌اند. سرزمینی را که پیامبر اسلام حجاز

نامید، آن‌ها به عربستان آل سعود تبدیل کردند. آن‌ها برای

حفظ موقعیت خود به عنوان مجری فرامین انگلیس و آمریکا

دست به نقشه‌های متفاوتی زدند تا بتوانند حاکمیت داشته

باشند و به دنیا پرستی خود ادامه دهند. از آن جمله است

کشتار همسایگان و توصیه به تغییر نام «شورای همکاری

خلیج فارس» به یک اتحادیه.

عربستان سعودی نظام حکومتی قبیله‌ای دارد. ایده

اتحاد میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از نظر

عربستان، جبهه ضد انقلابیون و سنت‌گرایان را در مقابل

تغییر طلبان و اسلام‌گرایان مستحکم‌تر می‌کند. عربستان

که خود با قیام مردم استان «الشرقیه» روبه‌روست، از هیچ

اقدامی برای کمک به سرکوب انقلاب مردم بحرین دریغ

نکرده است و تصمیم دارد در قالب الحاق بحرین به خاک

خود، از به ثمر نشستن انقلاب مردمی این کشور جلوگیری

کند.

هدف عربستان از پیگیری اتحاد کشورهای خلیج فارس، در درجه اول حفظ رژیم آل خلیفه، مشروع کردن اشغال بحرین (اشغال بحرین به اعتراض‌های فراوانی در سطح منطقه و جهان منجر شد) و جلوگیری از تأثیرگذاری قیام مردم بحرین روی شیعیان ساکن استان الشریقه عربستان و مناطق «احصا» و «قطیف» است که منابع نفتی زیادی هم دارند. همچنین الحاق بحرین به عربستان با این هدف صورت می‌گیرد که با تغییر ترکیب جمعیتی، اکثریت شیعی این کشور به اقلیت تبدیل شود.

دلیل دیگر عربستان استفاده از ظرفیت اعراب برای مقابله با پیشرفت‌های جمهوری اسلامی و تضعیف قدرت ایران در منطقه است. این موضوع باعث شده است که عربستان بکوشد در راستای منافع مشترک خود با اسرائیل و آمریکا و منحرف کردن افکار عمومی منطقه، ایران را به عنوان خطر اصلی منطقه معرفی کند. به عبارت دیگر، یکی از راهکارهای عربستان، دامن زدن به پرونده ایران هراسی به منظور ترغیب کشورهای حاشیه خلیج فارس برای پیوستن به این اتحادیه است.

نکته مهم دیگر این است که در صورت سرنگونی خاندان آل خلیفه در بحرین و روی کار آمدن نیروهای شیعی (به عنوان نماینده اکثریت مردم بحرین)، احتمال نزدیکی کشور بحرین به ایران و عراق بسیار افزایش می‌یابد. در آن صورت به طور حتم سقوط دومینوی نظام‌های پادشاهی طرفدار غرب بسیار شدت خواهد گرفت و رژیم عربستان سعودی نیز از این قضیه در امان نخواهد ماند. هدف دیگر رژیم آل سعودی از مطرح کردن ایده اتحادیه، انزوای سیاسی رقیب بلندپرواز خود، قطر است. زیرا عربستان با تشکیل اتحادیه عرب به سادگی قادر خواهد بود قطر را مهار کند.

نکته مهم این است که مطرح کردن تشکیل اتحادیه کشورهای عرب در این مقطع زمانی بدون چراغ سبز آمریکا بسیار بعید به نظر می‌رسد. به خصوص اگر به این موضوع توجه داشته باشیم که به تازگی واشنگتن برخلاف ژست‌های سیاسی در دفاع از حقوق بشر، با از سرگیری فروش سلاح به بحرین، بر ادامه سرکوب تظاهرات مردم این کشور تأکید کرده است. در همین راستا هیلاری کلینتون رژیم بحرین را متحد ارزشمند آمریکا در منطقه دانسته است.

بایکوت خبری بحرین

مؤلفه دیگری که درباره سرکوب انقلاب مردم مظلوم بحرین تا به حال مؤثر بوده، بایکوت خبری است که رسانه‌های منطقه و جهان در مورد انقلاب بحرین به آن متوسل شده‌اند. در جریان انقلاب‌های مصر و لیبی، بایکوت خبری باعث بی‌آبرویی شبکه‌های خبری وابسته به استکبار

می‌شد. اما انقلاب بحرین از سوی قریب به اتفاق شبکه‌های جهانی مدعی بی‌طرفی و نشر آزاد اطلاعات، نادیده گرفته می‌شود. رسانه‌های عربی و غربی به طور مستقیم کم و کیف رویدادهای انقلابی در «میدان التحریر» مصر را مخابره می‌کردند، حال آنکه حکومت آل خلیفه «میدان لؤلؤ» را که به نماد مقاومت مردمی در بحرین تبدیل شده بود، با خاک یکسان کرد و آب از آب تکان نخورد.

راهبردی بودن کشوری کوچک

کوچک بودن کشور بحرین به لحاظ جغرافیایی و نیز جمعیت کم این کشور حاشیه خلیج فارس مزید بر علت شد تا انقلاب بحرین هیچ‌گاه به متن رسانه‌های جهانی ورود پیدا نکند و جهان خواران مستکبر با همه توان نظامی خود از آن مراقبت کنند تا این موقعیت حساس را از دست ندهند. لذا موقعیت جغرافیایی و راهبردی بحرین و احساس خطر آمریکا و انگلیس که پایگاه‌های نظامی بزرگی در آن دارند، موجب شد تا سرکوبی به وسیله نیروهای خارجی و عمدتاً مزدوران آل سعود به عنوان وابستگان و جیره‌خواران آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل شدید و دهشتناک باشد. اما علی‌رغم این فشارها، مردم شیعی که اکثریت مطلق را دارند و در کنار آنان اقلیت سنی، مردانه ایستاده‌اند و روح مسلمانی و انقلابی‌گری واقعی را به عالمیان نشان می‌دهند و رسوایی بزرگی برای آمریکا و مزدوران وابسته‌اش فراهم می‌آورند. یعنی هرچند نتیجه‌ای که ملت بحرین خواستار حصول آن بود، هنوز به فرجام خود نرسیده است، اما باید گفت ایثارگری‌ها و رشادت‌های مردمی بر روح

و طریقه مقاومت ملت بحرین تأثیر مثبت و الهام‌بخش خود را گذاشته است و راه و مسیری که می‌باید برای آزادی در ادامه در آن گام بردارند، بیش از پیش روشن و مشخص است.

منابع

1. <http://www.bidarynews.com>
2. <http://www.mehrnews.com>
3. <http://www.khabaronline.ir>
4. <http://sharghnewspaper.ir>
5. <http://www.mehrnews.com>
6. <http://www.atynews.com>

سایر منابع در دفتر مجله محفوظ است.

فریاد آزادی در میان زنان بحرین



مقاله

عید نوروز

عامل هم‌گرایی در روابط کشورها

عبدالحمید قلی‌زاده
کارشناس ارشد روابط بین‌الملل



کلمه «عید» از ماده «عود» به معنی «بازگشت» گرفته شده و به گفتهٔ راغب اصفهانی به معنی «بازگشت به وضعیت مطلوب گذشته» است. به روزهای سرور و شادی نیز عید گفته می‌شود. بنابراین، در عید بازگشت انسان به فطرت توحیدی‌اش مطرح است. نشان عید تنها جامهٔ رنگارنگ نیست؛ چراکه این عید کودکان است. عید واقعی، توفیق انجام وظیفه و تطهیر نفس و تصفیهٔ جان است. بازگشت به فطرت انسانی و سرانجام، خود را باز یافتن و به خدا رسیدن است.

عید نوروز، عیدی ریشه‌دار است که از نیاکان ما در ایران برجا مانده است. در این عید، طبیعت رو به سبزی و رویش می‌کند و دل انسان‌ها را زنده و پر نشاط می‌سازد. دید و بازدید عید، غبار کدورت از دل‌ها می‌زداید، ضیافت‌ها، لباس‌های نو و مسافرت‌ها در خانواده‌ها شور و بالندگی می‌آفریند و افزون بر ارزش‌های دینی، ارزش‌های ملی و باستانی را نیز زنده و پابرجا نگه می‌دارد.

یکی از رازهای نهفته در نوروز که سبب ماندگاری و شکوه و عظمت آن طی هزاران سال شده است شاید این باشد که نوروز صرفاً یک حادثهٔ فرهنگی یا اعتقادی نیست. نوروز از منظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، هنری، مذهبی، ادبی و تمام زمینه‌های علمی و ذوقی نیز قابل مطالعه است؛ چراکه این مراسم گسترده و قوی در تمام شئون زندگی مردم تکتون نقش ایفا کرده است. نوروز حادثه‌های بزرگ به‌شمار می‌آید که هر ساله زندگی فردی و اجتماعی میلیون‌ها نفر در مناطق گوناگون جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از ویژگی‌های نوروز این است که متعلق به عموم مردم است. نژاد، زبان، دین و موقعیت اجتماعی نقشی تعیین‌کننده در برگزاری آن ندارد و هر کس به اندازهٔ خود در حفظ و اشاعهٔ آن نقش ایفا می‌کند.

هدف ما در مقالهٔ حاضر این است که نشان دهیم، عید نوروز چگونه می‌تواند باعث

نزدیکی روابط کشورها شود و کشورها از این مناسبت مشترک

چگونه می‌توانند به هم‌گرایی برسند.

کلیدواژه‌ها: کشورهای منطقه،

عید نوروز، هم‌گرایی



شاهان هخامنشی برای تحکیم بنیان قدرت خود معمولاً در انظار هر یک از ملل، خود را طرفدار مذهب ایشان معرفی می‌کردند. در این عهد، پادشاهان در نوروز به بار عام می‌نشستند. بار عام را عمارتی مخصوص بود و شاه در ایوان این عمارت جلوس می‌کرد و قراولان خاصه در اطراف وی صف می‌کشیدند و مراسم نوروز در کمال جلال و جبروت اجرا می‌شد. در این روز معمولاً از همهٔ ولایات و ایالات مملکت هدایایی به‌وسیلهٔ نمایندگان مخصوص به خدمت شاه فرستاده می‌شد. نمایندگان ملل تابعه به نوبت به خدمت شاه می‌رسیدند.

منشأ و زمان پیدایش نوروز به درستی معلوم نیست. در برخی از متن‌های کهن ایران از جمله «شاهنامه» **فردوسی** و «تاریخ طبری»، **جمشید** و در برخی دیگر از متن‌ها، **کیومرث** به‌عنوان پایه‌گذار نوروز معرفی شده است. پدید آمدن نوروز در شاهنامه بدین‌گونه روایت شده است که جمشید در حال گذشتن از آذربایجان، دستور داد تا در آنجا برای او تختی بگذارند و خودش با تاجی زرین بر تخت نشست. با رسیدن نور خورشید به تاج زرین او، جهان نورانی شد و مردم شادمانی کردند و آن روز را «روز نو» نامیدند. برخی از روایت‌های تاریخی، آغاز نوروز را به بابلیان نسبت می‌دهند. طبق این روایت‌ها، رواج نوروز در ایران به ۵۳۸ سال قبل از میلاد، یعنی زمان حملهٔ کوروش بزرگ به بابل بازمی‌گردد. همچنین در برخی از روایت‌ها، از زرتشت به‌عنوان بنیان‌گذار نوروز نام برده شده است، اما در اوستا (دست‌کم در گات‌ها) نامی از نوروز برده نشده است.

کوروش کبیر، بنیان‌گذار هخامنشیان، نوروز را در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، جشن ملی اعلام کرد. وی در این روز برنامه‌هایی برای ترفیع سربازان، پاک‌سازی مکان‌های همگانی و خانه‌های شخصی و بخشش محکومان اجرا کرد. این آیین‌ها در زمان دیگر پادشاهان هخامنشی نیز برگزار می‌شده است. در زمان **داریوش یکم**، مراسم نوروز در «تخت جمشید» برگزار می‌شد. البته در سنگ‌نوشته‌های به‌جا مانده از دوران هخامنشیان، به‌طور مستقیم اشاره‌ای به برگزاری نوروز نشده است، اما بررسی این سنگ‌نوشته‌ها نشان می‌دهد که مردم در دوران هخامنشیان با جشن‌های نوروز آشنا بوده‌اند.

نوروز از دیدگاه اسلام و تشیع

در اسلام و به‌ویژه آیین تشیع به نوروز به‌عنوان روزی خجسته نگاه شده و بر گرامی داشتن آن تأکید شده است. از دیدگاه شیعه، نوروز روز ظهور امام زمان است. از شگفتی‌های جشن نوروز، حرمت دینی این مراسم است؛ هم پیش از اسلام و هم پس از اسلام، پیش از اسلام

نوروز برابر با اول فروردین‌ماه (تقویم شمسی)، جشن آغاز سال و یکی از کهن‌ترین جشن‌های به‌جا مانده از دوران باستان است. خاستگاه نوروز در ایران باستان است و هنوز مردم مناطق گوناگون فلات ایران، نوروز را جشن می‌گیرند. امروزه زمان برگزاری نوروز در آغاز فصل بهار است. نوروز در ایران و افغانستان آغاز سال نو محسوب می‌شود و در برخی دیگر از کشورها تعطیل رسمی است.

در کشورهایی مانند ایران و افغانستان که تقویم هجری شمسی به کار برده می‌شود، نوروز، روز آغاز سال نو است. اما در کشورهای آسیای میانه و قفقاز، تقویم میلادی متداول است و نوروز به‌عنوان آغاز فصل بهار جشن گرفته می‌شود و روز آغاز سال محسوب نمی‌شود.

واژهٔ «نوروز» اسمی مرکب است که از ترکیب دو واژهٔ فارسی «نو» و «روز» به‌وجود آمده است. این نام در دو معنی به کار می‌رود:

۱. **نوروز عام:** روز آغاز اعتدال

بهاری و آغاز سال نو؛

۲. **نوروز خاص:** روز ششم

فروردین با نام «روز خرداد».

در ایران باستان در طول پنج روز اول فروردین، جشن نوروز صورتی عمومی داشت و عموم ملت ایران و پارسی‌نژادان از شادمانی و خرمی ملی بهره‌مند و کامیاب می‌شدند. از ششم فروردین‌ماه، نوروز صورت

درباری و خاص به خود می‌گرفت. یعنی از این روز به بعد جشن‌های درباری شروع می‌شد و دربار شاه به روی عامهٔ مردم و سپس خواص گشوده می‌شد و هدایای ملت به پادشاه می‌رسید. نوروز خاصه را «نوروز بزرگ» و «جشن بزرگ» و «نوروز ملک» نیز نامیده‌اند.

نوروز در دربار شاهان ایران

اطلاعات ما دربارهٔ جشن نوروز قبل از هخامنشیان بسیار کم است، ولی در اینکه شاهان این سلسله به اجرای آداب و رسوم نوروزی می‌پرداختند، شکی نیست. **داریوش کبیر**، پادشاه هخامنشی (۵۲۱-۴۸۶ ق.م.) چنان‌که از آثار بابل برمی‌آید، در نوروز هر سال به معبد **مردوک**، رب‌النوع بزرگ بابل می‌رفت و دست آن را می‌گرفت





برگزاری جشن نوروز به صورت آشکار در برخی از کشورهای توسط برخی حکومت‌ها برای مدت‌زمانی ممنوع بوده است. حکومت شوروی برگزاری جشن نوروز را در برخی از کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان ممنوع کرده بود

«جشن ۸ مارس» به نوروز، سعی می‌کردند که آیین‌های نوروز را بی‌مخالفت مقامات دولتی برگزار کنند.

همچنین در افغانستان، در دوران حکومت طالبان، برگزاری جشن نوروز ممنوع بود و این حکومت تنها تقویم هجری قمری را به رسمیت می‌شناخت. برخی مراسم

مشترک عید نوروز بین کشورهای منطقه از این قرارند:

خانه‌تکانی

خانه‌تکانی یکی از آیین‌های نوروزی است که مردم بیشتر مناطقی که نوروز را جشن می‌گیرند، به آن پای‌بندند. در این آیین، تمام خانه و وسایل آن در آستانه نوروز گردگیری، شست‌وشو و تمیز می‌شوند. آیین خانه‌تکانی در کشورهای منطقه از جمله ایران، تاجیکستان و افغانستان برگزار می‌شود.

آتش‌افروزی

رسم افروختن آتش، از زمان‌های کهن در مناطق نوروز متداول بوده است. در ایران، جمهوری آذربایجان و بخش‌هایی از افغانستان، این مراسم به صورت روشن کردن آتش در شب آخرین چهارشنبه سال متداول است و «چهارشنبه‌سوری» نام دارد. پریدن از روی آتش در ایام نوروز در ترکمنستان نیز رایج است. همچنین رسم افروختن آتش در بامداد نوروز بر پشت‌بام‌ها در میان برخی از زرتشتیان (از جمله در برخی از روستاهای یزد در ایران) مرسوم است.

سفره‌های نوروزی

گسترده‌ترین سفره‌های نوروزی یکی از آیین‌های مشترک در مراسم نوروز بین مردمی است که نوروز را جشن می‌گیرند. در بسیاری از نقاط ایران، جمهوری آذربایجان و برخی از نقاط افغانستان، سفره هفت‌سین پهن می‌شود. در این سفره هفت چیز قرار می‌گیرد که با حرف سین آغاز شده باشد؛ مثل سیر، سنجد، سمنو، سیب. به هفت‌سینی که چیده می‌شود معانی خاصی نسبت داده‌اند. مثلاً سیب را نماد زیبایی و تندرستی، سنجد را نماد عشق و محبت، و سکه را رزق و روزی گفته‌اند. به نظر می‌رسد گذاشتن هفت جزء آغازشونده با حرف سین در سفره نوروزی پدیده‌ای جدید است و پیشینه تاریخی ندارد، بلکه توسط رسانه‌ها فراگیر شده است.

آیین زرتشتی بدان صورت دینی داده بوده است و در دوره اسلامی نیز احادیث و روایاتی که در باب اهمیت و حرمت آن نقل کردند، مایه بقای آن شد. اقبال آشتیانی می‌نویسد: «ایرانیان پس از آن که اسلام را قبول کردند، به ناچار از بسیاری از آداب دینی خود دست کشیدند. ولیکن آداب نوروزی را هم چنان

حفظ کردند و برای حفظ آن به تدریج بر آن جامعه اسلامی پوشاندند. احادیث و اخباری از زبان ائمه و فقهای شیعه در فضیلت روز نوروز و احکامی برای نماز و روزه و غسل در آن روز و ادعیه‌ای مخصوص به آن نقل کردند».

به روایت جمعی از محدثین شیعه، مطابق اخباری که از حضرت امام صادق (ع) منقول است: «نوروز، روزی است که حق تعالی در آن پیمان بندگان را گرفت و ارواح ایشان که او را به یگانگی پرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجت‌های او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین. و این اول روزی است که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادهای بارورکننده درختان وزیده است و گل‌ها و شکوفه‌های زمین آفریده شده و این روزی است که کشتی نوح بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته... در این روز حضرت رسول (ص) امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با علی امیرالمؤمنین (ع) و قرار کنند که او سرور مؤمنان است، یعنی عید غدیر... و در این روز قائم آل محمد (ص) ظاهر خواهد شد... الخ».

مشترکات مراسم عید بین کشورها

نوروز به‌عنوان یک میراث فرهنگی، در دوران معاصر همواره مورد توجه مردم قرار داشته است و هر ساله برگزار می‌شود. البته برگزاری جشن نوروز به صورت آشکار در برخی از کشورها توسط برخی حکومت‌ها برای مدت‌زمانی ممنوع بوده است. حکومت شوروی برگزاری جشن نوروز را در برخی از کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان ممنوع کرده بود و این ممنوعیت تا زمان میخائیل گورباچف ادامه داشت. با وجود این، مردم این مناطق نوروز را به‌گونه پنهانی و یا در روستاها جشن می‌گرفتند. همچنین برخی از مردم این مناطق برای جلب موافقت مقامات محلی نام دیگری روی نوروز می‌گذاشتند. برای مثال در تاجیکستان، مردم با اطلاق «جشن لاله» یا

باید تقویت کرد، قدر دانست و محکم‌تر ساخت. تجدید دیدار از عوامل مهمی است که این رشته را قوام و دوام می‌بخشد. فرهنگ «صله‌رحم» که از رهنمودهای مهم اجتماعی در اسلام است، روح را شاداب و دل و جان را از چشمه‌ساز عواطف و محبت‌ها سیراب می‌سازد. نداشتن فرصت برای برخی از افراد، بهانه‌ای برای ترک این دستور دینی یا سهل‌انگاری در آن است. این تعطیلات نوروزی برای «صله‌رحم» فرصت خوبی است. این ایام فرصتی است برای آنکه جوانان به دیدارهای خانوادگی بپردازند و روحیه بگیرند، فامیل را بشناسند و از پاداش عظیمی که خداوند برای صله‌رحم نوید داده است، برخوردار شوند.

دید و بازدید عید یا عید دیدنی یکی از سنت‌های نوروزی است که در بیشتر کشورهای که آن را جشن می‌گیرند، متداول است. در برخی از مناطق، یاد کردن از گذشتگان و حاضر شدن بر مزار آنان در نوروز نیز رایج است.

ترکمنستان

در کشور ترکمنستان طبق رسم قدیم و جدید، دوبار در سال جشن سال نو گرفته می‌شود. یکی از این جشن‌ها با استناد به تقویم میلادی است که به تأیید سازمان ملل رسیده، به‌عنوان جشن بین‌المللی «سال نو» شناخته می‌شود. دیگری برگزاری عید نوروز به نشانه‌ی احیای دوباره آداب و رسوم دیرینه‌ی ترکمنستان است. مردم ترکمنستان در این ایام با پختن غذاهای معروف نوروزی، مانند «نوروز کجه» و سمنو و اجرای بازی‌های مخصوص این ایام توسط جوانان ترکمن، حال و هوای دیگری به این جشن و شادی می‌دهند. در ایام نوروز مسابقات گوناگونی در ترکمنستان برگزار می‌شود که می‌توان به مسابقات اسب‌دوانی، پرش برای گرفتن دستمال از بلندی، خروس‌جنگی و... اشاره کرد.

افغانستان

نوروز در افغانستان و عمدتاً در ایالت «بلخ» و مرکز آن «مزار شریف»، هنوز به همان شکوه پیشین برگزار می‌شود. در روزهای اول سال، همه‌ی دشت‌های بلخ و دیوار و پشت‌بام‌های گلی آن پر از گل سرخ می‌شود. گویی بلخ سبیدی از گل سرخ است! رسم است که در اولین روز عید نوروز، علم امام علی (ع) با مراسم خاص و باشکوهی در صبح آن روز برافراشته شود. با افراشته شدن آن، جشن نوروز نیز رسماً آغاز می‌شود و تا چهل شبانه‌روز ادامه می‌یابد. در این چهل شبانه‌روز حاجتمندان و بیماران برای شفا پای این علم مقدس به چله می‌نشینند. مردم افغانستان بر این باورند که اگر علم به آرامی و بدون لرزش و توقف از زمین بلند شود، سالی که در پیش است نیکو و میمون است. از آیین و رسم

پهن کردن سفره‌ی نوروزی در ایران آداب و رسوم خاصی دارد و روی سفره اجزای دیگری به‌ویژه آینه، شمع و آب نیز حضور دارند. از دیگر اجزای سفره‌ی نوروزی می‌شود از ماهی و تخم‌مرغ رنگ‌شده یاد کرد. در کابل و شهرهای شمالی افغانستان، سفره‌ی هفت میوه متداول است. در این سفره، هفت میوه قرار می‌گیرد، از جمله کشمش سبز و سرخ، چهارمغز، بادام، پسته، زردآلود و سنجد. چیدن سفره‌ای مشابه با استفاده از میوه خشک‌شده بین شیعیان پاکستان هم مرسوم است. علاوه بر این، سفره‌ی هفت‌شین در میان زرتشتیان، و سفره‌ی هفت‌میم در برخی نقاط واقع در استان فارس در ایران متداول است. در جمهوری آذربایجان عدد هفت اهمیتی ندارد

و روی سفره‌های نوروزی خود آجیل قرار می‌دهند.

غذاهای نوروزی

یکی از متداول‌ترین غذاهایی که به مناسبت نوروز پخته می‌شود، «سمنو» (سمنک، سومنک، سوملک، سمنی یا سمنه) است. این غذا با استفاده از جوانه‌ی گندم تهیه می‌شود. در بیشتر کشورها، پخت این غذا با آیین‌های خاصی همراه است. زنان و دختران در مناطق گوناگون ایران، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان سمنو را به‌صورت دسته‌جمعی و گاه در طول شب می‌پزند و هنگام پختن آن سرودهای مخصوصی می‌خوانند.

پختن غذاهای دیگر نیز در نوروز مرسوم است. برای مثال، در شب عید در بخش‌هایی از ایران «سبزی‌پلو با ماهی»، در افغانستان «سبزی‌چلو با ماهی»، در ترکمنستان «نوروز‌بامه»، در قزاقستان «اویقی آش» و در بخارا انواع «سمبوسه» پخته می‌شود. به‌طور کلی، پختن غذاهای نوروزی در هر منطقه‌ای که نوروز جشن گرفته می‌شود مرسوم است و هر منطقه‌ای غذاها و شیرینی‌های مخصوص به خود را دارد.

صله‌رحم (دید و بازدید) در تعطیلات نوروزی

پیوندهای خانوادگی و فامیلی، از مستحکم‌ترین ارتباطات اجتماعی است و چون رشته‌ی عاطفه و محبت در آن تنیده شده است، نسبت به روابط دیگر دوام بیشتری دارد. این رابطه‌ها را



در کشور ترکمنستان طبق رسم قدیم و جدید، دوبار در سال جشن سال نو گرفته می‌شود. یکی از این جشن‌ها با استناد به تقویم میلادی است که به تأیید سازمان ملل رسیده، به‌عنوان جشن بین‌المللی «سال نو» شناخته می‌شود. دیگری برگزاری عید نوروز به نشانه‌ی احیای دوباره آداب و رسوم دیرینه‌ی ترکمنستان است

نوروز در سرزمین بلخ می‌توان به شست‌وشوی فرش‌های خانه، زدودن گرد و غبار پیش از آمدن نوروز و انجام مسابقات متنوع از قبیل بزکشی، شتر جنگی، شترسواری، قوچ جنگی و کشتی خاص این منطقه اشاره کرد.

ازبکستان

در ازبکستان جشن نوروز جشنی دولتی است و سال نو رسماً طبق تقویم اروپایی برگزار می‌شود. از چند روز مانده به عید، مردم این کشور خانه‌تکانی می‌کنند خانه‌های خود و شهرها و روستاها را می‌آریند. زیرا این امری طبیعی است که در لباسی زیبا و خانه‌ای زیبا به استقبال سال نو بروند. طبق رسوم، تا پیش از آغاز سال نو باید تمامی کارهای مربوط به آماده کردن غذا و وسایل پذیرایی پایان بیابند. غذای فراوان و متنوع، نماد امیدواری به برداشت محصولات بسیار در این سال است.

در روز اول نوروز، سفره عید که در ازبکستان «دستار خوان» نامیده می‌شود، گسترده می‌شود و بر آن گوسفند و یا گاو آب‌پز شده، پیراشکی با پیازچه و سمنو (سومالیاک) قرار می‌گیرد. سمنو پزی از رسوم دیرینه در ازبکستان است که خانم‌ها به آن می‌پردازند. هنگام پخت آن شعرهایی شاد می‌خوانند، می‌رقصند، برای هم افسانه می‌گویند و شوخی می‌کنند. ازبک‌ها تنها یک‌بار در سال و آن هم در نوروز سمنو می‌پزند که جوانه گندم آن نماد زندگی ابدی است. یکی از عقاید جالبی که بین مردم ازبکستان وجود دارد، این است که می‌گویند اگر در سمنوی میهمان سنگ کوچکی بیفتد، نشان خوبی است و بدین معناست که تا نوروز دیگر او شاد، موفق و تندرست خواهد بود.

قزاقستان

هم‌زمان با نزدیک شدن به نوروز، خیابان‌ها و معابر عمومی جمهوری قزاقستان آذین‌بندی و چراغانی می‌شود. نظافت و تمیز کردن شهر توسط مردم از دیگر برنامه‌های آماده شدن برای نوروز است. مردم قزاقستان می‌گویند: «اگر هنگام تحویل سال خانه تمیز باشد، افراد دچار بیماری و ناراحتی نمی‌شوند.»

نورسلطان نظر بایف، رئیس‌جمهور قزاقستان، سال گذشته پیشنهاد آغاز سال جدید (به جای سال مسیحی) را با آغاز فصل بهار مطرح کرد. دید و بازدید از بزرگان، حضور در جشن‌ها در میدان‌های مرکزی شهر و برگزاری مراسم عروسی، از برنامه‌های مردم قزاقستان در ایام نوروز است. تعطیلات نوروز در قزاقستان سه روز است، اما بزرگداشت آن تا یک ماه ادامه دارد. «نوریز» اسم سومین ماه در تقویم

قزاقی است و از اعیاد بسیار مهم همچون عید سعید فطر، قربان و ژانویه برای مردم قزاقستان است.

پاکستان

از آداب و رسوم عید نوروز در میان مردم پاکستان می‌توان به خانه‌تکانی و یا به عبارت دیگر، پاکیزه کردن خانه، پوشیدن لباس نو، تهیه انواع شیرینی و همچنین پختن غذاهای معروف این ایام و عیدی دادن و گرفتن و دید و بازدید اقوام اشاره کرد. در ایام نوروز مردم پاکستان از گفتار نامناسب پرهیز می‌کنند و یکدیگر را با احترام صدا می‌زنند.

آذربایجان

یکی از جشن‌های بزرگ مردم جمهوری آذربایجان نوروز است. مردم این سرزمین به دلیل اعتقاد به آیین و مراسم نوروز، برای هر چه باشکوه‌تر برگزار شدن آن مراسم ویژه‌ای تدارک می‌بینند؛ از قبیل سرودن ترانه‌های پیش از نوروز، تدارک بساط شادی ایام نوروز، تهیه لوازم و مواد مورد نیاز، گسترده سفره نوروز، تهیه چيستان‌های نوروزی، آماده کردن ستایش و نفرین، و پند و امثال نوروزی و برگزاری مراسم نوروزی. در میان مراسم نوروزی، مراسم خاطره‌انگیزی همچون ارسال خوان سمنو، انداختن کلاه پوستین به درها، آویزان کردن کیسه و توپره از سوراخ بام به خانه‌ها، و درخواست تحفه عید در این سرزمین موسوم است.

نتیجه‌گیری

یکی از رازهای نهفته در نوروز که سبب ماندگاری و شکوه و عظمت آن طی هزاران سال شده است، شاید این باشد که نوروز صرفاً یک حادثه فرهنگی یا اعتقادی نیست. نوروز از منظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، هنری، مذهبی، ادبی و زمینه‌های علمی و ذوقی نیز قابل مطالعه است. چراکه این مراسم گسترده و قوی در تمام شئون زندگی مردم تاکنون نقش ایفا کرده است. نوروز حادثه‌ای بزرگ به‌شمار می‌آید که هر سال زندگی فردی و اجتماعی میلیون‌ها نفر را در مناطق گوناگون جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از ویژگی‌های نوروز این است که به عموم مردم متعلق است. نژاد، زبان، دین و موقعیت اجتماعی نقشی تعیین‌کننده در برگزاری آن ندارند و هر کس می‌تواند به اندازه توانایی خود در حفظ و اشاعه آن بکوشد. منابع در دفتر مجله موجود است.



گفت و گو

پای صحبت طالب محمدی،
معاون آموزش متوسطه
اداره کل آموزش و پرورش
استان کردستان

با اجرای طرح تحول بنیادین در آموزش و پرورش

باید این بنا را از نو بسازیم

محمد دشتی

عکاس: پریسا سننسی

سفر برای اینکه مخاطبان بتوانند خود را در مجله ببینند!

باز هم سفری دیگر در پیش است. دو سالی است که در راستای سیاست‌های «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» مینی بر دیدار با مخاطبان مجلات و انعکاس دیدگاه‌ها و نظرات آنان، مجله «رشد آموزش علوم اجتماعی» برای تهیه محتوای نشریه در هر نوبت، به دیدار مخاطبان خود یعنی معلمان، مدیران مدارس، مسئولان آموزش و پرورش استان‌ها، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و حتی در مناسبت‌های فراهم آمده به سراغ مردم کوچه و بازار می‌رود تا بتواند با تعامل، گفت‌وگو و ایجاد همدلی، مأموریت‌های آموزشی، اطلاع‌رسانی و ایجاد ارتباط بین مخاطبان و مسئولان را در سطوح متفاوت به انجام برساند.

روز دوم تیرماه، هنوز صبحانه مختصر هواپیمایی آسمان را بر فراز ایرها نخورده‌ایم که مهماندار اعلام می‌کند چند دقیقه دیگر در فرودگاه سنندج فرود خواهیم آمد. هواپیمای فوکر سفیدرنگ ارتفاع کم می‌کند و تن سرد خود را در هوای دلپذیر صبحگاهی به فرش سبز زمین می‌سپارد. در ارتفاع پایین و در تیررس نگاه مسافران کنجکاو، سنندج در میان کوه‌ها و تپه‌های اطرافش نمایان می‌شود. شهری که زیبایی‌های خود را بر موجی از کوه و تپه ماهورهای متعدد پیرامونش نقش زده است و چشم هر بیننده‌ای را در همان نگاه اول می‌نوازد.

با آنکه در روزهای اول تیرماه هستیم، اما هنوز بهار و سرسبزی آن از شهر دل‌نکنده است. با استقبال شایسته و صمیمانه همکاران در اداره کل آموزش و پرورش کردستان، در باشگاه فرهنگیان سنندج اسکان پیدامی‌کنیم. روز جمعه است و تا آغاز برنامه‌های رسمی در روز شنبه فرصتی هست تا به میان مردم برویم. در بازار سنندج هم مانند بازار هر شهر و دیار دیگری می‌توان چهره‌های واقعی از زندگی، وضعیت معیشت، برخی آداب و رسوم و میزان دل‌بستگی مردم به کار و تلاش را دید.

بازار سنتی شهر، هم‌زمان با مرکزیت یافتن شهر سنندج ساخته شده و یادگار حکمرانی حکومت اردلان‌هاست. این بازار را خیابانی از وسط به دو نیمه کرده که نیمه شمالی آن به بازار سنندج و قسمت جنوبی آن به «بازار آصف» معروف است. گروه مسئولان و گزارشگران مجله در دیدار خود از بازار شهر به دنبال یافتن هویتی واقعی از زندگی مردمان سخت‌کوش و مهربان این دیار بودند.

آنچه در این دیدار دو ساعته نصیبمان می‌شود، گمانه‌های ذهنی ما را عینیت می‌بخشد. نگاهی اجمالی

به کسب و کار مردم در شهر سنندج گویای این واقعیت است که مردان و زنان این دیار هنوز به آداب و سنن گذشته خود پای‌بند هستند. پارچه‌ها، البسه و پوشاک مردم همچنان سنت‌های گذشته این منطقه را در خود حفظ کرده‌اند؛ نشانه‌هایی که حاکی از اعتقادات، شرایط طبیعی و جغرافیایی و باورهای آنان است.

شب نیز با برنامه‌ریزی و فرصت حاصل شده از میهمان‌نوازی دوستان خوبمان در آموزش و پرورش استان کردستان، به ارتفاعات «آبیدر» در حاشیه شهر سنندج می‌رویم. از گروه شش نفره ما، سه نفرمان سال‌ها پیش و زمانی که آتش جنگ تحمیلی عراق برافروخته بود و گروهک‌های معاند و ضد انقلاب، این شهر را هم مانند بقیه نقاط مرزی مورد تاخت و تاز خود قرار داده بودند، با گروهی از مدافعان شهر برای رسیدن به این ارتفاعات، راه مالرویی را که به بالای آن تپه خاکی می‌رود، با ترس و مشقت طی کرده بودند. اما حالا آن جاده خاکی و باریک، به جاده‌ای آسفالت و پهن و بزرگ تبدیل شده است. با اقدامات رفاهی انجام گرفته توسط مسئولان شهر و مقایسه وضعیت شهر با آن ایام، ما می‌توانستیم در خصوص امنیت و طراوت و نشاطی که در تپه‌های خاکی آبیدر حاکم شده بود، منصفانه و صادقانه قضاوت کنیم.

آبیدر سبز و با طراوت به منزلگاهی شبانه برای مردمان این دیار تبدیل شده بود تا دمی بیاسایند و در اترافگاه‌های ایجاد شده در مسیر پریپچ و خم آن، از مواهب طبیعی و خداوندی که در کردستان به حد اعلا وجود دارد، بهره ببرند. حضور، سرزندگی و نشاط مردم حکایت از جریان پویای زندگی در این شهر دارد.

شنبه از راه می‌رسد. با هماهنگی‌های انجام شده قبلی و همکاری صمیمانه نماینده مجلات رشد در استان کردستان (حمید شفیعی) و همکارانشان و همچنین همراهی و مساعدت مدیر کل محترم استان و معاونان ایشان، اسباب مراجعت به گوشه‌گوشه استان و شهرستان‌های آن فراهم می‌شود.

کارمان را در مدارس و از شهرستان سنندج آغاز می‌کنیم و در مدت اقامتمان در استان، به شهرهای مریوان، سروآباد و اورامانات، بیجار، سقز و بانه می‌رویم. دیدار از مدارس آغاز می‌شود. نظرات معلمان و دانش‌آموزان را می‌شنویم و با مدیران مدارس صحبت می‌کنیم. جمع‌بندی نظرات دریافت‌شده را به رؤسای مناطق ارائه می‌کنیم و پس از گفت‌وگوی جمعی در حضور آنان و معاونان شهرستان‌ها، مطالب گردآوری شده را به معاونان اداره کل منعکس می‌کنیم و بخش‌های

رسانه‌های آن در مجله منعکس شده و یا به مبادی ذی‌ربط انعکاس داده می‌شود.

همان‌گونه که معروف است، اعتقادات مذهبی در این استان جایگاه خاصی دارد که دیگر همکاران من در گزارش‌های خود بدان اشاره خواهند کرد. اما یک مورد آن مربوط به قرآن معروف روستای نگل است.

روستای نگل در ۶۵ کیلومتری غرب سنندج قرار دارد. در مسیر رفتن به بیجار توقفی نیم ساعته در این روستا داریم و به دیدار قرآن معروفی که در این روستاست، می‌رویم. بنا بر اعتقادات و باورهای مردم، قرآن نگل یکی از چهار قرآن خطی است که در زمان عثمان بن عفان (از خلفای راشدین) به رشته تحریر درآمدند و به چهار اقلیم دنیا فرستاده شدند. به همین دلیل مردم اعتقاد زیادی به این قرآن دارند و علاقه‌مندان زیادی از سراسر کشور و حتی خارج از کشور به این روستای پلکانی ساخته شده در دامنه کوه می‌آیند. به دلیل وجود این قرآن قدیمی و تاریخی، روستا از نظر گردشگری نیز جایگاه خاصی را در استان به خود اختصاص داده است.

با توجه به اطلاعات ثبت شده در بروشورهای موجود در مسجد مذکور، این امانت الهی در دوران صفویه از دل خاک بیرون آورده شده و در محل مسجد قدیمی روستا به منظور زیارت اهالی قرار داده شده است.

قرآن مزبور در سال ۱۳۱۲ به دستور رضا شاه به تهران انتقال یافت که با تحصن مردم روستای نگل در مقابل پادگان نظامی سنندج، مجدداً به محل اصلی خود بازگردانده شد.

دیدار با محمدی، معاون آموزش متوسطه استان

در روزهای پایانی سفر و در راستای دیدار با معاونان اداره کل آموزش و پرورش استان، با محمدی، معاون آموزش متوسطه استان ملاقات و گفت‌وگو کردیم. آنچه می‌خوانید حاصل این دیدار است.

آقای محمدی، ضمن تشکر از فرصتی که به این دیدار اختصاص دادید، از نگاه خودتان نسبت به نقش و جایگاه مجلات رشد بر ایماں بگوئید.

حضور جمعی از همکاران مجلات رشد را که از سوی «رشد» آموزش علوم اجتماعی» به استان فرهنگی کردستان آمده‌اند، خیر مقدم می‌گویم. اعتقاد دارم مجلات رشد جایگاه مهمی به عنوان بزرگ‌ترین رسانه آموزش و پرورش دارند و باید قدر آن‌ها بیشتر از آنی که در حال حاضر هست، دانسته شود.

من شخصاً علاقه خاصی به مجلات رشد دارم. سال‌های زیادی در آموزش و پرورش استان به عنوان معاون آموزش عمومی مشغول به خدمت بوده‌ام. در همه این سال‌ها تلاش کرده‌ام که از زمینه مناسب مجلات رشد برای ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی و برای ارتقای سطح دانش و بینش همکاران و دانش‌آموزان استفاده کنم. این مجلات در باغ زیبای آموزش و پرورش حکم گل‌هایی را دارند که با محتوای ارزشمند خود فضا را عطراگین، مصفا و دوست‌داشتنی‌تر می‌کنند.

ما همیشه برنامه استفاده از مجلات رشد و از جمله رشد آموزش علوم اجتماعی را در کارهای دارای اولویت خودمان قرار داده‌ایم و تلاش کرده‌ایم حاصل زحمات همکاران ما در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» به خوبی به دست مخاطبان این مجلات برسد و مورد استفاده قرار گیرد. در این

عکاس: رضا معتمدی



مسیر هم به گونه‌ای عمل کرده‌ایم که مجلات به شایستگی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

پس از آن هم که معاونت آموزش عمومی و آموزش متوسطه به عنوان معاونت آموزش و نوآوری جمع شد، همه ما همان سیاست‌ها را پی گرفتیم و در حال حاضر هم پیگیر این سیاست هستیم که هم مجلات رشد به موقع به دست مخاطبان برسد و هم توجه به مجلات و میزان بهره‌گیری از آن‌ها جزو ملاک‌های ارزیابی ادارات آموزش و پرورش در شهرستان‌های استان قرار گیرد.

الان هم که جناب آقای شفیع‌ی در معاونت آموزش ابتدایی پیگیر امور هستند، باز هم همکاری نزدیکی با معاونت آموزش متوسطه در دو سطح راهنمایی و متوسطه وجود دارد و تلاش می‌کنیم این مجلات از جایگاه شایسته‌ای برخوردار شوند. به نظر من موضوع مهم این است که امر استفاده از مجلات رشد در استان ما نهادینه شود و در اولویت برنامه‌های همکاران ما قرار گیرد.

چالش‌های جدی ما در خصوص مجلات رشد و به خصوص

رشد علوم اجتماعی چیست؟

در حال حاضر سرانجام پایین مطالعاتی همکاران ما در آموزش و پرورش از چالش‌های جدی آموزش و پرورش است که به آن توجه جدی نمی‌شود و بی‌توجهی به آن باعث آسیب‌های زیادی شده است. این موضوع در مورد مطالعه و بهره‌گیری از مجلات رشد هم متأسفانه تأثیر منفی دارد. شاید یکی از موضوعاتی که باعث شده است شأن و منزلت همکاران عزیز ما در آموزش و پرورش خدشه‌دار شود، همین کم‌توجهی به سواد لازم و مطالعه است. زمانی که همکاران من به هزار و یک دلیل

نمی‌توانند پاسخ‌گوی سؤالات گوناگون و متنوع دانش‌آموز خود باشند، ارزش و اهمیت آن‌ها نزد شاگردانشان تنزل پیدا می‌کند و نمی‌توانند به عنوان مرجعی ارزشمند و قابل اتکا، تکیه‌گامی مطمئن برای آنان باشند.

مجله رشد علوم اجتماعی چه نقشی می‌تواند برای حل این معضل ایفا کند؟

مجلات رشد همگی به عنوان رسانه نقش مهمی در این خصوص دارند. به نظر من جای طرح این مسئله هم به عنوان یک معضل فرهنگی و اجتماعی در همین مجله رشد علوم اجتماعی است. شک نکنیم که این مشکل زمینه فرهنگی و اجتماعی دارد و همکاران اندیشمند جامعه‌شناس ما باید به آن بیندیشند و به نحوی برنامه‌ریزی کنند که این مسئله و حل آن در همان حدی که ممکن است در دستور کار آموزش و پرورش قرار گیرد.

هر کدام از بخش‌ها و معاونت‌های آموزش و پرورش در حد مسئولیت، اختیار و مأموریت‌هایی که دارند، باید به این موضوع آسیب‌زا توجه داشته باشند. در این میان مجلات رشد با آن همه تنوع و گوناگونی که دارند، به خصوص رشد آموزش علوم اجتماعی، باید به عنوان یک رابط و پلی بین اندیشه‌های گوناگون ایفای نقش کنند تا ان شاء الله اتفاق‌های خوبی در این زمینه رخ دهد و مسئله سرانجام پایین مطالعه در درجه اول بین معلمان و سپس در کل جامعه بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

بعد از آن هم هدایت همکاران برای آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای از برنامه‌های دیگری است که باید به آن توجه کرد و در این میان، از جمله منابع و مراجع مورد اطمینان، در دسترس و با محتوا همین مجلات رشد هستند.

شهر سنج

از کجا باید شروع کرد؟

بهترین راهبرد توسعه، مطالعه است. مطالعه و کتابخوانی برای همکاران ما در آموزش و پرورش اولویت دارد و لازم است بخشی از منابع و امکانات موجود را به آن اختصاص بدهیم. ما برای این کار مسئولیت فردی و اجتماعی داریم و نباید از آن غفلت کنیم. از سوی دیگر باید علاقه به مطالعه و کتابخوانی را از همان کودکی در فرزندان و دانش‌آموزان میهنمان ایجاد کنیم تا در وجود و شاکله شخصیتی آنان نهادینه شود و در بزرگسالی به‌عنوان امری پسندیده به آن مبادرت ورزند و آن را در برنامه زندگی روزمره خود قرار دهند.

نظر شما در مورد کتاب‌های علوم اجتماعی چیست؟

حالا که داریم درباره مجله رشد علوم اجتماعی صحبت می‌کنیم، اجازه بدهید من از مدرسه شروع کنم. در دهه‌های اخیر ایوان ایلچ به عنوان یک صاحب نظر اجتماعی، ایده مدرسه‌گریزی یا فرار از مدرسه را مطرح کرد و من گمان می‌کنم سال‌ها پس از طرح این نظریه، ما به همان سو سیر می‌کنیم. فرض‌های آن نظریه هم سه موضوع است که ایشان مطرح می‌کند. زمانی که آموزش و پرورش با این سه موضوع یا سه قید روبه‌رو شود، مدرسه‌گریزی اتفاق خواهد افتاد و مدارس به بازداشتگاه‌های اجباری تبدیل خواهند شد:

اول، قید حضور ثابت دانش‌آموزان است که باید همه روزه از یک ساعت مشخص تا ساعت معین دیگری در مدرسه باشند. دوم، قید سن ثابت است که افراد باید در سنینی خاص دوره مشخصی از تحصیل را طی کنند.

سوم، قید محتوا و مواد درسی و آموزشی ثابت برای تمامی استعدادها و افراد است که در مورد کتاب‌های علوم اجتماعی که شما مطرح کردید هم مصداق دارد.

با نگاهی اجمالی به وضعیتی که در آن به سر می‌بریم، متوجه خواهیم شد که ما اکنون در سیطره این سه قید که آقای ایلچ از آن‌ها به عنوان دام‌های آموزش و پرورش نام می‌برد، قرار داریم.

اما سؤال ما در مورد کتاب‌های درسی علوم اجتماعی بود!

یعنی می‌فرمایید، ارزیابی کتاب‌های درسی در گرو ارزیابی نظام آموزشی است؟

بله! این مسائل بدون ارتباط و جدا از هم نیستند. یکی از سامانه‌های معیوب در نظام‌های آموزشی متمرکز، سامانه‌ای به نام برنامه‌ریزی درسی و آموزشی متمرکز است. یعنی همه دانش‌آموزان حداقل در دوره‌های یکسان تحصیلی افرادی کاملاً مشابهی فرض می‌شوند که باید یک لباس برای آنان دوخت و آن را بر تن ایشان کرد. حال اگر این لباس بر تن یک نفر زار زد و برای دیگری تنگ بود، مقصر خودشان هستند که با هم تفاوت دارند!



همه ما دانش آموز بوده‌ایم و متأسفانه این مشکل را احساس کرده‌ایم. یعنی ما برای دانش‌آموزی که در دبیرستان البرز تهران درس می‌خواند و دانش‌آموزی که در دورترین مناطق مرزی ما در «سرو آباد» در مرز عراق تحصیل می‌کند، یک درس و کتاب و برنامه داریم. ما علاوه بر نادیده گرفتن استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان، تفاوت‌های فرهنگی کلان را هم در نظر نمی‌گیریم؛ خرده فرهنگ‌ها که جای خودشان را دارند. به نظرم برای رفع اساسی این مشکلات باید بنایی نو برای یک آموزش و پرورش پیشرو و موفق بسازیم. شاید «طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش» گامی در این جهت باشد.

چه مشکلاتی در کتاب‌های حوزه علوم اجتماعی وجود

دارد؟

آن قدر فرصت نداریم که به همه موارد بپردازیم، اما برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنم. برای مثال، ما در کتاب‌ها، به هنجارها و ارزش‌ها هم بی‌توجهیم! البته این که می‌گویم «ما» به این معنی است که ما هم در استان خودمان را جدا از بدهنده آموزش و پرورش نمی‌دانیم. در حقیقت همه اعضای پیکره واحدی به نام آموزش و پرورش هستیم. تنها نقش‌های متفاوت است، اما جدای از هم نیستیم.

عرض می‌کردم، در حال حاضر مواردی وجود دارد که شاید در تهران هنجار باشد، ولی در منطقه اورامانات ما ضد هنجار است و اصلاً به این موضوعات توجهی نمی‌شود. من قصد ندارم خیلی به ریز مسائل و مشکلات کتاب‌های علوم اجتماعی بپردازم، قطعاً همکارانم و معلمان و کارشناسان عزیز از این زاویه به مسائل و مشکلات احتمالی خواهند پرداخت. خلاصه صحبت من این است که ما در کتاب‌های علوم اجتماعی هم مانند کتاب‌های دیگر با این مشکلات روبه‌رو هستیم. مسئله مهم این است که چون کتاب‌های علوم اجتماعی در بخشی از مطالب به مسائل روز و نیازهای اجتماعی دانش‌آموزان می‌پردازند، این

اطلاع دارید که در
کشورهای غربی
و اروپا بسیاری از
دانشجویان را با
معدل های متفاوت و
پیشینه های گوناگون
در رشته های مورد
علاقه شان می پذیرند.
اما دانشگاه هایی
هم هستند که فقط
رشته های علوم انسانی
را ارائه
می دهند



منتقل کرده است که علوم انسانی و علوم اجتماعی به اندازه علوم تجربی و ریاضی مهم نیست و آن قدر که آن رشته ها اهمیت دارند، علوم انسانی اهمیت ندارد.

اطلاع دارید که در کشورهای غربی و اروپا بسیاری از دانشجویان را با معدل های متفاوت و پیشینه های گوناگون در رشته های مورد علاقه شان می پذیرند. اما دانشگاه هایی هم هستند که فقط رشته های علوم انسانی را ارائه می دهند. مثل دانشگاه هاروارد که تنها دانشجویان آمریکایی را می پذیرد و رشته های آن هم فقط رشته های علوم انسانی است. البته اگر دقت کنیم، در حال حاضر چرخ مدیریت کشور به دست فارغ التحصیلان و دانش آموخته های علوم انسانی است، اما بر عکس تقاضا و اهمیت این رشته، ما در مبادی ورودی، معمولاً دانش آموزان نخبه و زرنگ را به رشته های علوم ریاضی و علوم تجربی هدایت می کنیم. این ذهنیت و باور در وجود خود ما هم که متولی آموزش و پرورش هستیم، نهادینه شده است و معمولاً در مورد فرزندان خودمان هم با همین ذهنیت عمل می کنیم. ما در استان کردستان هم که زمینه مذهبی خاصی دارد، به ندرت مشاهده می کنیم که افراد فرزندان را برای تحصیل علوم دینی بفرستند و بیشتر به دنبال رشته های ریاضی، تجربی و فنی هستند.

پس خلاصه کلام این است که ما در دروسی مانند علوم اجتماعی با ذهنیتی که وجود دارد، با مشکل اساسی روبه رو هستیم که چون نهادینه شده، در همه استان های کشور فراگیر است. یعنی اگر بخواهیم ریشه ای به موضوع نگاه کنیم، باید نگاهمان را به علوم انسانی تغییر دهیم.

ما هم به عنوان نیروهای صف به الزامات اداری و تکلیفی ملزم هستیم و چون نظام آموزش و پرورش در کلیت خود متمرکز است، ما فقط می توانیم نظرات خود و همکاران را به مرکز منعکس کنیم و هر تغییری قرار است اتفاق بیفتد، باز هم باید با نظر و اقدام دوستان در مرکز باشد.

تفاوت در بی توجهی به نیازهای خاص دانش آموزان به لحاظ شخصی و اجتماعی و احیاناً استانی بیشتر به چشم می آید.

حالا صحبت این است که ما و شما باید این مشکلات را منتقل کنیم تا اصل قضیه درست شود و این درست شدن هم زمان می خواهد. چون آنچه موجود است، در طول زمان به وجود آمده است و باید به مرور زمان حل شود. البته باید توجه داشته باشیم، در حال حاضر و با سرعتی که تحولات دارند، نباید در این زمینه زیاد تأخیر کنیم. چون اگر در آموزش و پرورش به نیاز دانش آموز پاسخ داده نشود، او در جای دیگری به دنبال حل مسئله خودش خواهد بود که شاید پاسخ گرفته شده به دلخواه ما و پسندیده نباشد.

مشکل دیگر حجم کتاب های درسی است. واقعاً آیا حجم موجود پاسخ گوی همه نیازهای دانش آموزان است و یا اصلاً از همین حجم موجود استفاده درست و کارشناسانه به عمل می آید؟

چون موضوع کتاب های علوم اجتماعی عام است، در همه سطوح و حتی در خانواده ها هم در مورد آن صحبت و قضاوت می شود. باید توجه داشته باشیم که این کتاب ها حتی مورد نقد و قضاوت جدی قرار می گیرند و باید حساسیت بیشتری در مورد آن ها داشته باشیم. خانواده ها به حق انتظار دارند که این کتاب ها به جای پرداختن به موضوعات نظری، مقداری هم به نیازهای عملی دانش آموزان بپردازند و یا به عبارت دیگر، تا اندازه ای مهارت های زندگی را به آن ها بیاموزند.

دروس علوم اجتماعی در استان کردستان چه جایگاهی را به خود اختصاص داده است؟

جایگاه علوم انسانی در استان کردستان خیلی متفاوت تر از سایر استان های کشور نیست. از منظر کار حرفه ای، حداقل در دو دهه گذشته برآیند عمل و رفتار آموزش و پرورش با تصویری که در برنامه های متعدد خود ارائه داده، این مفهوم را به اذهان

ما در دروسی مانند علوم اجتماعی با ذهنیتی که وجود دارد، با مشکل اساسی روبه‌رو هستیم که چون نهادینه شده، در همه استان‌های کشور فراگیر است. یعنی اگر بخواهیم ریشه‌ای به موضوع نگاه کنیم، باید نگاهمان را به علوم انسانی تغییر دهیم

وضعیت اوقات فراغت دانش‌آموزان در استان چگونه است؟ در شهرستان بانه این امر مطرح شد که چون دانش‌آموزان بیشتر به دنبال کار و کاسبی هستند، مدارس هم هیچ برنامه مدونی برای اوقات فراغت دانش‌آموزان ندارند. همان‌طور که اطلاع دارید، امسال معاونت پرورشی و تربیت‌بدنی به دو معاونت «پرورشی و فرهنگی» و معاونت «تربیت‌بدنی و سلامت» تقسیم شده است. به نظر می‌رسد که با این تفکیک، معاونت پرورشی و فرهنگی که به نوعی متولی برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت دانش‌آموزان هم هست، فرصت بیشتری برای برنامه‌ریزی در این خصوص خواهد داشت. یعنی با تقسیم اداره فرهنگی و هنری به دو اداره مستقل «فرهنگی» و اداره «هنری»، موقعیت‌های بیشتری به منظور برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت به وجود می‌آید.

اما به نظر من به عنوان ولی دانش‌آموز و نه یک مسئول، دلیل کم رونق بودن برنامه‌های تفریحی و فرهنگی و اوقات فراغت در استان کردستان، پایین بودن میزان مشارکت خانواده‌ها و آن هم به خاطر شرایط مالی نه چندان مطلوب آن‌هاست. درآمد بسیاری از خانواده‌ها در این استان و فقر فرهنگی و کم توجهی خانواده‌ها به این موضوع هم در این امر دخیل است.

ما اخبار مربوط به این موضوع را در استان‌های دیگر و یا در تهران می‌شنویم که حاکی از مشارکت خانواده‌ها در هزینه‌های اداره مدارس و از جمله هزینه‌های اوقات فراغت و

یا اردوهای تفریحی و فرهنگی است. اما در استان کردستان باید این برنامه‌ها را فقط با استفاده از سرانه‌های دانش‌آموزی پیش ببریم که تکافوی گسترش و توسعه برنامه‌ها را نمی‌دهد.

فقر در این استان هم زمینه‌های متفاوتی دارد. لطمات وارده به استان در زمان جنگ و درگیری‌های ضد انقلاب، فقدان زیرساخت‌های صنعتی و نیز اقتصادی که در مناطق مرزی شاید مبتنی بر کول بری و کالای قاچاق باشد و مسائلی از این دست، باعث شده است که بسیاری از خانواده‌ها نتوانند آن‌گونه که شایسته و مورد انتظار است، در اموری که به آن‌ها اشاره شد، مشارکت داشته باشند.

در استان کردستان تنها یک دانشگاه دولتی وجود دارد که همان دانشگاه کردستان است.

با توجه به طرح مسئله کول بری از سوی جناب عالی، بفرمایید وضعیت کالای قاچاق تا چه حد روی تحصیل دانش‌آموزان تأثیر داشته است؟

طبیعی است که این امر بر تحصیل دانش‌آموزان، به‌خصوص در مناطق مرزی، تأثیر منفی داشته است. وقتی که برای دانش‌آموزی که هنوز به درجه‌ای از رشد و تشخیص نرسیده است که بتواند مصلحت دراز مدت خود را تشخیص دهد، فرصت کسب درآمد ایجاد می‌شود، او به راحتی درس و مشق را که شاید برایش زیاد دلپذیر هم نباشد، رها می‌کند و به دنبال آن درآمد فوری و وسوسه‌انگیز می‌رود. خصوصاً این



موضوع وقتی جدی تر و حادثه‌تر می‌شود که خانواده دانش‌آموز هم به این درآمد و دسترنج فرزندشان نیاز داشته باشند. ما در مناطقی مانند بانه که در نقشه جغرافیایی هم به لحاظ خط مرزی در مجاورت خاک عراق قرار گرفته‌اند، تراکم روستاها را داریم و به همین دلیل تراکم جمعیت هم نسبت به بقیه مناطق استان وجود دارد. به همین دلیل افراد نیاز بیشتری به کار از سنین پایین دارند. از طرف دیگر، شغل‌هایی مثل کول بری تخصص خاصی نمی‌خواهد و علی‌رغم خطراتی که دارد، برای نوجوانان و جوانان که بیشترشان در سن دانش‌آموزی هستند، جذابیت‌های خاص خود را دارد.

همان‌طور که اطلاع دارید، در مهرماه ۱۳۸۸ «آیین نوروز» با محوریت ایران، پس از طرح در «کمیته بین‌دولتی حفاظت از میراث ناملموس یونسکو» به عنوان یک اثر معنوی، ثبت جهانی شد. لطفاً از نوروز و از تأثیرات اجتماعی آن بر جامعه و جامعه دانش‌آموزی در این استان بگویید.

اول فروردین با آغاز بهار و نوروز همراه است. این روز برای ایرانیان شروع سال جدید خورشیدی است. یکی از سنت‌های حسنه و بارز عید نوروز که تا روز سیزدهم جریان دارد، دید و بازدید است که میان فامیل، دوستان و آشنایان انجام می‌گیرد و در کتاب‌های روایی ما به عنوان «صله رحم» از آن یاد شده است. نوروز بزرگ‌ترین جشن ایرانیان باستان برابر اول فروردین خورشیدی و ۲۱ مارس است. ایرانیان باور دارند که در این روز آفرینش نهایی جهان به پایان رسید. در شش روز برگزاری

جشن نوروز، آیین‌های ویژه‌ای برگزار می‌شد که بسیاری از آن‌ها هنوز برجای مانده‌اند. ایرانیان برای این جشن، خانه‌های خود را پاکیزه می‌کردند، مکان برپایی جشن را می‌آراستند، روی میز کوزه‌های آب، گلدانی از گل و آتشی افروخته می‌گذاشتند. همچنین در سپیده دم نوروز، بدن خود را با آب شست‌وشو می‌دادند و پاکیزه می‌کردند. از دیگر آیین‌های نوروز، پوشیدن جامه نو، آراستن سفره هفت‌سین و کاشتن سبزی در هفت گونه دانه بود و هر یک از دانه‌ها که می‌رویید، نشانه رونق کشت آن دانه در آن سال بود. این آیین ارزش کشت و کار را در میان ایرانیان باستان نشان می‌دهد.

همین که سال نو در شهرها با شلیک توپ و در روستاها با نواختن طبل تحویل می‌شود، یک نفر از اعضای خانواده که سواد داشت، دعای تحویل سال نو را که بعد از اسلام معمول شد، می‌خواند و همه آمین می‌گفتند. وقتی سال تحویل می‌شد، همه به قرآن و آینه و آب و ماهی و سبزه نگاه می‌کردند و سال نو را به هم تبریک می‌گفتند. بزرگ‌ترها برای افراد خانواده در سال نو سلامت و تندرستی، خوشوقتی، و خیر و برکت آرزو می‌کردند و پدر و مادرها به بچه‌ها و خدمتکاران خانه عیدی می‌دادند.

نوروز در استان کردستان و در میان قوم کرد از دیگر اقوام ایرانی از قدمت و سابقه بیشتری برخوردار است. به نظر می‌رسد که از این رسم پسندیده در این استان برای ایجاد همدلی و صمیمیت بین مردم در گذشته‌های نه چندان دور به خوبی

نوروز - جشن آتش در کردستان
عکاس: بهمن شهبازی



به نظر من به عنوان کارشناس آموزش و پرورش، هویت ملی و هویت دینی ارتباط وثیقی دارند که تفکیک و جدایی بین آن‌ها غیرممکن است. در کشور پهناور ایران هم این ارتباط و پیوستگی چنان با هم عجین شده‌اند که اساساً تفکیک و جدایی بین آن‌ها به راحتی قابل تصور نیست. تصور من این است که ما در این زمینه کم کار کرده‌ایم و به همین دلیل ظرفیت‌های نهان و فراوان این رسوم و آداب اجتماعی به خوبی شناخته نشده‌اند و به همان میزان هم کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

استفاده می‌شده و اثرات اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی هم داشته است.

در مورد آیین‌هایی مثل نوروز که فراگیر هستند و به عنوان بخشی از فرهنگ کشور به شمار می‌روند، آیا می‌توان بین هویت دینی و ملی تفکیک قائل شد؟

به نظر من به عنوان کارشناس آموزش و پرورش، هویت ملی و هویت دینی ارتباط وثیقی دارند که تفکیک و جدایی بین آن‌ها غیرممکن است. در کشور پهناور ایران هم این ارتباط و پیوستگی چنان با هم عجین شده‌اند که اساساً تفکیک و جدایی بین آن‌ها به راحتی قابل تصور نیست. تصور من این است که ما در این زمینه کم کار کرده‌ایم و به همین دلیل ظرفیت‌های نهان و فراوان این رسوم و آداب اجتماعی به خوبی شناخته نشده‌اند و به همان میزان هم کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

گاهی مطرح می‌شود که از طریق همین آیین‌ها آسیب‌هایی هم به جامعه وارد می‌شود. آیا باید آن‌ها را نادیده گرفت؟

پاسخ این سؤال روشن است. هیچ‌کس از آسیب و خسارت استقبال نمی‌کند. البته هر پدیده و رسم و رسومی ممکن است به شایستگی و به نحو مطلوب و پسندیده مورد استفاده قرار نگیرد و یا احیاناً انحرافات و کجروی‌هایی در طول تاریخ در آن ایجاد شود. این موضوع نباید باعث شود که ما با اصل مسئله که می‌تواند ارزشمند هم باشد، مخالفت کنیم و خودمان را از ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی آن محروم سازیم.

گاهی هم افراط و تفریط صورت می‌گیرد و ما به شکل سیاه و سفید مسائل را می‌بینیم و در واقع از حقیقت قضیه و راه میانه‌ای که وجود دارد، غافل می‌شویم. در حقیقت از مسیر اعتدال خارج می‌شویم و به وادی افراط و تفریط می‌غلطیم و در وادی افراط و تفریط بسیاری از فرصت‌ها را از دست می‌دهیم. ما مسلمانیم و در همه موارد تکالیف دینی ما توسط دین مبین اسلام مشخص شده است. پس در مورد آداب و رسوم با قدمتی مانند عید نوروز هم می‌توانیم با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، از ظرفیت عظیم این آداب و رسوم آن‌گونه که شایسته اعتقادات دینی ماست، بهره ببریم.

پرداختن و توجه به آیین‌هایی مثل نوروز، چه دستاوردهایی می‌تواند برای کشور داشته باشد؟

عکاس: بهمن شهبازی



ایران به عنوان کشوری پهناور، بزرگ، با فرهنگ و دارای ارزش‌های دینی و ملی، این زمینه را دارد که با مراسم و آداب مشترکی مانند نوروز، پیوند بیشتری بین اقوام مختلف آن که زیر پرچم ایران اسلامی متحد شده‌اند و گرد هم آمده‌اند، برقرار کند و وحدت و همدلی بیشتری را نیز بین این ملت واحد گسترش دهد.

شکی نیست و همان‌گونه که همه شنیده‌ایم، نوروز به مفهوم نو شدن و آغاز یک زندگی جدید که باید با تجدید نظر در رفتار انسان‌ها برای زندگی بهتر و سالم‌تر همراه باشد، ریشه در مبان‌ی دینی ما هم دارد. اما همه ساله زمانی که قرار بود من مقدمه‌ای برای پیک‌های نوروزی یا نشریاتی از این دست بنویسم، واقعاً با کمبود مطلب در این زمینه روبه‌رو می‌شدم. این موضوع نشان می‌دهد که ما به هر دلیل در این زمینه به میزان لازم کار نکرده‌ایم و باید بیشتر کار کنیم.

نقش رسانه‌های مانند مجله رشد علوم اجتماعی با مخاطبان خاص خود، در این زمینه چه می‌تواند باشد؟

مجله‌های مانند علوم اجتماعی که حتماً زمینه‌های جامعه‌شناختی و جامعه‌شناسی را هم مورد توجه قرار می‌دهد، می‌تواند در این خصوص نقش مهمی داشته باشد. همین امر که شما در خصوص نوروز و جایگاه استانی آن در این استان طرح موضوع کرده‌اید، نشانگر آن است که به این امر مهم توجه دارید و ان‌شاءالله این نشریه‌وزین نقش خود را در این زمینه‌ها می‌شناسد.

شاید هنوز هم پاسخ این سؤال برای بسیاری روشن نباشد که: «آیا بین برپایی مراسم با شکوه عید نوروز و اعتقادات اسلامی ما تناقض وجود دارد؟» البته با اتفاقاتی که در سال‌های اخیر افتاده و ثبت عید نوروز به عنوان یکی از رسوم ملی ایران و کشورهای منطقه در سازمان علمی و فرهنگی یونسکو، این مسئله تا حد زیادی در اذهان عمومی حل شد. اما هنوز هم جا دارد که بزرگان و علمای ما در این خصوص کار بیشتری انجام دهند تا بتوانیم از این آداب و رسوم ملی بهره بیشتری ببریم.

کیفیت برگزاری آیین نوروز در حال حاضر در این استان چگونه است؟

در کردستان هم مانند همه جای ایران، اصل آداب و رسوم عید نوروز تقریباً ثابت بوده است. البته با توجه به رسم و رسوم محلی این استان می‌توان تفاوت‌هایی در آن ملاحظه کرد. آداب و رسوم نوروزی طی دهه‌های اخیر در همه جای کشور با اتفاقات و رسوم جدیدی که گاهی آسیب‌زا هم بوده‌اند، در آمیخته و ویژگی‌های خاصی پیدا کرده است. فرض بفرمایید، تشریفات و هزینه‌های بی‌موردی که گاهی صورت می‌گیرد، در اینجا هم وجود داشته است. اما آنچه ما از آن به عنوان وجه ایجاد همدلی و صمیمیت از آن یاد می‌کنیم، موضوعاتی مانند دید و بازدید،



نشست و برخاست‌های فامیلی و محله‌ای، صله ارحام، نو شدن و توجه به تمیزی و زیبایی است که هیچ‌کس نه از وجه ملی و نه از وجه مذهبی با آن مخالف نیست. همان‌طور که در ابتدای عریضم اشاره کردم، اساساً خیلی نمی‌توان تفکیکی بین وجوه ملی و مذهبی این مراسم قائل شد.

خلاصه صحبت من این است که نوروز در گذشته خیلی پرنرنگ‌تر از حالا برگزار می‌شد و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی مثبت زیادی هم داشت. اصلاً یکی از نقش‌های حاکمیت و نهادهای فرهنگی و اجتماعی هم همین است که آداب و رسوم رایج بین اقوام گوناگون یک ملت و ملیت را، گسترش دهند و با ایجاد زمینه‌های سالم برای برگزاری آن، همدلی، صمیمیت و وحدت بیشتری در کشور حاکم کنند.

شاید سال‌ها و قرن‌ها طول بکشد که چنین ظرفیت‌هایی ایجاد شود. پس حالا که این ظرفیت در فرهنگ و اجتماع ما وجود دارد، بهتر است که آن را بهتر و بیشتر به خدمت بگیریم و از آن برای اهداف مشترک و ملی خودمان استفاده کنیم.

به چند مورد از تأثیرات مثبت توجه به آیین‌های مربوط به نوروز در این استان اشاره کنید.

مردم در استان کردستان از قدیم‌الایام به وجه مثبت این آیین توجه داشته‌اند. در ایام نوروز حال و هوای خوبی بر جامعه حاکم می‌شود. مردم به یکدیگر و همسایگان خود بیشتر توجه می‌کنند. احوال یکدیگر را بیشتر می‌پرسند. به دستگیری مستمندان می‌روند. سعی می‌کنند با فرا رسیدن بهار و نو شدن طبیعت در احوال شخصی و زندگی فردی و اجتماعی خود تجدیدنظر کنند و خود را برای زندگی بهتر و با طراوت‌تر آماده کنند. شهر با نشاط‌تر و زیباتر می‌شود و فضای دل‌نشینی بر شهر و استان حکم‌فرما می‌شود. اما به نظر من می‌توان این زیبایی و نشاط را که حتماً در سرتاسر کشور هم هست، با یک مدیریت و هدایت ملی به حرکتی میهنی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی تبدیل کرد. می‌توان ظرفیت و انرژی بیشتر و مضاعفی را آفرید که حتماً مؤثرتر و اثرگذارتر خواهد بود.

به نظر من باز هم مجلات رشد و به‌خصوص رشد علوم اجتماعی به لحاظ قدرت رسانه‌ای که دارند، می‌توانند در این زمینه نقش‌آفرین باشند. طرح این موضوع بین مسئولان و صاحب‌نظران و انعکاس آن به مخاطبان کمک خواهد کرد که وحدت نظر و اشتراک مفهوم بیشتری در این خصوص پدید آید. اگر موضوعی بین مخاطبان شما مطرح و برجسته شود، قطعاً به سطح خانواده‌ها هم راه پیدا خواهد کرد.

البته به نظر می‌رسد شما باید با رویکردی تازه و نو به این موضوع بپردازید. مردم کشور بزرگی مانند ایران که دشمنان زیادی هم دارد، مشترکات فراوانی دارند که برخی از آن‌ها در آداب و رسومی مانند عید نوروز تجلی پیدا می‌کنند. زاویه‌ای نو

و نگاهی تازه به این موضوع است که می‌توان بحث‌های زیادی را بین عموم و صاحب‌نظران و مسئولان مطرح کند.

با توجه به نگاه مثبتی که به این آیین دارید و اشاراتی که به اثربخشی آن در مراودات اجتماعی و ملی داشتید، چه پیشنهادی برای توسعه آن دارید؟

اگر اراده ملی بر این امر قرار گیرد که از این ظرفیت عظیم استفاده شود، حتماً برنامه‌ها و طرح‌های زیادی هم در دستور کار قرار خواهد گرفت. فرض بفرمایید اگر در ایام نوروز و بهار این فرصت فراهم شود که با برپایی تورهای ایران‌گردی مردم بتوانند با مردم و اقوام دیگر مناطق بیشتر آشنا شوند، چه اتفاقات خوبی خواهد افتاد. یا اینکه مثلاً دانش‌آموزان استان‌ها بتوانند

در این ایام به استان‌های دیگر سفر کنند و در کنار خانواده‌های دانش‌آموزانی که میهمان آن‌ها هستند، با آداب و رسوم آن‌ها آشنا شوند. به این ترتیب، خودبه‌خود عید نوروز بهتر مدیریت می‌شود و استفاده بیشتری هم از این ظرفیت آماده و تاریخی

به عمل خواهد آمد. البته دیگر نهادهای فرهنگی و از جمله رسانه ملی در این میان نقش مهمی دارد. صدا و سیما می‌تواند سال‌هاست که اطلاعات و برنامه‌های تکراری و سنتی خود را در

ایام نوروز پخش می‌کنند. مسئولان محترم این رسانه هم باید به کمک دیگر متولیان فرهنگی بیایند و با برنامه‌ریزی و طراحی مناسب، از نگاه و منظری نو و جدید و جذاب به این موضوع نگاه

کنند تا نسل حاضر و جوان ما احساس کند با پدیده‌ای تاریخی روبه‌روست که می‌تواند در این زمانه هم به نیازها و تقاضاهای او جواب دهد. شاید لازم باشد برخی کلیشه‌های تکراری شکسته

شوند و با رویکرد اقتضایی به نیازهای نسل معاصر جواب داده شود که در این خصوص هم باید ارزش‌ها حفظ شوند و هم سیاست‌های لازم اتخاذ و برنامه‌ریزی‌های مناسب انجام شود.

سعی می‌کنند با فرا رسیدن بهار و نو شدن طبیعت در احوال شخصی و زندگی فردی و اجتماعی خود تجدیدنظر کنند و خود را برای زندگی بهتر و با طراوت‌تر آماده کنند. شهر با نشاط‌تر

و زیباتر می‌شود و فضای دل‌نشینی بر شهر و استان حکم‌فرما می‌شود

عکاس: رضا معتمدی

اورامان و پیرشالیار

دکتر حبیب‌الله فصیحی

افسانه‌های از اورامانات

در انتهای جاده آسفالتۀ اورامان به جایی می‌رسیم که پشت‌بام هر خانه، حیاط خانه‌ای دیگر است. اینجا اورامان تخت است؛ روستایی با قدمت چند صد ساله، با فرهنگ و آدابی که یادگار دوران زرتشت است. آیین اهوراستایی هنوز در حافظه تاریخی برخاسته از نیاکان مردم این منطقه جای دارد و آن را پاس می‌دارند. مردمان اورامان تخت، هر سال دو بار در نیمه بهار و نیمه زمستان عروسی پیرشالیار را جشن می‌گیرند، ذکر می‌گویند و خدا را یاد می‌کنند.

در افسانه‌های مردم منطقه اورامانات، پیری اسطوره‌ای به نام پیرشالیار هست که می‌گویند صاحب کرامات بوده است. از جمله کرامات عجیبی که درباره او روایت می‌کنند، ماجرای شفا یافتن شاه‌بهار خاتون، دختر شاه بخاراست که پیرشالیار او را شفا می‌دهد. ماجرا از این قرار بوده است که شاه بهار خاتون کر و لال است و تمام طبیبان از مداوای او عاجز می‌مانند.

تا این که آوازه پیرشالیار اورامی به بخارا می‌رسد. پادشاه بخارا هم شرط کرده است که هر کسی دخترش را شفا دهد، او را به عقد وی درمی‌آورد. بالاخره عموی پادشاه با عده‌ای از اطرافیان پادشاه به سمت اورامان به راه می‌افتند تا دختر را نزد پیرشالیار ببرند. وقتی که نزدیک روستای «اورامان تخت» می‌رسند، گوش‌های دختر به‌طوری آنی شنوا می‌شوند. وقتی هم به نزدیکی‌های خانه پیرشالیار می‌رسند، صدای نعره دیوی توجه آن‌ها را جلب می‌کند. دیو از تنوره‌ای که هم‌اکنون اهالی به آن «تنوره دیوها» می‌گویند و نزدیک خانه پیرشالیار قرار دارد، بر زمین می‌افتد و کشته می‌شود. در این هنگام زبان شاه بهار خاتون هم باز می‌شود و شروع به صحبت می‌کند.

هر سال در آغاز چله کوچک، حدود ۴۵ روز بعد از آغاز زمستان (در روزهای ۱۵ تا ۲۰ بهمن‌ماه)، مراسم عروسی پیرشالیار برگزار می‌شود.

درباغ پیرشالیار

قبل از مراسم، در اولین هفته بهمن‌ماه، گردوهایی که از باغ پیرشالیار چیده شده برای اهالی ارسال می‌شود. به این ترتیب اهالی از شروع مراسم باخبر می‌شوند، کودکان روستا که وظیفه تقسیم این گردوها را بین اهالی روستا برعهده دارند. صبح چهارشنبه و قبل از طلوع آفتاب به گروه‌های سه یا چهار نفری تقسیم می‌شوند و با حضور در برابر در خانه‌ها و با در زدن و گفتن کلمه «کلاروچنه» حضور خود را در محل اعلام می‌کنند. سپس صاحب‌خانه نیز در قبال برداشتن چند عدد گردو از کیسه کودکان به آن‌ها تنقلات هدیه می‌دهد.

در دومین مرحله از مراسم که شب چهارشنبه بعد آغاز می‌شود، بچه‌های روستا پیش از طلوع آفتاب به پشت‌بام

می‌روند و با خواندن اشعار و گرفتن هدایایی از اهالی، از برآمدن خورشید و آغاز مراسم قربانی خبر می‌دهند. با طلوع اولین اشعه آفتاب، نوبت به ذبح گوسفندان و گاوهای قربانی می‌رسد. هر ساله تعداد زیادی گوسفند که نذورات مردم برای پیرشالیار است، صبح روز چهارشنبه قربانی می‌شوند. این دام‌ها توسط اهالی و یا افرادی از روستاهای دیگر در اواخر فصل پاییز برای متولی فرستاده می‌شوند و او در فصل زمستان از آن‌ها نگهداری و در روز جشن آن‌ها را قربانی می‌کند. تعداد گوسفندان قربانی شده گاه به ۷۰ تا ۸۰ رأس نیز می‌رسد. گوشت‌های قربانی را بین اهالی تقسیم می‌کنند. با مقداری از آن گوشت نوعی آش به نام «ولوشین» می‌پزند و روز برگزاری مراسم، آن را بین اهالی تقسیم می‌کنند.

مراسم با دف زدن و پایکوبی ادامه می‌یابد. به این ترتیب که پس از نماز عصر، مردم جلوی خانه پیرشالیار گرد هم می‌آیند و مراسم دف‌زنی آغاز می‌شود. این بخش از مراسم بیشترین تماشاگر را دارد. مردم روی پشت‌بام خانه‌های اطراف به تماشای مراسم می‌نشینند. در گذشته زنان هم از فواصل دورتر مراسم را نگاه می‌کردند، اما در سال‌های اخیر به آن‌ها اجازه نمی‌دهند در طول برگزاری مراسم ذکر و دف‌زنی بیرون بیایند. دف‌زنان این مراسم در سال‌های گذشته از طایفه سادات و رحمتی بودند، اما در حال حاضر دف‌زنی برعهده طایفه خاصی نیست. رقص این مراسم مذهبی بیشتر ذکر و سماع درویشی است. بنابراین درویش از روستاها و شهرهای اطراف به اورامان می‌آیند تا این وظیفه را انجام دهند. در مواردی هم آن‌ها به تیغ‌زنی و خوردن اشیا دست می‌زنند و باعث بالا رفتن هیجان مردم می‌شوند. البته روحانیون و صوفیان، درویش را از انجام این کار منع می‌کنند.

هلوشینه تشه غذای مراسم پیرشالیار

پس از انجام قربانی، پخت غذای مخصوص مراسم پیرشالیار (هلوشینه تشه) آغاز می‌شود. این کار در خانه پیرشالیار و توسط مردان انجام می‌گیرد. برای پخت این غذا از بلغور، گوشت، جگر و... استفاده می‌شود. با شروع مراسم دف‌زنی تقسیم غذا هم آغاز می‌شود. عده زیادی برای گرفتن غذا به جلوی در خانه پیرشالیار می‌آیند و از غذا به‌عنوان تبرک می‌خورند. همچنین آن را به خانه هم می‌برند تا زنان و کودکان نیز از این غذا بخورند.

پس از اتمام مراسم روز اول و فرا رسیدن شب، تقسیم گوشت قربانی بین مردم آغاز می‌شود و مردم برای گرفتن گوشت تبرک به خانه پیرشالیار می‌روند و در مقابل مقداری پول به متولیان مراسم می‌دهند.

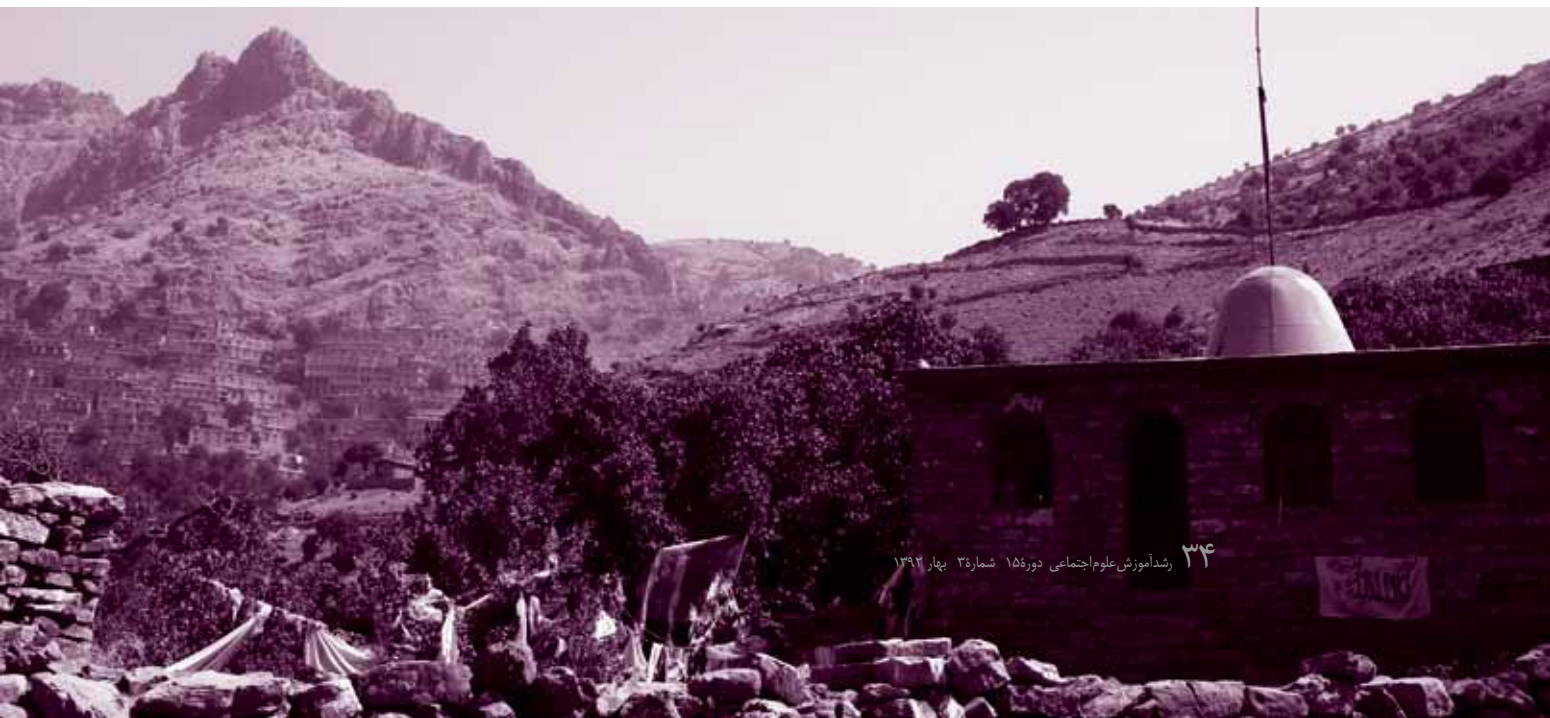
بعد از ظهر روز پنج‌شنبه و بعد از نماز عصر، دف‌زنی جلوی خانه پیرشالیار دوباره از سر گرفته می‌شود. این مراسم مانند روز

می‌دهد. «مراسم تری» آخرین بخش از مراسم پیرشالیار است و با اتمام آن مراسم هم به پایان می‌رسد. به نظر می‌رسد این مراسم که هم‌زمان با جشن سده برپا می‌شود، یادگار روزگار پرستش مهر در این سامان است. مراسمی که در آن، ایزد مهر برکت بخشنده را در چهلمین روز زایشش - در آن هنگام که زمین نفس می‌کشد و گوسفندان بار بر زمین می‌نهند - می‌ستاید و با ریختن خون قربانی، یاد ایزد حامی دهقانان و تولیدکنندگان را که با کشتن گاو باعث برکت کشت و دام و رویدن رستنی‌ها و گیاهان سودمند و خرمی و شادی ما در زمین می‌شود، گرامی می‌دارد. پیرامون او در مهرابه‌های باستانی بقایای متبرک را که در شمعدان سنگی است، بر سکوه‌های چوبی پاس می‌دارند و جانشین او پیری است با کراماتی شبیه او. در نیمه بهار نیز مراسمی با عنوان «کمسای» با حضور خیل عاشقان و دین‌داران برگزار می‌شود. در مورد گذشته و تاریخ مراسم «کمسای» سندهای فراوانی موجود است. مستندترین آن‌ها چنین است که مردم این منطقه در سال‌های قبل از اسلام در آغاز فصل بهار در محل زیارت پیرشالیار حضور می‌یافتند و با راز و نیاز با خداوند متعال و دعای خیر برای سالی پر از سلامتی و برکت، راهی خانه باغ‌های خود می‌شدند. از آن زمان تاکنون مردم این منطقه این مراسم را هر چه باشکوه‌تر برگزار می‌کنند. معنای واژه «کمسای» در منابع موجود به همکاری و مشورت باز می‌گردد. به همین دلیل هم عده‌ای معتقدند کمسای برای نشان دادن تعاون و همکاری مردم هر ساله برگزار می‌شده است. در این مراسم که از ساعت ۱۰ صبح آغاز می‌شود، همه مردم روستای اورامان و روستاهای نزدیک آن در محل زیارتگاه پیرشالیار حاضر می‌شوند و با دفنوازی و خواندن اوراد با خدای خود راز و نیاز می‌کنند. بعد از این کار همه به دیدن عبادتگاه پیرشالیار می‌روند و سپس روی قطعه سنگ صافی که در آن

قبل است و در آن برای روز دوم دوباره غذا تقسیم می‌شود. پنج‌شنبه شب و بعد از نماز مغرب، مردم به خانه پیرشالیار می‌روند. در این مراسم روحانیون هم شرکت می‌کنند. در گذشته جایگاه هر طایفه در داخل خانه پیرشالیار مشخص بود. در این شب مهمانان ابتدا از غذای مخصوص می‌خورند، سپس ذکر، سخنرانی، دفزنی و... برگزار می‌شود. پس از آن گیوه پیرشالیار را در می‌آورند و آن را زیارت می‌کنند. عده زیادی آن را می‌بوسند و عده‌ای دیگر آن را به‌دست و پاهای خود می‌زنند. این کار پس از ذکر و دفزنی و هنگامی انجام می‌گیرد که روحانیون خانه پیرشالیار را ترک کرده‌اند. در صبحگاه سومین جمعه بهمن‌ماه مردم به زیارت پیرهای اورامان می‌روند. هر طایفه به زیارت پیری می‌رود که خود را از نسل او می‌داند. طوایف به زیارت پیرهایی مانند **پیر خالد، شالیار سیاو، سیدبیل و پیر محمد رستم** می‌روند. چند طایفه هم به زیارت پیرشالیار می‌روند. هر کدام از افرادی که به این مراسم می‌روند، همراه خود نان مخصوص این مراسم را که به آن «گیته مه ژگه» می‌گویند، می‌برند. گیته مه ژگه از خمیر، مغز گردوی خرد شده و بعضی ادویه تهیه می‌شود و رنگ آن طلائی است. مردم پس از رسیدن به مزار پیرها نان‌ها را در یک جا جمع می‌کنند و پس از مخلوط کردن، آن‌ها را دوباره تقسیم می‌کنند و با ماست آن‌ها را به‌عنوان تبرک می‌خورند.

زیارت پیره‌وه‌تی

آخرین گروه بر سر مزار پیرشالیار می‌آیند و قبل از رسیدن به پیرشالیار، به زیارت **پیره‌وه‌تی** که نزدیک پیرشالیار است، می‌روند. پس از رسیدن به پیرشالیار ذکر و دفزنی شروع می‌شود و پس از آن شروع به تقسیم نان‌ها می‌کنند. سپس به روستا برمی‌گردند و تا نزدیکی روستا چند نفر دف می‌زنند. یک نفر از پیرشالیار مقداری گیته مه ژگه با خود به روستا می‌آورد و نزدیک روستا به دختران و کودکان



محل قرار دارد، حضور می‌یابد و به وسیله سنگ‌ریزه‌های فراوان سعی می‌کنند که از سنگ موجود قطعه‌ای جدا کنند و به‌عنوان تبرک با خود به همراه داشته باشند. آن‌ها معتقدند که وجود این سنگ در خانه آن‌ها باعث برکت و موفقیت خواهد شد. بعد از این کار اکثر مردم روستا با پختن «پیراق» که در زبان فارسی آن‌ها را «دلمه» می‌نامند، تمامی حاضران در محل را مهمان خود می‌کنند. هر چند که در گذشته این غذا به‌وسیله یک گیاه محلی به نام «پیچک» و بلغور پخته می‌شد، ولی امروز «پیچک» جای خود را به پیاز، و بلغور نیز جای خود را به برنج داده است. بعد از صرف غذای محلی، افراد حاضر رهسپار مسجد می‌شوند و نماز جمعه را باشکوه خاصی در مسجد تاریخی روستای اورامان که با شیوه‌های هنرمندانه و با استفاده از وسایل محلی مرمت و بازسازی شده است، به‌جای می‌آورند.

پیرشالیار کیست؟

پیرشالیار فرزند شخصی به نام **جاماسب**، یکی از رهبران و مغان آیین زردشت بوده است. وی در اورامان می‌زیسته و مردی دانا و آگاه با طبعی روان بوده است. **ایم مغ**، کتابی را به نام «مارفته‌تو پیرشالیاری» (معرفت پیرشهریار) به لهجه کردی اورامی به نظم درآورده که مشتمل بر امثال و حکم و پند و اندرز با ذکر نکاتی چند از آداب و رسوم آیین باستانی و تأکید و توصیه در جهت حفظ و نگهداری آن است. این کتاب اکنون نایاب است و فقط عبارات و ابیاتی از آن را برخی از مردم آن سامان در حفظ دارند و در مواردی به جای مثل به کار می‌برند. در این کتاب منظوم، بعد از هر دو بیت، بیتی تکرار شده است به این مضمون: گوشه‌ت چه واتئه پیرشالیار بوو هوشه‌ت چه کیاسته زانای سیمیار بوو (به گفته پیرشهریار گوش بده، و برای درک نوشته زردشت، دانا و هوشیار باش)

چندبند از آن منظومه از این قرار است:
داران گیان‌داران، جهرگ و دل به‌رگن
گایی پر به رگن گایی بی به رگن
که ره گ جه هیلین، هیلی جه که رگن
رواس جه رواس ورگن ن جه ورگن
(درختان جان دارند، جگر و دلشان برگ است، گاهی برگ و گاهی بی‌برگ‌اند. مرغ از تخم است، و تخم از مرغ.
روبا از روبا است و گرگ از گرگ)
وهوری وهوارو، وه وره وه رینه
وریه، بریو چوارسه رینه
که رگی سیاوه هیلین چه رمینه
گوشلی مه مریو دوی درینه
(برفی می‌بارد که برف خوره است، و رسن که پاره شود، چهارسر پیدا می‌کند. ماکیان سیاه، تخمش سفید است، دیگچه که سوراخ شد، دو در پیدا می‌کند) برخی از دانشمندان کرد معتقدند که پیرشالیار در اواخر زندگی دین اسلام را قبول کرد و کوشید تا مردم این سامان را با این آیین مبین آشنا سازد، اما توفیقی حاصل نکرد. در اواخر قرن پنجم هم رو در نقاب خاک کشید. اما از روی قراین می‌توان دریافت، این پیرشالیار (پیراول) در اواخر قرن اول می‌زیست و بر همان عقیده و آیین کهن تا واپسین دم باقی ماند. زیرا اولاً در قرن چهارم و پنجم و حتی سوم، دین اسلام در سراسر منطقه اورامان گسترش پیدا کرده بود و همه اهالی این دیار به اسلام گرویده بودند. ثانیاً اسلام آوردن پیرشالیار اول نیز نمی‌تواند مقرون به صحت باشد. زیرا اگر اسلام آورده بود، منظومه خود را با همان مضامین که حاکی از مجوسیت اوست باقی نمی‌گذاشت، بلکه آن قسمت را که مربوط به آیین کهن و توصیه درباره حفظ آن و نگاه‌داشتن آن است، تغییر می‌داد؛ همچنان که پیرشالیار دوم که مسلمان بود، دست به این کار زد.

تشنه مشاوره‌های کارا

چهار میزگرد با دانش‌آموزان
شهرهای سنندج، مریوان، بیجار و بانه

اشاره

محتوای گزارش پیش رو از مجموعه چهار میزگرد دانش‌آموزی در شهرهای سنندج، مریوان، بیجار و بانه شکل گرفته است؛ میزگردهایی که از گروه‌های ۵ تا ۱۱ نفره دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر تشکیل شده‌اند. موضوع این گفت‌وگوها طرح مشکلات آموزشی و دغدغه‌های جامعه دانش‌آموزی بود. بدیهی است، از آنجا که حوزه مسائل مطروح بسیار وسیع و فراگیر بود، صرفاً مباحثی با بیشترین فراوانی در گزارش منعکس شده است. همچنین، اهتمام گزارشگر بر طرح و انتقال دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات دانش‌آموزان بوده است که می‌تواند مورد ارزیابی و بررسی‌های دقیق‌تر قرار گیرد. به دلیل فرا رسیدن سال نو، در این گزارش «آداب و رسوم مردم کردستان در نوروز» معرفی و تشریح شده است.





نوروز در آینه کردستان

نوروز یکی از مهم‌ترین اعیاد ایرانیان است. در این بین، مرز نشینان کردستان به عنوان ایرانیانی اصیل نوروز را که نمادی از رستاخیر طبیعت است، عزیز و گرامی می‌دارند. پیشینه نوروز به اقوام کهن‌تر از اقوام آریایی و اجداد هند - آریایی آنان بازمی‌گردد. در اساطیر ایران، پیدایش نوروز را به بر تخت نشستن **جمشید پیشدادی** نسبت داده‌اند. اما مردم کردستان مبدأ نوروز را داستان **کاوه آهنگر و ضحاک** می‌دانند.

در افسانه‌ها آمده است، هنگامی که کاوه بر ضحاک پیروز شد، مردم به مناسبت این پیروزی بر کوه‌ها آتش افروختند و دست در دست هم به شادمانی پرداختند که این پیروزی با آمدن بهار همراه شده بود. همچنان که در بسیاری از مناطق ایران، هر قوم و قبیله آداب و رسوم مختص به خود دارند، مردم کردستان نیز از این قاعده مستثنا نیستند و در عین همگونی و هم‌نوایی با کل کشور، جشن‌ها و سنت‌های ویژه خود را دارند.

شاخص‌ترین نماد فرهنگ کردی در نوروز «لباس کردی» است. مردم کردستان مقید هستند که در جشن‌ها و مراسم رسمی حتماً از لباس سنتی خود استفاده کنند. پوشاک نواحی متفاوت کردستان، مانند اورامان، سقز، بانه، گروس، سنج، مریوان و ... با هم تفاوت دارند، اما از نظر پوشش کامل بدن، همه با هم یکسان هستند. این لباس‌ها برگرفته از سنت‌ها و آداب و رسوم نیاکان و نیز سازگار با شرایط اقلیمی و آب و هوایی شکل گرفته‌اند. لباس‌های کردی عموماً به دو دسته اصلی تقسیم

می‌شود: نخست لباس‌هایی که استفاده عمومی دارند و در زندگی روزمره به کار می‌روند، و دوم لباس‌هایی متمایز که برای مجالس رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نوروز استفاده از لباس رسمی کردی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ مردم کردستان برخوردار است. کردستان با وجود این لباس‌های رنگارنگ و زیبا، هنگام نوروز به رنگین‌کمانی زیبا مبدل می‌شود. از دیگر مظاهر فرهنگ کردستان برپایی جشن و پایکوبی به صورت دسته‌جمعی است. در ایام نوروز مردم گرد هم می‌آیند و با نواختن طبل، نی و... و نیز خواندن اشعاری کردی و انجام پایکوبی‌های سنتی گروهی کردی، فرا رسیدن بهار را جشن می‌گیرند. **عرفان احمدی**، دانش‌آموز سال سوم رشته انسانی درباره پایکوبی‌های کردی می‌گوید: «در این جا هر قوم آداب و رسوم و پایکوبی مخصوص به خود را دارد. پایکوبی‌هایی نظیر سورانی، هرامانی، کرمانجی، شکاک و... از این نوع‌اند، که هر یک مفهوم و پیام مخصوص خود را دارند؛ پیامی مثل هم‌بستگی و اتحاد و دوری از کینه این پایکوبی‌ها پیام آور تحول و حیات دوباره‌اند و باعث می‌شود نوروز در کردستان به شکل ویژه و متفاوتی برگزار شود.»

سروه فاسمی، دانش‌آموز سال سوم رشته انسانی از شهرستان مریوان، در این باره می‌گوید: «ما هم عید نوروز را جشن می‌گیریم، اما جشن ما با جشن دیگر اقوام خیلی متفاوت است؛ چراکه آداب و رسوم قدیمی ما همچنان پابرجا هستند. برای مثال ما، شب قبل از عید آتش برپا می‌کنیم. در مریوان آتش در منطقه «چوروننه» برپا می‌شود. تقریباً تمام مردم شهر

به این منطقه می‌روند تا در جشن برپایی آتش شرکت کنند و کمتر کسی در خانه می‌ماند. معمولاً مشعل را به دست یکی از ریش‌سفیدهای روستا می‌دهند تا آتش را روشن کند. این آتش هر می شکل و بسیار بزرگ است. پس از روشن شدن آن، مردم به شادی و پایکوبی می‌پردازند و از غروب آفتاب در این منطقه می‌مانند تا زمانی که روشنایی آتش در آسمان دیده شود و سیاهی شب با آتش متضاد باشد. پس از جشن، مردم منطقه در کنار یکدیگر شام می‌خورند. غذای معمولی این شب **دلمه** است.»

محمد پیری، دانش‌آموز سال دوم انسانی اضافه می‌کند: «آتش نماد نور و روشنایی است که در حقیقت با آمدن بهار به زندگی مردم برمی‌گردد.»

محمد امین فتح‌اللهی، دانش‌آموز سال دوم تجربی می‌گوید: «البته می‌توان جور دیگری هم دید. مثلاً قدیمی‌ها می‌گویند ما می‌خواهیم غم و غصه‌های سال گذشته را درون آتش بیندازیم و سال نو را با شادی آغاز کنیم.»

از دیگر مراسم نوروز در کردستان، «شال کشی» یا «شال گردش» است. شب عید نوروز جوانان روی پشت‌بام‌ها می‌روند و شال خود را برای گرفتن عیدی از سوراخ پشت‌بام‌های خانه‌های قدیمی به داخل می‌فرستند. در ساختمان‌های جدید

گرچه مراسم برپایی آتش نوروز در کردستان رایج است، اما نحوه اجرای مراسم آن در هر منطقه مخصوص همان منطقه

است. مثلاً در بیجار هر محله آتشی مخصوص به خود روشن می‌کند و آتشی مرکزی وجود ندارد. در شهرستان بانه کوهی به نام «آربابا» وجود دارد که آتش بسیار بزرگی روی آن روشن می‌کنند. چون این آتش بسیار بزرگ و روی ارتفاع افروخته می‌شود، از داخل شهر قابل مشاهده است. در عین حال بعضی خانواده‌ها هم جلوی در خانه خود آتش کوچکی می‌افروزند.

از فلسفه و چرایی برانگیختن آتش در شب عید پرسیدم. جوانان بانه هر یک از منظری افروختن آتش را تحلیل کردند. **بهرام قادری**، دانش‌آموز اول دبیرستان، می‌گوید: «این کار برگرفته از داستان کاوه آهنگر است. او بعد از موفقیتش در برابر ضحاک، روی کوه آتش روشن کرد و مردم این راه را ادامه داده‌اند.»



که فاقد دودکش هستند، شال را از پنجره به پایین می‌فرستند و صاحب‌خانه، پول، شیرینی، تخم‌مرغ رنگ‌شده و هر نوع هدیه دیگری را در شال می‌گذارد.

علیرضا علی حسینی، دانش‌آموز سال سوم ریاضی از شهرستان بیجار، درباره اجرای مراسم شال گردش می‌گوید: «جوانان سعی می‌کنند که در ایام نوروز به پشت‌بام خانه‌ها بروند و از همه خانه‌ها هدیه بگیرند. این مراسم در بیجار هنوز پررنگ و برقرار است. خانواده‌ها هم سعی می‌کنند تا با دادن شیرینی و هدایای گوناگون در شادی جوانان سهیم باشند.»

رفتن مردم به کوه و دشت و استفاده از طبیعت، از دیگر رسوم خطه کردستان در نوروز است. **بشری**

است. مثلاً در بیجار هر محله آتشی مخصوص به خود روشن می‌کند و آتشی مرکزی وجود ندارد. در شهرستان بانه کوهی به نام «آربابا» وجود دارد که آتش بسیار بزرگی روی آن روشن می‌کنند. چون این آتش بسیار بزرگ و روی ارتفاع افروخته می‌شود، از داخل شهر قابل مشاهده است. در عین حال بعضی خانواده‌ها هم جلوی در خانه خود آتش کوچکی می‌افروزند.

از فلسفه و چرایی برانگیختن آتش در شب عید پرسیدم. جوانان بانه هر یک از منظری افروختن آتش را تحلیل کردند. **بهرام قادری**، دانش‌آموز اول دبیرستان، می‌گوید: «این کار برگرفته از داستان کاوه آهنگر است. او بعد از موفقیتش در برابر ضحاک، روی کوه آتش روشن کرد و مردم این راه را ادامه داده‌اند.»

حقیقت این است که در کردستان افراد در خانواده، جامعه، مدرسه و گروه‌های دوستی با یکدیگر فقط به زبان کردی سخن می‌گویند: این موضوع موجب می‌شود که دانش‌آموزان در درک فارسی و محاوره دچار مشقت شوند و دبیران نیز در تدریس با مشکلاتی روبه‌رو باشند

ما در نوروز برای گردش به دشت می‌رویم که غالباً این گردش روزهای جمعه است. در آن‌جا مردم عموماً یک غذای محلی به نام «کلانه» می‌پزند

شکری، دانش‌آموز سال سوم انسانی از شهر مریوان، می‌گوید: «ما در نوروز برای گردش به دشت می‌رویم که غالباً این گردش روزهای جمعه است. در آن‌جا مردم عموماً یک غذای محلی به نام «کلانه» می‌پزند». حیات دوباره طبیعت بهانه‌ای به دست ریش‌سفیدان کردستانی می‌دهد تا فرصت نوروز را برای آشتی دادن افراد غنیمت‌شمارند و دوستی‌های مجدد را احیا کنند. این سنت حسنه از جمله رسومی است که در شهرهای متفاوت کردستان وجود دارد و فراگیر است.

نیاز به مشاور رو به فزونی است

به علت پیشرفت علم و به دنبال آن تنوع در رشته‌های تحصیلی، ادغام برخی از رشته‌های دانشگاهی، ایجاد دانشگاه‌های متعدد با شرایط جدید و در مکان‌های متفاوت، ایجاد رشته‌های ناشناخته دانشگاهی و توجه بیشتر مردم به مسئله‌ی علاقه و استعداد در انتخاب رشته‌ی درسی، و گسترش دنیای ارتباطات و آشنایی با مکان‌های آموزشی خارج از کشور، همه عواملی هستند که امروزه باعث شده‌اند، توجه افراد به مشاوره‌ی تحصیلی بیشتر از قبل باشد. خوشبختانه در مدارس و آموزشگاه‌ها شاهد فعالیت مشاوران در زمینه‌ی مشاوره‌ی تحصیلی هستیم.

اهمیت بحث مشاوره‌ی تحصیلی در مدارس موجب شد تا نیم‌نگاهی به مشاوره‌ی تحصیلی در کردستان بیندازیم. از بچه‌ها می‌پرسیم که رشته‌ی تحصیلی خود را چگونه انتخاب کرده‌اند. **سامان خدایی** که در دوره‌ی پیش‌دانشگاهی رشته‌ی تجربی درس می‌خواند می‌گوید: «من به رشته‌های فنی و حرفه‌ای علاقه داشتم، اما مرا به زور به تجربی فرستادند. چون براساس معدل و نمره‌هایی که کسب کردم، رشته‌ی تجربی در اولویت اول من قرار داشت. اما وقتی به رشته‌ی تجربی رفتم، در سال دوم ضربه‌اش را خوردم و ۱۱ واحد افتادم.»

آرش عثمانی، دانش‌آموز سال سوم تجربی هم اضافه می‌کند: «تجربی اولویت پنجم من بود، اما مشاور به من گفت برو تجربی.»

می‌پرسیم آیا در انتخاب رشته اجباری در کار بوده است و آیا دیگران به جای دانش‌آموزان تصمیم‌گیرنده بوده‌اند. **بهمن احمدی**، دانش‌آموز سال سوم ریاضی پاسخ می‌دهد: «هیچ کس برای انتخاب رشته دانش‌آموز را مجبور نمی‌کند. اما اغلب بچه‌ها به توصیه‌های مشاور گوش می‌دهند. چون درس‌های سال اول طوری است که نمی‌توانی بگویی به کدامش علاقه داری.»

به نظر می‌رسد بچه‌ها در حالتی گنگ سر می‌برند. بعضی علاقه‌ای به رشته‌ی تحصیلی خود ندارند، بعضی نمی‌دانند که چرا رشته‌ی خود را برگزیده‌اند و برخی هم نمی‌دانند که چه آینده‌ای پیش رو دارند. **آرش عثمانی** می‌گوید: «آموزش و پرورش باید برای بچه‌های پایه‌ی اول مشاوران سطح بالا بیاورد تا او با تک‌تک بچه‌ها صحبت کند و از علاقه‌مندی‌هایشان بپرسد، استعدادشان را بسنجد، درباره‌ی رشته توضیحاتی بدهد و در نهایت بگذارد که خود دانش‌آموز تصمیم بگیرد.»

هادی زارعی، دانش‌آموز سال اول با معدل ۱۹/۱ است، اما دقیقاً نمی‌داند که چگونه باید برای انتخاب رشته خود تصمیم بگیرد. **پیمان رحمانی** هم دانش‌آموز سال اول است با معدل ۱۵/۱. او به درس زیست‌شناسی علاقه دارد، اما مشاور به او توصیه کرده است که به فنی و حرفه‌ای برود. می‌گوید: «نمی‌دانم چه تصمیمی بگیرم...»

فارغ از اینکه فعالیت مشاوران چقدر صحیح بوده است، به نظر می‌رسد دانش‌آموزان در قبال توصیه‌های مشاوران قانع نشده و منطق مطرح شده را چندان نپذیرفته‌اند. همچنین، اطلاعاتی که در خصوص رشته‌ی آتی تحصیلی دانشگاهی خود در اختیارشان قرار گرفته، ناکافی بوده و تصویری مبهم از آینده‌ی تحصیلی را برایشان رقم زده است. همچنین، نیاز به مشاوران تحصیلی زبده و آگاه از رشته‌های جدید دانشگاهی و تا حدی مطلع از بازار کار، بارها در بیان دانش‌آموزان تکرار می‌شود. شایان ذکر است، میزان آگاهی دانش‌آموزان از رشته‌ی تحصیلی خود و رشته‌های دانشگاهی از فردی به فرد دیگر و از مدرسه‌ای به مدرسه‌ی دیگر متفاوت به نظر می‌رسد. برای مثال، آگاهی و رضایتمندی دانش‌آموزان از مشاوره‌ی تحصیلی در بیجار و سنندج به مراتب بیشتر از مریوان و بانه است.

در کتاب درسی سال اول دوره‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای درباره‌ی مشاوره‌ی تحصیلی آمده است: «... مشاوران می‌کوشند با ایجاد رابطه‌ی صمیمانه و دوجانبه با دانش‌آموزان در بررسی مشکلاتشان از جوانب و دیدگاه‌های مختلف به ایشان کمک کنند، تا ضمن یادگیری فرایند مشکل‌گشایی، بتوانند با بینشی



این جمله را **هوشیار توکلی**، دانش‌آموز سال سوم ریاضی می‌گوید و **محمد قربانی** دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی رشته تجربی ادامه می‌دهد: «اگر معلم فارسی درس بدهد، بهتر است. چون من همین الان استرس دارم که چطور جلوی شما فارسی حرف بزنم».

ما با تعجب می‌پرسیم که مگر در کلاس‌های شما تدریس به زبان کردی انجام می‌شود که آن‌ها پاسخ مثبت می‌دهند. باز می‌پرسیم که دبیران درس‌ها را چطور به زبان کردی آموزش می‌دهند و آیا دانش‌آموزان از این باب با مشکلی مواجه نشده‌اند؟ هوشیار توکلی می‌گوید: «معلم کتاب را به کردی ترجمه می‌کند و درس می‌دهد».

سامان خدایی می‌افزاید: «مشکل ما این است که معلم‌ها کردی درس می‌دهند، اما کتاب فارسی است. وقتی بچه‌ها کتاب را می‌خوانند، مفهومی را خوب نمی‌فهمند».

پیمان رحمانی می‌گوید: «چون ما درس‌ها را به کردی یاد می‌گیریم، اگر مطلبی از ذهنمان برود و بخواهیم کتاب را مرور کنیم، دیگر نمی‌توانیم مطلب را درک کنیم. من که ۱۲ سال است کردی یاد گرفته‌ام، اگر بخواهم فارسی بخوانم و صحبت کنم، خیلی برایم سخت است».

بچه‌ها می‌گویند اگر دانش‌آموزی غیر کردزبان به کردستان بیاید، مجبور می‌شود کردی یاد بگیرد؛ چنان که تاکنون چند مورد رخ داده است. چون به هنگام تدریس معلم به زبان فارسی، دانش‌آموزان اعتراض می‌کنند که مفاهیم را درک نمی‌کنند. می‌پرسیم: آیا کتاب درسی برای فراگیری زبان فارسی کافی بوده است؟ خدایی می‌گوید: «من یک

وسیع و همه‌جانبه به مسائل بنگرند و موفق به اخذ تصمیمات مناسب شوند. در ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره، مشاور برای هیچ دانش‌آموزی تصمیم نمی‌گیرد و یا به او القای نظر نمی‌کند. تصمیم‌گیری اختیار، انتخاب و مسئولیت‌تأم خود دانش‌آموز است. مشاور فقط می‌کوشد مسئله انتخاب و تصمیم‌گیری را که کاری بسیار دشوار است، برای وی آسان سازد. در حقیقت مشاور در حل مشکل فقط می‌تواند با همدلی و هم‌فکری به بررسی راه‌حل‌ها بپردازد».

چگونه باید حرف زد!

گاه برای طرح مسائل ما به سراغ پدیده می‌رویم و گاه پدیده به سراغمان می‌آید! در کردستان وارد مدرسه که می‌شدیم، مدیر یا دبیر در جمعمان حاضر می‌شد و به زبان کردی موضوع گفت‌وگو را شرح می‌داد؛ گویی که سعی داشت دل‌ها را آرام کند و سؤالات را تفهیم!

بچه‌ها نیز با اصرار می‌خواستند قبل از گفت‌وگو سؤالات بازگو و تشریح شوند. این ماجرا به جز بیچار، در سهندج، مریوان و بانه تکرار شد. در آغاز گفت‌وگو، بچه‌ها از استرس و اضطراب سخن به میان می‌آوردند و ما با این دید که فضای گفت‌وگو موجب دل‌پره‌هاست، سعی می‌کردیم صمیمیت را جای‌گزین سازیم. اما عجیب آن بود که هرچه پیش می‌رفتیم، از جمله‌های دارای قالب‌های کتابی و رسمی کاسته نمی‌شد و سرانجام اعتراض ما به این موضوع چنین پاسخی در پی داشت: «همه دغدغه ما این است که چطور فارسی را صحیح صحبت کنیم!»

برادر کلاس سوم ابتدایی دارم. اما او هنوز نمی‌تواند کتاب را راحت بخواند. به نظرم کتاب‌های ابتدایی برای اقوامی که زبان مادری‌شان متفاوت است، خوب نگارش نشده است تا در حقیقت یک زبان را به افراد بیاموزد.»

لابه‌لای گفت‌وگو، یکی از بچه‌ها معنی فارسی کلمه‌ای را می‌پرسد تا جمله‌اش را کامل کند. برخی در پاسخ می‌گویند: «علاقه». دیگری «بزه» را «مفید» معنی می‌کند. اصطلاحاتی رایج و نه چندان پیچیده را غلط به کار می‌برند و در پایان یادآوری می‌کنند که:

«برای فارسی صحبت کردن استرس داشتیم.»

حقیقت این است که در کردستان افراد در خانواده، جامعه، مدرسه و گروه‌های دوستی با یکدیگر فقط به زبان کردی سخن می‌گویند: این موضوع موجب می‌شود که دانش‌آموزان در درک فارسی و محاوره دچار مشقت شوند و دبیران نیز در تدریس با مشکلاتی روبه‌رو باشند.

دغدغه‌های دانش‌آموزی

دردی برای تمام فصول

مهم‌ترین دغدغه دانش‌آموز کردستانی چیست؟ این پرسش اساسی ما در این بررسی‌ها بود که بی‌مقدمه پاسخش را جویا می‌شوم. از بچه‌ها می‌خواهم از دغدغه‌هایشان بگویند. از دل مشغولی‌های نوجوان امروزی می‌گویند و می‌گویند، اما سر خط همه گفته‌ها به یک نقطه می‌رسد: «بیکاری!...»

حسام مغاذی، دانش‌آموز سال سوم رشته انسانی می‌گوید: «مشکل اصلی ما کمبود کار است. اگر کسی نخواهد ادامه تحصیل بدهد، باید سربار خانواده باشد و نمی‌تواند در این جامعه زندگی کند.»

فرزاد نوری، هم‌کلاسی او، در جواب دوستش می‌گوید: «مسئله این است که اگر کسی درس بخواند هم سربار خانواده می‌شود، چون حقیقتاً کار نیست.»

اغلب بچه‌هایی که در این جمع با ما سخن می‌گویند، تابستان‌ها کارگری می‌کنند. **عرفان احمدی** در این باره می‌گوید: «من خودم تابستان‌ها کار می‌کنم. من درس می‌خوانم که مجبور نباشم زیر آفتاب داغ و با حداقل دستمزد کار کنم. اما در چنین شرایطی چه امیدی به آینده دارم؟»

وجود فارغ‌التحصیلانی که به ناچار در رشته‌ای به جز رشته تحصیلی خود کار می‌کنند و به مشاغل نظیر کارگری می‌پردازند نیز، از جمله مصادیقی است که بر دلواپسی‌های جامعه دانش‌آموزی می‌افزاید

شاگرد اول‌ها هم نظر مشابهی دارند. **پویا وزیری**، دانش‌آموز سال دوم انسانی که جزو شاگردان برتر کلاس است، می‌گوید: «معدل من خوب است، اما هیچ امیدی به آینده شغلی خودم ندارم.»

عرفان احمدی می‌افزاید: «بین فامیل و آشناهای ما چند مورد لیسانس و فوق‌لیسانس بیکار داریم. با وجود این، من هم از آینده‌ام می‌ترسم.»

وجود فارغ‌التحصیلانی که به ناچار در رشته‌ای به جز رشته تحصیلی خود کار می‌کنند و به مشاغل نظیر کارگری می‌پردازند نیز، از جمله مصادیقی است که بر دلواپسی‌های جامعه دانش‌آموزی می‌افزاید. به استناد سایت استنادی کردستان، این استان جزو استان‌های توسعه‌نیافته صنعتی است و صنعت استان در کل کشور در رتبه بیست و ششم قرار دارد. در بخش کشاورزی این استان در مقایسه با سایر استان‌ها در کشت آبی رتبه هجدهم و در کشت دیم رتبه دوم را دارد.

به گزارش «مرکز آمار ایران» نرخ بیکاری کردستان در بهار ۱۳۹۱ حدود ۱۱/۹ درصد بوده است و جایگاه سیزدهم را میان استان‌های کشور دارد. بحث بیکاری و فقر در نقاط مختلف کردستان اثرات متفاوتی بر جای گذاشته است. برای مثال، در شهر بیجار باعث ایجاد پدیده مهاجرت شده است. این مهاجرت تا آنجا پیش رفته که آمار جمعیتی این شهر رشد منفی داشته است. اما در شهر بانه به دلیل هم‌جواری آن با مرز عراق موجب تغییراتی در بافت شهر و ایجاد مشاغل کاذب شده است.

برق بازارهایی که کور می‌کند

شهرهای مرزی همواره شرایط ویژه و متمایزی دارند. هم‌جواری شهر بانه با مرز عراق و برقراری روابط بازرگانی با مناطق مرزی و نیز شکل‌گیری پاساژها و بازارهای تجاری در بانه، چندی است که نگرانی مسئولان آموزشی استان را برانگیخته است. در برخی سال‌ها بانه آمار رو به رشد و یا بالایی در افت تحصیلی و ترک تحصیل داشته است. همچنین کاهش قابل توجهی در قبولی دانش‌آموزان این شهر در کنکور سراسری مشاهده می‌شود. از این رو مصمم شدیم دلایل افت تحصیلی مذکور را بیابیم. از دانش‌آموزان «دبیرستان شهید صدوقی» بانه می‌پرسیم: آیا بازارهای تجاری بانه تأثیری در افت تحصیلی دانش‌آموزان داشته‌اند؟

پیمان رحمانی در پاسخ می‌گوید: «چون فقر در آنجا است، دانش‌آموزان بانه ترک تحصیل می‌کنند و به سمت کار و تجارت می‌روند و علاقه به درس کمتر شده است.»

آرام مازوجی (دانش آموز): «آن زمان که کالا از طریق قاطر حمل می‌شد، دانش‌آموزان به سمت تحصیل گرایش داشتند و دانش‌آموزان بانه رتبه‌های بالایی در کنکور می‌آوردند. اما در چند سال اخیر که مرزها بسته شده‌اند و حمل بار توسط کول‌بری است، دانش‌آموزان به خاطر فقر به این کار روی آورده‌اند»

وقتی تضارب آرا میان بچه‌ها بالا می‌گیرد، آرش عثمانی نقش فرهنگ را در ترک تحصیل بیش از هر نکته دیگری می‌داند و می‌گوید: «فقط قشر فقیر نیستند که ترک تحصیل می‌کنند. ما افراد پول‌داری داریم که مانع تحصیل فرزندشان می‌شوند و معتقدند که کار در بازار برای فرزندشان بهتر است؛ چون احترام به دانش‌اندک است. در مقابل بعضی خانواده‌های فقیر هستند و حاضرند با سختی هزینه تحصیل فرزندشان را تأمین کنند تا او درس بخواند. این نگاه فرهنگی بحثی کلی است که می‌تواند همه جا باشد، اما چون بانه فضایی تجاری دارد نمودش بیشتر است».

برایند گفته‌های دانش‌آموزان حاکی از آن است که از وجود چنین بازاری در بانه رضایت دارند و معتقدند که برایشان مزایایی به ارمغان آورده است. اشتغال‌زایی، کاهش فقر و ورود لوازم الکترونیکی جدید، به ویژه با قیمتی ارزان‌تر را از جمله مزیت‌های این بازار مرزی می‌دانند. البته ادامه می‌دهند که در صورت احداث کارخانه و رونق اشتغال‌زایی، بخش قابل توجهی از افراد به سمت مشاغل گرایش خواهند داشت که از نظر اجتماعی موجه و برای کشور مفید باشد.

در حاشیه بحث اشتغال دانش‌آموزی موضوع دیگری طرح می‌شود که شایان توجه است. آنان یادآور می‌شوند که بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل نیاز مالی می‌باید تعطیلات تابستانی خود را کار کنند. در طول سال تحصیلی هم به مدرسه می‌آیند و به مباحث آموزشی اشتغال دارند. در حقیقت تفریح و سرگرمی در زندگی آنان حلقه‌ای مفقود است. از اردوهای مدارس می‌پرسیم و اینکه در طول سال چه تعداد اردو وجود دارد. بچه‌های مدرسه شهید صدوقی می‌گویند در طول سال تحصیلی گذشته به اردو نرفته‌اند. پاسخ مشابه را در مدارس شهرهای بیجار، سنندج و مریوان هم دریافت کردیم. مسئولین آموزش و پرورش استان علت برگزار نشدن اردوهای دانش‌آموزی را کمبود منابع مالی و امکانات می‌دانند؛ به نحوی که نمی‌توانند همچون مدارس کلان‌شهرها برای دانش‌آموزان اردو برگزار کنند.

منابع

1. <http://irna.ir/Newsshow.aspx>
2. <http://www.ostan-kd.ir>
3. <http://www.entekhab.ir>

آرام مازوجی ادامه می‌دهد: «آن زمان که کالا از طریق قاطر حمل می‌شد، دانش‌آموزان به سمت تحصیل گرایش داشتند و دانش‌آموزان بانه رتبه‌های بالایی در کنکور می‌آوردند. اما در چند سال اخیر که مرزها بسته شده‌اند و حمل بار توسط کول‌بری است، دانش‌آموزان به خاطر فقر به این کار روی آورده‌اند که بعضی هم به دلیل آشنا نبودن با مسیر، روی مین رفته‌اند و جان خود را از دست داده‌اند یا بعضی از اعضای بدنشان قطع شده است. الان اگر به رتبه‌های کنکور نگاهی بیندازید می‌بینید که بچه‌های شهرستان بانه نمی‌توانند رتبه‌های گذشته خود را در کنکور کسب کنند».

محمد قربانی می‌افزاید: «البته این تأثیرات منفی بیشتر متوجه دانش‌آموزانی شده است که در روستاهای نزدیک مرز زندگی می‌کنند».

سعید مصطفایی می‌گوید: «در ابتدا دانش‌آموزان سه ماه تابستان را در بازار کار می‌کنند. اما وقتی درآمدش را می‌بینند، کم‌کم از ادامه تحصیل منصرف می‌شوند. زیرا احساس می‌کنند که این کار درآمدش بهتر است و با کاسبی در بازار به موفقیت بالایی می‌رسند».

دلایل گوناگونی به عنوان انگیزه ترک تحصیل و با عدم انگیزه کافی برای تحصیل از جانب دانش‌آموزان مطرح می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کسب درآمدهای وسوسه‌انگیز (درآمد یک روز معادل چندین روز کاری)؛ نیاز مالی ناشی از فقر شدید؛ فقدان فرهنگ ارزش نهادن به کسب دانش؛ مبهم بودن آینده شغلی دانش‌آموزان در صورت ادامه تحصیل؛ وجود مصادیقی که تحصیل را با انگیزه کسب ثروت رها کرده و موفقیت‌های چشم‌گیری در این عرصه داشته‌اند. اکثر دانش‌آموزان از هم‌کلاسی‌هایی می‌گویند که رفته‌رفته طی سال‌های تحصیل راه کج کرده و مدرسه را به بهانه کار رها کرده‌اند. اغلب کسانی هم که ترک تحصیل نکرده‌اند، کار در بازار را چه به عنوان مغازه‌دار، چه شاگرد مغازه و چه دست‌فروش تجربه کرده‌اند.

سامان خدایی دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی می‌گوید: «به جرئت می‌گویم تقریباً همه بچه‌های جمع حاضر در بازار کار کرده‌اند». (البته او خود را استثنا می‌کند. جمع ۱۱ نفر است و کسی با گفته او مخالفت نمی‌کند).

اغلب بچه‌ها بر این باورند که رونق تجارت در بانه موجب کاهش فقر در این شهر شده است، اما سامان خدایی نظر دیگری دارد: «من فکر می‌کنم ما هنوز فقرای زیادی در بانه داریم. فقرا کم نشده‌اند بلکه بین ثروتمندان گم شده‌اند. من از ۲۶۰ دانش‌آموز مدرسه خودمان ۸۰ دانش‌آموز را می‌شناسم که خودشان در مرز کار می‌کنند، اما نمی‌توانند این مطلب را علنی بیان کنند. این افراد در جامعه پنهان می‌شوند».

آشنایی با روزهای ملی

زهرا صادقی

مانند استفاده دوندگان برای حمل پیام‌های فرمانروایان، استفاده از دود، نور، پرچم، کبوتران نامه‌بر و اسب، به علائم الکتریکی تحت عنوان تلگراف، امواج رادیویی و تصویری تا ارتباطات ماهواره‌ای و سیستم‌های پیشرفته انتقال هم‌زمان و سریع اطلاعات، صوت و تصویر از طریق کابل فیبر نوری تکامل یافته است.

در ۱۷ می ۱۸۶۵ «اتحادیه تلگراف بین‌المللی» در پاریس تشکیل شد و در ۳۰ اکتبر ۱۹۰۶ میلادی در همین اتحادیه تصمیم گرفته شد که «اتحادیه رادیو و تلگراف بین‌المللی» نیز تشکیل شود. در ۹ دسامبر سال ۱۹۳۲ به موجب «عهدنامه مادرید» با وحدت این دو اتحادیه، «اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور» شروع به کار کرد. نهاد مذکور پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل، به موجب تصمیم کنفرانس عمومی نمایندگان دولت‌های عضو، به صورت نهاد تخصصی سازمان ملل درآمد و از آن زمان تاکنون، جزو مؤسسات ویژه سازمان ملل متحد است. از اواخر سال ۱۹۷۰، کشورهای جهان سوم از طریق این اتحادیه کوشش‌های وسیعی را برای رسیدن به دو هدف مشخص در پیش گرفتند: نخست، تقسیم و توزیع عادلانه امواج رادیویی و دیگر، توزیع عادلانه کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای پخش مستقیم در سراسر جهان. اقدام مهم دیگر این اتحادیه کمک به کشورهای جهان سوم برای توسعه ارتباطات و کاربرد هر چه بیشتر آن در توسعه ملی کشور بوده است.

بهار همیشه با شادی و شکوفایی همراه است و همیشه نیز نوید پختگی و تجربه را به ارمغان می‌آورد. رویدادها، مناسبت‌ها و ایام‌الله گوناگون را می‌توان در آینه این فصل با شادی، شکوفایی و پختگی دنبال کرد و از قبل آن، سبد فرهنگ کشور را با افتخار و غرور ملی تزئین کرد. ما اینجا کوشیده‌ایم با یادی از آن ایام زیر عنوان «آشنایی با روزهای ملی»، این نشاط، شادمانی و غرور ملی را برای مخاطبان فرهیخته و گران‌قدر خود بازآفرینی کنیم و عبرت‌های اجتماعی فرهنگی را اشاعه دهیم.

در بهاران سال ۱۳۹۲ و در این روزها، ما با مناسبت‌های فراوانی روبه‌رو هستیم که در این نوشتار تنها به برخی از آن‌ها که جنبه اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند، پرداخته‌ایم؛ باشد که در پناه توفیقات الهی بتوانیم مخاطبان خود را راضی نگه داریم. مناسبت‌های منتخب ما از این قرارند:

۹ اردیبهشت: روز ملی شورا

۱۰ اردیبهشت: روز ملی خلیج فارس

۱۱ اردیبهشت: روز جهانی کارگر

۱۲ اردیبهشت: شهادت استاد مرتضی مطهری

۲۷ اردیبهشت: روز جهانی ارتباطات

۲۷ اردیبهشت (۱۷ می) روز جهانی ارتباطات و یا «روز

جهانی جامعه اطلاعاتی» نام نهاده شده است. از گذشته تاکنون برقراری ارتباط با هم‌نوع، همواره یکی از مسائل بسیار مهم برای انسان محسوب می‌شده و از صورت‌هایی



سایر مزایا) به درخواست کارفرما کار می‌کند. کارگر در دیدگاه اسلام بسیار محترم و ارزشمند است، به طوری که رسول گرامی اسلام (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و سایر امامان معصوم (ع) از کار و کارگر تجلیل کرده‌اند و خود نیز کار می‌کردند. در تاریخ منقول است که حضرت علی (ع) باغ‌های دیگران را آبیاری می‌کرد و از آن‌ها دستمزد می‌گرفت. حق کسی که کارهای (خانه، مغازه، کارگاه و کارخانه) تو را انجام می‌دهد، آن است که بدانی او را خدا خلق کرده و در حقیقت از پدر و مادر تو است (آدم و حوا). تو مالک و خالق او نیستی و رزق او نیز در دست تو نیست. پس به او نیکی کن و آزارش مده.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «حق کارگر بر کارفرما آن است که لباس و غذای خوب به او بدهد و بیش از حد طاقت، او را به کار و ندارد.»

شخصی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: «تا چه مقدار اشتباهات و نافرمانی‌های کارگر را مورد عفو قرار دهیم؟» حضرت پس از مدتی سکوت فرمود: «روزی هفتاد مرتبه از او درگذر» و نیز فرمود: «همه شما نسبت به زیردستان و کارگزاران خود مسئول هستید.»

به هر حال حقوق کارگر بر کارفرما به‌طور خلاصه به این شرح است:

۱. خوراک و لباس او را به نحو مطلوب تأمین کند.
۲. بیش از اندازه طاقت از او کار نکشد.
۳. متکبران با او رفتار نکند.
۴. از خطاها و نافرمانی‌های او درگذرد.
۵. دستمزد و حقوق او را کاملاً بپردازد.

روش‌های ترویج اشتغال

رسول اکرم (ص) برای ایجاد انگیزه تولید و کسب درآمد در مسلمانان، از روش‌های متفاوتی بهره می‌گرفت که به برخی از آنان اشاره می‌شود:

در نگرش جدید، رسانه‌های همگانی به‌عنوان بخشی از تمامیت ارتباطات در صحنه جهانی ارزیابی می‌شوند. توسعه ارتباطات در جهان معاصر آثار مثبت بسیاری داشته است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: تسهیل هم‌گرایی سیاسی در داخل جوامع و بین ملت‌ها در صحنه بین‌المللی؛ توسعه شهرنشینی، ارتقای سطح سواد، افزایش درآمد سرانه و تقویت پیوندهای اجتماعی بین جوامع که نهایتاً روند دستیابی به «رفاه اقتصادی» را هموار خواهد کرد؛ افزایش مناسبات و مبادلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و علمی میان ملل و اقوام گوناگون و از میان رفتن فواصل جغرافیایی و کمک به برقراری تفاهم، هم‌بستگی، هم‌گونی و همکاری بین‌المللی. کمک به پیشبرد سیاست‌های ملی، افزایش سطح مشارکت اجتماعی، برقراری وضع مناسب برای حل و فصل بحران‌های نفوذ، مشارکت، هویت و مشروعیت، کمک به برقراری صلح جهانی از طریق تغییر در تصورات دو طرف مناقشه و ایجاد تصورات دوستانه، گسترش صلح و ثبات و امنیت، آگاه ساختن ملت‌ها از سنت‌های ریشه‌دار ملی و تاریخی، کمک به گسترش آزادی و احترام به حقوق انسانی از دیگر آثار مثبت آن است.

روز جهانی کارگر، ۱۱ اردیبهشت

روز جهانی کارگر یادمان شورش کارگران آمریکایی در اول ماه می ۱۸۸۶ در «شیکاگو» است که هر سال در بسیاری از کشورهای جهان جشن گرفته می‌شود. ایالات متحده و کانادا نخستین دوشنبه هر سپتامبر (شهریورماه) را به‌عنوان «روز کارگر» برگزار می‌کنند.

کارگر و حقوق او

کارگر از نظر قانون کار کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت «حق السعی» (اعم از مزد، حقوق، سهم سود و



الف زمینه‌سازی برای رشد استعدادها

آن حضرت با استفاده از فرصت‌های مناسب برای شکوفایی نیروهای درونی و استعداد‌های نهفته افراد، زمینه‌سازی می‌کرد و از این طریق، در آنان انگیزه تولید و کسب درآمد را تقویت می‌کرد. روایت زیر نشانگر این روش رسول گرامی است.

«مردی از اصحاب در تنگنای زندگی قرار گرفت. وی که دارای شغل مناسبی نبود و بسیاری اوقات از بی‌کاری رنج می‌برد، خانه‌نشین شد. روزی همسرش به وی گفت: ای کاش به محضر پیامبر (ص) می‌رفتی و از او درخواست کمک می‌نمودی! مرد با پیشنهاد همسرش به حضور رسول‌الله (ص) رفت. هنگامی که چشم حضرت به او افتاد، فرمود: هر کس از ما کمک بخواهد، ما به او یاری می‌کنیم. ولی اگر بی‌نیازی بورزد و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند.

او پیش خود فکر کرد که مقصود پیامبر من هستم و بدون اینکه سخنی بگویم، به خانه برگشت و ماجرا را برای همسرش بازگو کرد. زن گفت: رسول خدا (ص) هم بشر است. او را از وضع زندگی پرمشقت خود آگاه کن. مرد ناچار برای بار دوم به حضور پیامبر (ص) رفت، اما قبل از اینکه حرفی بزند، پیامبر (ص) همان سخن قبلی را تکرار کرد. باز هم بدون اظهار حاجت، به خانه برگشت، ولی چون خود را همچنان در چنگال فقر و بی‌کاری، ضعیف و ناتوان می‌دید، برای سومین بار با همان نیت و درخواست به مجلس رسول اکرم (ص) رفت. باز هم لب‌های رسول‌الله (ص) به حرکت درآمد و با همان آهنگ که به دل قوت و به روح اطمینان می‌بخشید، همان جمله را تکرار کرد.

مرد این بار اطمینان بیشتری در قلب خود احساس نمود؛ حس کرد که کلید مشکل خویش را در همین جمله یافته است. وقتی که خارج شد، با قدم‌های مطمئن تری راه می‌رفت. با خود فکر می‌کرد که دیگر به دنبال کمک خواستن از بندگان نخواهم رفت. به خدا تکیه می‌کنم و از نیرو و استعدادی که در وجودم به ودیعت نهاده شده است، بهره می‌گیرم و از او می‌خواهم که مرا در کارهایم موفق گرداند و از دیگران بی‌نیاز سازد. با این نیت، تیشه‌ای قرض کرد و به جانب صحرا رفت. آن روز مقداری هیزم جمع کرد و فروخت و لذت حاصل از دسترنج خویش را چشید. روزهای دیگر به این کار ادامه داد تا به تدریج توانست از حاصل درآمد خویش، ابزار کار را فراهم سازد. باز هم به کار خود ادامه داد تا صاحب سرمایه شد. وی در اثر تلاش و کوشش شبانه‌روزی یکی از افراد ثروتمند گردید. روزی به محضر پیامبر (ص) آمد و وضعیت خود را به آن حضرت گزارش داد که چگونه در آن روز فلاکت‌بار به محضر

ایشان آمد و چگونه سخن پیامبر (ص) وی را به تحرک و کار واداشت. پیامبر (ص) فرمود: من که به تو گفتم: هر کس از ما کمک بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر بی‌نیازی بورزد، خداوند او را کمک خواهد کرد.

ب روش‌های رفتاری

گرچه رهنمودهای رفتاری در تربیت افراد تأثیر دارند، اما اقدام‌های عملی به مراتب بیشتر از شیوه‌های رفتاری مؤثرند. برای همین، پیامبر اکرم (ص) نه تنها با راهنمایی‌ها و زمینه‌سازی‌های خود موجب هدایت افراد به سوی میدان‌های کار می‌شد، بلکه خود عملاً به صحنه می‌رفت و هم‌دوش با دیگران کار می‌کرد. رفتار رسول اکرم (ص) را می‌توان تبلور اصول و ارزش‌های اسلامی دانست. آن حضرت که در صحنه سیاست، حکومت، اخلاق، معارف، علوم و حکمت، خطابه و سایر صفات والای انسانی اسوه تمام عیار مسلمان به‌شمار می‌آید، در رفتار اقتصادی نیز می‌تواند الگویی کارآمد برای موفق زیستن باشد.

سازمان بین‌المللی کار

این سازمان به‌عنوان نهادی خودمختار و وابسته به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۱۹ براساس «معاهده ورسای» برپا شد. موافقت‌نامه مربوط به برقراری رابطه بین این سازمان و سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ به تصویب رسید و آن را به صورت نخستین کارگزار تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد درآورد.

سازمان بین‌المللی کار در جهت پیشبرد عدالت برای افراد شاغل به کار، در تمام نقاط جهان فعالیت می‌کند و عمده فعالیت‌های آن عبارت‌اند از:

۱. تنظیم سیاست‌ها و بین‌المللی کردن برنامه‌ها به‌منظور بهبود شرایط کار و زندگی.
۲. برقراری معیارهای کار به‌عنوان رهنمودهایی برای مسئولان ملی در به اجرا درآوردن این سیاست‌ها.
۳. اجرای برنامه وسیع همکاری‌های فنی برای کمک به دولت‌ها و عملی کردن این سیاست‌ها به شیوه‌ای کارساز و اقدام به کارآموزی.
۴. آموزش و پژوهش به منظور کمک به پیشبرد این تلاش‌ها.

سازمان بین‌المللی کار از آن نظر در میان سازمان‌های جهانی منحصر به فرد است که در امر تنظیم سیاست‌های آن، نمایندگان کارگران و کارفرمایان از حق اظهار نظر برابر با نمایندگان دولت‌ها برخوردارند. «کنفرانس بین‌المللی کار» با حضور چهار عضو از

گرچه رهنمودهای رفتاری در تربیت افراد تأثیر دارند، اما اقدام‌های عملی به مراتب بیشتر از شیوه‌های رفتاری مؤثرند. برای همین، پیامبر اکرم (ص) نه تنها با راهنمایی‌ها و زمینه‌سازی‌های خود موجب هدایت افراد به سوی میدان‌های کار می‌شد، بلکه خود عملاً به صحنه می‌رفت و هم‌دوش با دیگران کار می‌کرد.

شهادت استاد مرتضی مطهری (ره)، ۱۲ اردیبهشت

شهید مرتضی مطهری (۱۳ بهمن، ۱۲۹۸ فریمان - ۱۲ اردیبهشت، ۱۳۵۸ تهران) مفسر قرآن، فیلسوف، متکلم، استاد دانشگاه و از نظریه پردازان نظام جمهوری اسلامی ایران بود. وی که قبل از انقلاب اسلامی استاد دانشگاه تهران بود، بعد از انقلاب به ریاست شورای انقلاب منصوب شد. امام (ره) علاقه زیادی به وی داشت، تا بدان جا که بعد از مرگش گفت: «مطهری پاره تن اسلام بود.» وی آثار زیادی در فلسفه و دین از خود به جای گذاشت و از این رو از وی با عنوان «معلم شهید» یاد می شود و روز شهادتش را روز معلم نام نهاده اند.

تعلیم و تعلم از شئون الهی است. خداوند این موهبت را به پیامبران و اولیای پاک خویش ارزانی کرده است تا مسیر هدایت را به بشر بیاموزند و چنین شد که تعلیم و تعلم به صورت سنت حسنة آفرینش درآمد. انسان نیز با پذیرش این مسئولیت، نام خویش را در این گروه و در قالب واژه مقدس معلم ثبت کرده است. معلم ایمان را بر لوح جان و ضمیرهای پاک حک می کند و ندای فطرت را به گوش همه می رساند. همچنین سیاهی جهل را از دل ها می زداید و زلال دانایی را در روان بشر جاری می سازد.

دغدغه معلم همیشه این است که حیات بشر بر مدار ارزش ها و کرامت انسانی بچرخد و شناخت خدا، مکتب و دین، همت اساسی آدمی باشد و هیچ بیگانه ای را مجال تجاوز به فرهنگ ارزشی دین و میهن فراهم نیاید. در این مسیر خطیر، بزرگانی گام نهاده اند که نامشان بر تارک زمان می درخشد. علامه شهید استاد مرتضی مطهری (رحمه الله) از همین طایفه مقدس است که در سنگر تعلیم و تعلم، به قله های رفیعی دست یافت تا آنجا که معمار انقلاب اسلامی - که خود معلمی بزرگ است - همه آثارش را مفید می داند و بهره برداری از آن ها را سفارش می کند.

هر کشور (دو نماینده از سوی دولت، یک نماینده از طرف کارگران و نماینده ای از سوی کارفرمایان) تشکیل می شود یکی از مهم ترین اهداف سازمان عبارت است از تصویب کنوانسیون ها و توصیه هایی که متضمن برقراری معیارهایی در ارتباط با مسائل کارگری در زمینه هایی مانند آزادی عضویت در تشکل ها، تعیین دستمزدها و ساعات و شرایط کار، جبران خسارت های وارده به کارگران، ارائه بیمه های اجتماعی، برخورداری از مرخصی با استفاده از حقوق، وجود ایمنی صنعتی، و ارائه خدمات اشتغال و بازرسی مسائل مرتبط هستند.

اجرای مقررات کنوانسیون های سازمان بین المللی کار برای کشورهایی که آن ها را امضا کرده اند، الزامی است؛ در حالی که توصیه های سازمان مذکور تنها در حکم رهنمودهایی برای سیاست گذاری، قانون گذاری و شیوه عمل های ملی است. از زمان تأسیس این سازمان تاکنون، بیش از ۳۵۰ کنوانسیون و توصیه نامه به تصویب رسیده است. سازمان برای اجرای مفاد عهدنامه ها توسط کشورهایی که آن ها را تصویب کرده اند، نظارت به عمل می آورد و برای تحقیق در خصوص شکایت های مربوط به نقض حقوق اتحادیه کارگری نیز رویه عمل ویژه ای دارد. کارشناسان سازمان بین المللی کار از طریق برنامه کمک های فنی سازمان در زمینه هایی از قبیل کارآموزی حرفه ای، فنون مدیریت، برنامه ریزی نیروی انسانی، ایمنی و بهداشت محیط کار، سیاست های اشتغال، نظام های امنیت اجتماعی، تعاونی ها و صنایع دستی کوچک مقیاس، به کشورهای عضو باری می رسانند. سازمان بین المللی کار از طریق «مؤسسه بین المللی مطالعات کار» در ژنو و «مرکز بین المللی کارآموزی فنی و حرفه ای پیشرفته» در تورین ایتالیا، فرصت هایی برای آموزش در اختیار می گذارد.

فعالیت های سازمان بین المللی کار که همه اعضا در آن نمایندگی دارند، در فواصل بین اجلاس و سالانه از طریق هیئتی مرکب از نمایندگان ۲۸ کشور عضو هدایت می شود.





با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

رشد نوآموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) • رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) • رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فنی و حرفه‌ای • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نامبر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

توصیه امام سجاد(ع) به دانش‌آموزان

امام سجاد(ع) در زمینه حفظ حقوق معلم می‌فرماید: «حق معلم بر تو آن است که همواره با دیده تعظیم و تکریم به او بنگری، مجلس او را گرامی بداری و به سخنانش با دقت گوش دهی. رو به جانب او بنشینی و صدایت را در حضورش بلند نکنی.»

لزوم دلسوزی معلم نسبت به شاگرد

مرحوم شهید ثانی در مورد لزوم دلسوزی معلم نسبت به شاگرد می‌نویسد: «معلم باید درباره شاگردان خواهان اموری باشد که نسبت به آن‌ها در خود احساس علاقه و دوستی کند. از هرگونه شر و بدی که برای خویش نمی‌پسندد، برای شاگردانش نیز نپسندد، زیرا این‌گونه دلسوزی و برابراندیشی نسبت به شاگردان، حاکی از کمال ایمان معلم و حسن رفتار و برادری، و نمایانگر روح تعاون و هم‌بستگی معلم با آنان است.»

حقوق معلم در آینه فرمایشات حضرت سجاد(ع)

حضرت سجاد(ع) در فرمایشات خود به شاگردان بسیار سفارش کرده است که حقوق معلم را حفظ کنند و محترم بشمارند. ایشان می‌فرماید: «حق کسی که عهده‌دار تعلیم توست، آن است که او را بزرگ شماری و مجلس او را سنگین بداری و نیکو به وی گوش فرا دهی و روی خود را بر او کنی و با او بلند سخن نگویی و کسی را که از او چیزی می‌پرسد تو پاسخ ندهی و بگذاری که خود او پاسخ گو باشد و در مجلس او با هیچ‌کس به صحبت ننشینی و در محضر او بدگویی از کسی نکنی و اگر از او نزد تو بدگویی شد، از او دفاع کنی و عیب‌پوشش باشی و فضایل و مناقب او را آشکار کنی و با دشمنش هم‌نشینی نکنی و یا با دوستش دشمنی نوری. پس چون چنین کردی، فرشتگان خدای تعالی به سود تو گواهی خواهند داد که مقصد و مقصود تو از او و فرا گرفتن دانش او فقط برای خدا بوده است نه به خاطر مردم.»

روز ملی خلیج فارس، ۱۰ اردیبهشت

«شورای عالی انقلاب فرهنگی» باتوجه به هدف قرار دادن هویت فرهنگی و تاریخی ملت ایران از سوی ایادی استکبار جهانی، به‌خصوص برخی از کشورهای همسایه و تلاش آنان برای تحریف نام تاریخی خلیج فارس، به پیشنهاد «شورای فرهنگ عمومی»، روز اخراج پرتغالی‌ها را از تنگه هرمز «روز ملی خلیج فارس» نام‌گذاری کرد. خلیج فارس نام تاریخی آب‌هایی است که از زمان باستان تا به حال این نام را داشته است. بنا بر مدارک متقن، یونانیان آن را «Sinus Persicus»، رومیان «Mare persicum» و عرب‌ها نیز قرن‌ها آن را «خلیج فارس» یا «بحر فارس» می‌نامیدند.

سنگفرش هر خیابان از طلاست

نویسنده: کیم وو چونگ

مترجم: محمد سوری

ناشر: مترجم

نوبت چاپ: سوم، ۱۳۷۳

این کتاب از فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌های مردم دهه ۱۹۶۰ کره جنوبی سخن می‌گوید که چگونه موجب استقرار بنای اقتصادی محکم و تشکیل ملتی قدرتمند شد. فداکاری نسل گذشته رفاه و افتخار نسل امروز را به ارمغان آورد. نویسنده کتاب معتقد است نسل‌های فداکار با تلاش شبانه‌روزی خود چراغ روشن مسیر تاریخ کشور کره هستند. به طوری که در مدت کمتر از ۲۰ سال توانستند درآمد سرانه را از ۵۰ دلار به ۵۰۰۰ دلار برسانند و فقر را ریشه‌کن کنند.

نویسنده کتاب، کیم وو چونگ، فارغ‌التحصیل اقتصاد است. او بعد از ۱۰ سال کار در کارخانه نساجی، از سوی همکارانش لقب جادوگر گرفت. زیرا با دیدن هر پارچه سریع و با دقت می‌توانست مشخصات و کیفیت پارچه را تشخیص دهد. مثلاً از چه الیافی ساخته شده، مراحل مختلف آن چگونه بوده، در رنگ‌آمیزی آن از چه رنگ‌هایی استفاده شده است و غیره. او در رشته ماشین‌آلات متحرک، کشتی‌سازی و حتی هتل‌داری نیز لقب جادوگر گرفت که از این لقب هم بدش نمی‌آید.

نویسنده در این کتاب از تمامی کسانی که مثل خودش تا سرحد مرگ کار می‌کردند، نام می‌برد و یاد می‌کند. به تمامی دوست‌داران شکوفایی و بالندگی کشورمان مطالعه این کتاب را پیشنهاد می‌کنیم. تلاش و جدیت مردم کره جنوبی در آن مرحله تاریخی، الگوی مناسب برای رشد و توسعه هر ملتی است.



برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد: نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

♦ نام مجلات در خواستی:

.....
.....
.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ میزان تحصیلات:

.....

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان: خیابان:

.....

♦ شماره فیش:

♦ مبلغ پرداختی:

.....

♦ پلاک:

♦ شماره پستی:

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
♦ اشتراک مجله: ۱۴-۱۳۹۷۱۳۰۷۷۳۳۹۷۱۱۰/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۶۵۶-۲۱

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال